آشنایی با فقه

شافعی

نصیب الله عمرانی

مجتمع عالی مذاهب واحد گرگان

بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با فقه شافعی

نویسنده:

نصیب الله عمراف

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آشنایی با فقه شافعی

مشخصات کتاب

سرشناسه:عمراف، نصیب الله، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور:آشنایی با فقه شافعی/نصیب الله عمراف

مشخصات نشر:قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:۲۷۰ ص.

فروست:مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)؛۷۹۹. مجتمع عالی مذاهب واحد گرگان.

شابک:۱۲۵۰۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۸۷۷-۲ ؛ ۱۳۰۰۰۰ ریال(چاپ دوم) ؛ ۱۳۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:چاپ دوم : ۱۳۹۴ .

یادداشت:چاپ سوم : ۱۳۹۵.

یادداشت:کتابنامه: ص. [۲۶۹]-۲۷۰.

موضوع:فقه شافعی -- رساله عملیه

موضوع:فقه شافعی -- پرسش ها و پاسخ ها

شناسه افزوده:جامعه المصطفی(ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)

رده بندی کنگره:BP۱۷۷/۸/ع۸۴آ۵ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۳۳

شماره کتابشناسی ملی:۳۵۴۴۰۹۸

ص :۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

آشنایی با فقه شافعی

نصیب الله عمراف

ص :۳

سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش ها و پدیدآمدن دانش های نو،نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ گویی به آن،ایجاد رشته های تحصیلی جدید و تربیت چهره های متخصص را ضروری می نماید.ازاین رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث،با اندیشه های بلند و ارزش های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته های تخصصی،تولید متون جدید و غنی،گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید.این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می شود و گاه در نگارش بحث های علمی،اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم،قانونمند و پویاست.بازنگری در متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر،حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی،سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

ص:۵

«جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه»به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد،تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی،حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله»با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای نصیب الله عمراف مؤلف کتاب آشنایی با فقه شافعی و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند, آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

فهرست

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

ص:۱۱

ص:۱۲

ص:۱۳

ص:۱۴

ص:۱۵

ص:۱۶

ص:۱۷

ص:۱۸

پیشگفتار

دانش فقه از مهم ترین و اصیل ترین دانش های معارف اسلامی است که نخستین ظهور این علم همزمان با ظهور اسلام می باشد.موضوع این علم که احکام شرعی است در زندگی هر مسلمانی از اهمیت بالایی برخوردار است؛چرا که هیچ عملی از اعمال انسان بدون حکم شرعی نیست و بنابر این،در معارف اسلامی که بر مبنای گزاره های وحیانی و سماوی شکل گرفته است،در مورد هر گونه عمل انسان در هر زمینه نظر خاصی ارائه شده است.

با توجه به تاریخ دانش فقه و دوره ها و مراحل شکل گیری این علم-چه در بعد استخراج اصول و قواعد فقهی و چه در بعد استخراج فروعات و مسائل فقهی-که فقهای مذاهب مختلف اسلامی در حقیقت نقش بی بدیل داشته اند و در پی ریزی تمدن بزرگ اسلامی سهم به سزایی ایفا نموده اند،از ابتدا مسائل و فروعات فقهی را در محور های خاص و جداگانه قرار داده،برای جامعه اسلامی این علم را در بسته های منظم و مشخصی تقدیم نموده اند.

مسایل عبادی که تحت عنوان«فقه عبادات»یاد می شود،یکی از محورهای مهم و مورد توجه هر فرد مسلمان بوده و هست.دانستن مسایل مربوط به عبادات از آن جا اهمیت بیشتر پیدا می کند،که مضافا بر ضرورت انجام صحیح عبادات و مراعات تمام شرائط و لوازمات آن،در تحکیم باورها و اعتقادات انسان

ص:۱۹

تأثیر مستقیم داشته و همزمان در رشد ملکات اخلاقی و تثبیت رفتارهای ارزشی نقش بی بدیل دارد.این جاست که در حوزه های علوم دینی از دوران قدیم تا به امروز درس فقه اسلامی از جایگاه ارزنده ای برخوردار بوده و برای هر دانش پژوه علوم اسلامی لازم و ضروری است که در این زمینه مراحل و پایه های مشخص و نعریف شده را بگذرانند تا برای خویش و برای دیگران در صحیح انجام دادن امور عبادی نقش تربیتی و آموزشی داشته باشد.

کتاب«آشنایی با فقه شافعی» که برای دانش پژوهان دوره تمهیدی مجتمع عالی مذاهب واحد گرگان تهیه و تدوین شده است،به عنوان نخستین متن آموزشی در زمینه فقه اسلامی با گرایش مذهب فقهی شافعی برای فراگیران شافعی مذهب می باشد.

مطالب این نوشتار از منابع معتبر فقه مذهب شافعی همچون«الرسائل»امام شافعی،«الوجیز فی الفقه الشافعی»و«احیاء علوم الدین»امام محمد غزالی،«الفقه المنهجی»دکتر مصطفی الخن و دیگران و یا منابع فقه مقارن مثل«بدایه المجتهد»امام ابن رشد قرطبی،«الفقه علی المذاهب الأربعه»شیخ عبدالرحمن الجزیری،«فقه السنه»سید سابق برگرفته و تنظیم شده است.

با توجه به سرفصل های دوره تمهیدی در این کتاب سعی بر آن بوده است که بیشتر مسائل اولیه و به اصطلاح«احکام مبتلی به»ارائه شود.از این رو این نوشتار ضمن پنجاه و پنج درس حاوی ابواب زیر می باشد:

۱.مباحث کلی علم فقه

۲.احکام طهارت و نجاست

۳.وضوء،غسل و تیمم

۴.نماز

۵.روزه

۶.زکات

۷.امر به معروف و نهی از منکر

۸.جهاد و دفاع

۹.احکام خوردن و آشامیدن

۱۰.احکام ازدواج

لازم به ذکر است جهت سهولت فراکیری مطالب این کتاب درس بندی شده و در پایان هر درس چکیده و خلاصه درس ارائه و همچنین سؤالات و پرسش هایی جهت تسهیل فرایند یادگیری طرح شده است.

در پایان چند نکته لازم را به اساتید محترم این درس که این کتاب را تدریس خواهند کرد،یادآور می شوم:

-مسائلی که در این نوشتار مطرح شده است،بیشتر موارد مبتلی به و روزمره فرد مسلمان مد نظر بوده است و در حقیقت محتوای این کتاب نخستین گام در آشنایی با فقه شافعی برای دانش پژوه محسوب می شود.

-در تفهیم برخی از اصطلاحات حتما از فرهنگ اصطلاحات فقهی بهره برداری شود.

-برای دروسی که بیشتر جنبه عملی دارند،حد اقل دو برابر ساعت نظری،ساعت عملی منظور گردد.

در پایان از همه عزیزان فرهیخته که جهت تکمیل و ارتقای این کتاب از رهنمودهای سازنده خویش این جانب را بهرمند خواهند نمود،پیشاپیش تقدیر و تشکر دارم.

والحمد لله رب العالمین...

نصیب الله عمراف

گرگان/اول رجب ۱۴۳۴

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲

درس اول:جایگاه احکام در اسلام

اشاره

یَرْفَعِ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ وَ اللّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبِیرٌ (سوره مجادله/۱۱)

خدا[رتبه]کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند[برحسب]درجات بلند گرداند،و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

درآمد

اسلام،آخرین و کامل ترین دینی است که همه برنامه های آن،مطابق فطرت و مصلحت انسان هاست.سعادت انسان ها زمانی تأمین خواهد شد که برنامه های اسلام درست و به طور کامل اجرا گردد.جامعه ای که در آن قوانین اسلام اجرا شود،جامعه ایده آل خواهد بود.

«احکام»یکی از پایه های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان ساز اسلام است،زیرا برنامه های عالیه اسلام عبارت است از:

معارف اعتقادی که آن را«اصول دین»گویند؛

دستورات عملی که«فروع دین»یا«احکام»نامیده می شود؛

مسائل روانی و رفتاری که«اخلاق»نام دارد.

اصول دین:برنامه هایی است مربوط به سالم سازی فکر و اعتقاد انسان،که

بایـد آنها را از روی دلیل(اگرچه دلیل ساده باشـد!)پـذیرفته و معتقِد باشد.و چون این دسـته از برنامه های اسـلام،امور اعتقادی است و محتاج به یقین می باشد،پیروی از دیگران(تقلید)در آنها راه ندارد.

فروع دین یـا احکـام:برنـامه هـای عملی است که وظیفه انسـان هـا را نسـبت به کارهایی که بایـد انجام دهنـد و یا از آن دوری جویند،مشخص می کند.

اخلاـق:برنـامه هـایی در رابطـه بـا پرورش روح و سـلامت روان آدمی اسـت که روش و متُد تقـویت صـفات پسـندیده-مـانند عدالت،سخاوت،شجاعت،عزّت و...-در نهاد انسان ها و مبارزه با صفات ناپسند و زشت-مانند حسد،بخل،نفاق و...-را بیان می کند.

موضوع این نوشتار،احکام می باشد که مسائل مورد نیاز اولیه مطابق با فقه شافعی،طرح و بررسی شده است.

علم فقه

بـا توجه به اهمیت احکـام و جایگـاه ممتاز آن در برنامه های انسان ساز دین مبین اسـلام،علم مخصوصـی برای آن تعلق گرفته است که به آن«علم فقه»گویند.این علم از جمله گسترده ترین علوم اسـلامی به شـمار می رود و از جهت تاریخی،قدیمی ترین علم اسـلامی شـناخته شـده است.این علم همواره مورد توجه مسـلمانان بوده و در طول دوازده قرن تا کنون بـدون هیـچ توقفی حوزه های تدریسی فقهی برقرار بوده و هست.از این رو،فقهاء و دانشمندان بی شماری در این علم پدید آمده اند و کتاب های فراوانی در این زمینه نوشته شده است.

مسائلی که در علم فقه طرح و بررسـی شده اند،شامل همه شـئون زندگی بشـر می شوند.به عبارت دیگر،کلیه مسائلی که امروز در جهـان تحت عنـوان«حقـوق»طرح می شونـد-همچون حقوق اساسـی،حقوق مـدنی،حقوق خـانوادگی،حقوق جزایی،حقوق اداری،حقوق سیاسی و...-در باب های مختلف فقه اسلامی تحت عنوان های گوناگون

ص:۲۴

و پراکنده طرح و بررسی شده اند.البته،علاوه بر این مسائل،مسائل عبادی نیز در فقه اسلامی جای داده شده است،که در علوم حقوقی معاصر این مسائل مطرح نشده اند.

امام شافعی رحمه الله در یک نگاه

از آنجا که در این نوشتار،مسائل اولیه فقهی مورد نیاز را طبق مذهب شافعی

طرح و بررسی خواهیم کرد،لازم دانستیم که در باره شخصیت امام شافعی رحمه الله به طور اجمال معلوماتی را ارائه نماییم.

نام او«محمد»و نام پدرش«ادریس بن عباس»و نام مادرش«فاطمه»بود.او در ۳۰ رجب سال ۱۵۰ هجری قمری در حوالی شهر«غزه»فلسطین به دنیا آمد.

خانواده او چند سال قبل از تولد او از شهر خویش«مکه»برای کسب و تجارت به دیار فلسطین کوچ کرده بودند و پس از فوت پدر،محمد همراه مادرش به مکه باز گشت.

ایشان از دوران کودکی به تحصیل علوم و فراگیری فنون زمان خویش پرداخت و حدودا پس از سی سال تلاش و کوشش فراوان و مسافرت های زیاد،توانست به مرحله عالی فقاهت که همان اجتهاد مطلق باشد،دست یابد و در تاریخ فقه و معارف اسلامی نام ایشان در شمار از شخصیت های کم نظیر ثبت شود.

مهم ترین اساتید ایشان عبارتند از:

مسلم بن خالد زنجی(در شهر مکه)؛مام مالك(ره)(در شهر مدینه)؛حیی بن حسان(در یمن)؛حمد بن حسن(در بغداد)؛کیع بن جراح(در کوفه).

برخی از شاگردان برجسته و معروف ایشان:

امام احمد بن حنبل(ره)؛شیخ ابوبکر حمیدی؛حسن صابغ زعفرانی؛اسماعیل بن یحیی مزنی.

از جمله آثار مهمه ایشان می توان به کتاب«الأمّ»در فقه و کتاب«الرساله»در علم اصول فقه اشاره نمود.

ایشان در سال ۲۰۴ ه.ق.در منطقه قرافه مصر از دنیا درگذشت.

چکیده مطالب

۱.«احکام»یکی از پایه های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان ساز اسلام است.

۲.برنامه های عالیه اسلام عبارت است از:اصول دین،فروع دین و اخلاق.

۳.بنـابر اهمیت احکـام و جایگـاه ممتـاز آن در برنـامه هـای انسان ساز اسـلام،علم مخصوصـی برای آن تعلق گرفته است که به آن«علم فقه»گویند.

۴.مسائلی که در علم فقه طرح و بررسی شده اند،شامل همه شئون زندگی بشر می شوند.

۵.پیشوای بزرگ مـذهب شـافعی،امـام محمـد بن ادریس شـافعی مطلبی(رحمه الله)سال ۱۵۰ ه.ق.در حوالی شـهر غزه فلسـطین متولد شد و پس از گذراندن عمر پربرکت خویش،سال ۲۰۴ ه.ق.در کشور مصر دیده از چهان بست.

پرسش ها

۱.برنامه های اسلام بر چند دسته تقسیم سده است؟

۲.چه نوع برنامه هایی در اصول دین گنجانده شده است؟

۳.برنامه های عملی اسلام را چه می نامند؟

۴.پنج نمونه از برنامه های عملی اسلام را نام ببرید.

۵.اخلاق در چه زمینه ای گفتگو می کند؟

۶.علمی که مربوط به احکام اسلامی می شود چه نام دارد؟چرا این علم پدید آمده است؟

۷.علم فقه در خود چه مسائلی را جای داده است؟

۸.شرح حال امام شافعی(ره)را اجمالاً بیان کنید.

درس دوم:اقسام حکم و راه به دست آوردن آن

اشاره

وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّهً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ (سوره توبه/۱۲۲)

و شایسته نیست مؤمنان همگی[برای جهاد]کوچ کنند.پس چرا از هر فرقه ای از آنان،دسته ای کوچ نمی کنند تا[دسته ای بمانند و]در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را–وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند–باشد که آنان[از کیفر الهی]بترسند.

تقسیم احکام

هر کاری که انسان انجام می دهد،در اسلام دارای حکم خاصی است که عبارت است از:

۱.واجب:عملی که انجام آن لازم است و ترک آن عذاب دارد؛مانند نماز و روزه.

۲.حرام:عملی که ترک آن لازم است و انجامش عذاب دارد؛مانند دروغ و ظلم.

۳.مستحب:عملی که انجام آن نیکو است و ثواب دارد،ولی ترک آن عذاب ندارد؛مانند نماز شب و صدقه.

۴.مکروه:عملی که ترک آن نیکو است و ثواب دارد،ولی انجامش عذاب ندارد؛مانند فوت کردن به غذا و خوردن غذای داغ.

ص:۲۷

۵.مباح:عملی که انجام و ترک آن مساوی است،نه عذابی دارد و نه ثوابی؛مانند راه رفتن و نشستن. (۱)

راه بدست آوردن احکام

معمولاً برای آگاهی از حکمی و قبول آن،دو راه وجود دارد:

۱.تقلید:شـنیدن از کسی یا دیدن در کتاب کسی و قبول آن بدون درخواست دلیل؛مانند عامه مردم که به محض شنیدن از اهل فن و علمای اهل فتوا که به محض دیدن مطالبی در کتب معتبر،آن را قبول می نمایند و دلیلی درخواست نمی کنند.

۲.اجتهاد:بکارگیری نهایت تلاش و کوشش مجتهد در راه بدست آوردن احکام شرعی از طریق استنباط.

تقلید

تقلیـد بـه معنـای«پیروی کردن و دنبـاله روی»است و در اصـطلاح فقهی عبـارت است از پیروی مجتهـد در مسائـل فقهی بـدون درخواست دلیل و حجت.

کسی که مجتهد نیست و احکام الهی را از منابع شرعی نمی تواند استخراج نماید،باید از مجتهد تقلید و پیروی کند. (۲)

وظیفه اکثر مردم در احکام دین،تقلید است،چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام اجتهاد کنند. (۳)

مجتهد کسی است که توانایی استخراج احکام از منابع آن را دارد.

مجتهدی که انسان از او تقلید می کند،باید دارای شرایط عمومی،اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد. (۴)

۱- (۱) .الإحکام،ج۱،ص ۷۱.

۲- (۲) .الإحکام،ج۴،ص ۳۵۱.

۳- (۳) .الإحکام،ج۴،ص ۳۵۱.

۴- (۴) .ر.ک.به«اجتهاد و سیر تاریخی آن»؛ص ۱۲۰-۱۶۶.

شرایط اجتهاد

شرایط عمومی اجتهاد:و آن عبارت است از:

۱.بلوغ؛

۲.عقل؛

۳.تیزهوشی«فطانت»؛

۴.ایمان.

شرایط اساسی اجتهاد:عبارتند از شرائطی که باید جهت استنباط احکام در مجتهد تحقق یابد به نحوی که با نبود و فقدان یکی از آنها،مجتهد از اهلیت اجتهاد ساقط گردد.این شرائط عبارتند از:

۱.معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب؛

۲.معرفت و آگاهی به قرآن کریم؛

۳.معرفت و آگاهی به سنت نبوی؛

۴.معرفت و آگاهی به علم اصول فقه؛

۵.فهم مقاصد شارع؛

۶.آشنایی با قواعد فقهی؛

۷.وجود استعداد ذاتی.

شرایط تکمیلی اجتهاد:شرائطی هستند که وجود ملکه اجتهاد بستگی به آنها ندارد و شخص می تواند بدون آنها به درجه اجتهاد برسد،ولی به جهت اینکه مجتهد در استنباط احکام به کمال برسد،وجود این شرائط لازم است:

۱.مورد اجتهاد فاقد دلیل قطعی باشد؛

۲.آگاهی به موارد اختلاف فقها؛

۳.آشنایی با عرف جاری؛

۴.آشنایی با اصل براءت؛

۵.آشنایی با علم منطق؛

ص:۲۹

۶.عدالت و صلاحیت؛

۷.ورع و تقوا؛

۸.احساس نیاز به درگاه خداوند در طلب الهام صواب؛

۹.اعتماد به نفس؛

۱۰.موافقت عمل با علم و گفتار.

ص:۳۰

چکیده مطالب

۱.احکام دین عبارت است از:واجب،حرام،مستحب،مکروه و مباح.

۲.راههای به دست آوردن احکام دین،اجتهاد و تقلید است.

۳.تقلید عبارت است از پیروی مجتهد در مسائل فقهی بدون درخواست دلیل و حجت.

۴.مجتهد کسی است که توانایی استخراج احکام از منابع آن را دارد.

۵.مجتهدی که انسان از او تقلید می کند،باید دارای شرایط عمومی،اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد.

۶.شرائط عمومی اجتهاد عبارت است از:بلوغ،عقل،فطانت و ایمان.

۷.شرائط اساسی اجتهاد عبارتند از شرائط هفتگانه ای که باید جهت استنباط احکام در مجتهد تحقق یابد به نحوی که با نبود و فقدان یکی از آنها،مجتهد از اهلیت اجتهاد ساقط گردد.

۸.شرائط اساسی اجتهاد شرائطی هستند که وجود ملکه اجتهاد بستگی به آنها ندارد و شخص می تواند بدون آنها به درجه اجتهاد برسد،ولی به جهت اینکه مجتهد در استنباط احکام به کمال برسد،وجود این شرائط لازم است و تعداد آنها را تا ده شرط برشمرده اند.

پرسش ها

۱.اقسام احکام را نام ببرید.

۲.تفاوت حکم مستحب و حکم مباح در چیست؟

۳.تقلید در فقه به چه معناست؟

۴.اجتهاد را تعریف نمایید.

۵.وظیفه اکثر مردم در احکام دین چیست؟علتش را نیز توضیح دهید.

۶.چه کسی را مجتهد گویند؟

ص:۳۱

۷.شرائط عمومی اجتهاد را نام ببرید.

۸.شرائط اساسی اجتهاد کدام است؟

۹.شرائط اساسی اجتهاد با شرائط تکمیلی آن چه تفاوتی دارد؟

ص:۳۲

درس سوم:شرایط مجتهد و مسائل تکلیف

اشاره

عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ:عَرَضَنِی رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَسَلَّمَ یوْمَ أُحُدٍ فِی الْقِتَالِ وَأَنَا ابْنُ أَرْبَعَ عَشْرَهَ سَنَهً فَلَمْ یجِزْنِی وَعَرَضَنِی یوْمَ الْخَنْدَقِ وَأَنَا ابْنُ خَمْسَ عَشْرَهَ سَنَهً فَأَجَازَنِی.(صحیح مسلم/۳۴۷۳)

ابن عمر(رضی الله عنه)گوید:رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جنگ احد مرا که چهارده سال داشتم دید،اجازه نداد و در دوز جنگ خندق که پانزده سالم تمام شده بود،اجازه فرمود.

شرایط عمومی

شرائط عمومی اجتهاد عبارت است از:بلوغ،عقل،فطانت«تیزهوشی»و ایمان.

۱.بلوغ:کسی که به حدّ بلوغ شرعی نرسیده باشد،رأی و اجتهاد او صحیح و قابل اعتماد نیست. (۱)

۲.عقل:مراد از عقل در مبحث اجتهاد این است که مجتهد دارای ادراکات سالمی باشد،بتواند امور را درک کرده و منافع و مضار آن را تشخیص دهد و از عیوبی که با عقل منافات دارد از قبیل دیوانگی،گیجی و سفاهت مبرّا باشد. (۲)

۱- (۱) .جمع الجوامع؛ابن سبکی با حاشیه بنانی؛ج۲،ص۳۸۲.

۲- (۲) .الاجتهاد؛دکتر سید موسی؛ص۱۶۲.

۳.فطانت«تیزهوشی»:فطانت به معنای ادراکِ ظرایف و نکاتِ دقیقِ سخن و فهم مقاصد متکلّم است و بار سنگین مجتهد در رابطه با استنباط احکام مربوط به همین شرط است.

۴.ایمان:مجتهد باید به ضروریات دین علم و آگاهی داشته باشد،هرچند علم و آگاهی به دقایق علم کلام شرط اجتهاد نیست. (۱)

شرائط اساسی

معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب:از آنجا که نصوص شریعت به زبان عربی وارد شده است،مجتهد را لازم است که بتواند کلام عرب و اسلوب های بیان و دلالت های لغوی آن را بفهمد.بنابر این،باید به زبان و ادبیات عرب-از قبیل صرف،نحو،بلاغت،معانی مفردات و جملات و...-آشنایی داشته باشد.البته،لازم نیست که مجتهد تمام آن مطالب را در حفظ داشته باشد،بلکه کافی است که توان استخراج آنها را از تألیفات متخصصین-چون کتاب«مفردات القرآن»راغب اصفهانی و«النهایه فی غریب الحدیث و الأثر»ابن اثیر و امثال آنها-داشته باشد. (۲)

۱.معرفت و آگاهی به قرآن کریم:آگاهی به معنی قرآن از دو طریق حاصل می شود:یکی این که شخص در محیط عرب نشین پرورش یافته باشد؛دوم اینکه با فراگیری صرف و نحو،معانی و بیان و سایر علوم بلاغت،معانی قرآن را دریابد. (۳)همچنین لازم است که مجتهد نسبت به علومی که با قرآن کریم ارتباط دارند-از قبیل علوم ناسخ و منسوخ،مکی و مدنی،عام خاص،مطلق و مقید،محکم و متشابه و...-دارای اطلاع کافی باشد.

۲.معرفت و آگاهی به سنت نبوی:بر مجتهد لازم است که راجع به سنت نبوی

۱- (۱) .الإحکام فی أصول الأحکام؛آمدی؛ج۴،ص۱۱۱.

۲- (۲) .ارشاد الفحول،شوکانی،ص۲۲۱.

۳- (۳) .اصول الفقه الاسلامی،دکتر زحیلی؛ج۲،ص۱۰۴۴.

آنچه را که متعلّق به احکام است از جهت لغت و تشریع،علم و آگاهی داشته باشد؛هرچند حفظ آن احادیث از شرائط اجتهاد محسوب نشود.همچنین بر مجتهد لازم است که به علم حدیث آگاهی داشته باشد،تا به وسیله آن،احادیث متواتر،مشهور،آحاد و غیره را از هم بازشناسد و به اسباب ورود حدیث،درجات و مراتب آنها از لحاظ صحت و قوّت،آگاهی داشته باشد و به هنگام تعارض،با استفاده از قواعد مقرر،به شناخت راجح از مرجوح نایل شود و از حال راویان،میزان عدالت،ضبط و فقاهت آنها اطلاعات لازم را کسب نماید. (۱)

۳.آگاهی به علم اصول فقه:این آگاهی،اساس و پایه اجتهاد است (۲)و مجتهد به وسیله این علم،کیفیت استنباط احکام شرعی از مدارک آن را بازمی شناسد. (۳)

۴.فهم و ادراک مقاصد شارع:مجتهد را لازم و ضروری است که به اسرار شریعت و اهداف کلی شارع در تشریع احکام،معرفت و آگاهی داشته باشد،چون دلالت الفاظ بر معانی گاهی احتمال چند وجه را دارد و در این صورت مجتهد باید از روی ملاحظه قصد و هدف شارع،یکی از آن وجوه را بر دیگری ترجیح دهد. (۴)

۵.شناخت قواعد کلی فقه:برای مجتهد لازم است که به قواعد مهم فقهی-همانند قواعد«الضرر یزال»،«الیقین لا یزول بالشک»،«الامور بمقاصدها»و...-آشنایی داشته باشد،تا با استفاده از آن حکم هر حادثه ای که نصّ خاصّی راجع به آن وجود نداشته باشد،استخراج نماید.

۶.استعداد ذاتی:مجتهد باید دارای خصوصیات و ویژگی هایی باشد که بتواند او را در شناخت و حلّ مسائل مستحدثه،کمک و یاری نماید،که به آن«استعداد

۱- (۱) .المستصفی،غزالی،ج ۲،ص ۳۵۲ ۳۵۳.

۲- (۲) .المستصفی،غزالی،ج ۲،ص ۱۰۲.

۳- (۳) .جمع الجوامع،ابن سبکی،ج ۲،ص ۴۰۰.

۴- (۴) .ارشاد الفحول،شوکانی،ص ۲۲۲؛اصول الفقه الاسلامی،دکتر زحیلی،ج ۲،ص ۱۰۴۸.

ذاتی»می گویند و آن عبارت است از:تیزهوشی و باریک بینی،قدرت انتقال ذهنی،حسن ادراک مسائل،صفای ذهن و نفوذ بصیرت که در صورت نبود این استعداد فطری،فقیه با وجود سایر شرائط اجتهاد عملاً نمی تواند به اجتهاد و استنباط احکام بپردازد.

شرائط تکمیلی

مورد اجتهاد،فاقد دلیل قطعی باشد:مجتهد نسبت به مسئله و یا واقعه مورد اجتهاد،هیچ گونه دلیل قطعی ای از نصوص قرآن،سنت و اجماع در دست نداشته باشد. (۱)

۱.آگاهی به موارد اختلاف فقها:مجتهد باید در کنار آشنایی به موارد اجماع،به موارد اختلاف هم آگاهی داشته باشد،تا در مسائلی که اجماع بر حکم آن صادر شده،به اجتهاد نپردازد.بنابر این،مجتهد می تواند در مسائلِ موردِ اختلاف فقها و یا در مسائلی که هنوز در باره آن حکمی صادر نشده،اقدام به اجتهاد نماید. (۲)

۲.آشنایی با عرف جاری:عرف یعنی آنچه در میان مردم متعارف گشته،و مورد پذیرش طبع سلیم آنان قرار گرفته،استعمال آن شایع و تکرار یافته باشد.فقیه را چه در مرحله استنباط اصل حکم و چه در تطبیق آن بر مصادیق،لازم است که به موارد عرف جاری منطقه و دیار آشنایی داشته باشد،چرا که اختلاف عرفی تأثیر زیادی در اختلاف حکم دارد.بنابر این،بر مجتهد واجب است که عرف شهر و مملکت خود را بداند،بویژه در رابطه با الفاظی که معنی و مدلول آنها از شهری به شهر دیگر به جهت اختلافات عرفی تفاوت کند. (۳)

۳.آشنایی با اصل براءت:اصل براءت بدین معنی است که هیچ چیزی بر ما

۱- (۱) .ر.ک.به«المستصفی»،غزالی؛ج۲،ص ۳۵۰-۳۵۱.

۲- (۲) .ر.ک.به«عقد الجید فی احکام الاجتهاد و التقلید»،دهلوی،ص ۸.

۳- (۳) .اجتهاد و سیر تاریخی آن،نعمتی،ص۱۵۲-۱۵۳.

حرام نیست،مگر آنچه که از روی ادله شارع حرام شده باشد.پس مجتهد باید در هر مسئله ای به اصل براءت تمسّک جوید،چرا که این حکم،ثابت و غیر قابل تغییر است،مگر اینکه از طریق شارع حکم آن بیان گردد. (۱)

۴.آشنایی با علم منطق:برخی از اصولیون-مانند امام غزالی،بیضاوی و...-آشنایی با مباحث حدّ و برهان و چگونگی ترتیب مقدمات قیاس و روش استدلال را شرط اجتهاد دانسته اند. (۲)و نظر بسیاری از فقهای متأخر بر این است که آگاهی به علم منطق برای مجتهد یک امر مهمی است،هرچند شرط اساسی اجتهاد نباشد. (۳)

۵.عدالت و صلاحیت:وجود ملکه اجتهاد متوقف بر عدالت و صالح بودن مجتهد نیست،اما قبول فتوای مجتهد و اطمینان به اینکه او از روی هوای نفس سخن نمی گوید،بلکه مطابق ادله شرعی فتوا می دهد،و در راه اجتهاد کوتاهی و تقصیر نمی ورزد،همه این امور متوقف بر عدالت و تقوای مجتهد است.اما در تعریف عدالت آمده است:«عدالت عبارت است از اینکه شخص بر انجام واجبات،مندوبات و راستگویی و همچنین بر ترک محرّمات،مکروهات و دروغ همواره استمرار داشته باشد،مروّت و شخصیت خود را حفظ و از مواضع شک و تهمت دوری نماید». (۴)

۶.ورع و تقوا:برای کسی که به امر عظیم اجتهاد اقدام نماید،شایسته است که خود را به صفت ورع و تقوا آراسته گرداند و راجع به عصیان و نافرمانی اوامر خداوند،نصوصِ وعید و تهدید را نصب العین خود قرار دهد؛به آنچه در دست مردم است،عفیف و زاهد باشد؛از صفات دنائت و خسّت جدًّا دوری گزینند و

ص:۳۷

۱- (۱) .ر.ک.به«المستصفی»،غزالی؛ج۲،ص۳۵۱.

۲- (۲) .المنهاج مع شرح الاسنوی و البدخشی،ج۳،ص۲۰۰.

۳- (۳) .المدخل الی مذهب الامام احمد،ص۲۸۳.

۴- (۴) .صفه الفتوی و المفتی و المستفتی،ابن حمدان،ص۱۳.

نهایت تلاش و کوشش خود را مبذول دارد در اینکه کسب و روزی او حلال،معاملات او با مردم بر طبق برنامه الهی و مقاصد شارع باشد.این شرط برای مجتهد و مفتی یکسان است. (۱)

۷.احساس نیاز به درگاه الهی در طلب ثواب:بر مجتهد لازم است که از ته قلب به درگاه خداوند احساس فقر و نیاز کند،تا اینکه خداوند اندیشه حق و صواب را به او الهام نماید و او را در جهت نیکو و افتای صحیح و واقعی موفق گرداند.مطلب دیگری که شایان توجّه می باشد این است که مجتهد نباید اهمیت شورا و مشاوره را از دست دهد.اگر او کسی را یافت که علم و دیانتش قابل اعتماد است،باید با او مشورت کند و از روی خودخواهی و تفاخر،به تنهایی به استنباط احکام نپردازد،زیرا خداوند متعال مؤمنان را به چنین وصف بارزی توصیف می نماید که ...وَ أَمْرُهُمْ شُوری بَیْنَهُمْ... . (۲)

۸.اعتماد به نفس:مجتهد باید به خود اعتماد داشته باشد و صاحب نظران در مورد اهلیت ایشان نسبت به اجتهاد گواهی دهند. (۳)

۹.موافقت عمل با علم و گفتار:در زمینه اجتهاد و فتوا،مطابقت قول و عملِ مجتهد یک اصل اساسی است،زیرا چنین شیوه ای موجب صداقت ایشان در فتوا و نفوذ کلام در شنوندگان خواهد شد. (۴)

مکلّف کیست ؟

افراد عاقل و بالغ مکلّفند؛یعنی نسبت به احکام وظیفه دارند و باید آنها را به کار بندند.پس کودکان،مکلَّف نیستند.

۱- (۱) .الاجتهاد،دکتر سید موسی،ص۲۰۴.

۲- (۲) .شوری،آیه۳۸.

۳- (۳) .اجتهاد و سیر تاریخی آن،نعمتی،ص۱۶۴.

۴- (۴) .اجتهاد و سیر تاریخی آن،نعمتی،ص۱۶۵.

سنّ بلوغ

پسرها پس از تمام شدن پانزده سال و دخترها،پس از نه سالگی بالغ می باشند و باید تمام وظایف شرعی را انجام دهند؛گرچه،کودکان کمتر از این سنّ هم اگر کارهای نیک-مانند نماز-را به طور صحیح انجام دهند،پاداش و ثواب خواهند داشت. (۱)

باید توجه داشت که سنّ بلوغ،به سال قمری حساب می شود و چون هر سال قمری سیصد و پنجاه و چهار(۳۵۴)روز و شش ساعت است،ده روز و هیجده ساعت از سال شمسی کمتر می باشد؛بنابر این،با کم کردن نود و شش(۹۶)روز و هیجده ساعت از نه سال شمسی،نه سال قمری بدست می آید و با کم کردن صد و شصت و یک(۱۶۱)روز و شش ساعت از پانزده سال شمسی،پانزده سال قمری معلوم خواهد شد.

۱- (۱) .الاشباه و النظائر،امام سیوطی،ج۲،ص۹-۱۰.

چکیده مطالب

۱.شرائط عمومی اجتهاد عبارت است از:بلوغ،عقل،فطانت و ایمان.

۲.شرائط اساسی اجتهاد عبارت است از:معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب،معرفت و آگاهی به قرآن کریم،معرفت و آگاهی به سنت نبوی،آگاهی به علم اصول فقه،فهم و درک مقاصد شارع،شناخت قواعد کلی فقه و داشتن استعداد فطری.

۳.شرائط تکمیلی اجتهاد عبارت است از:فاقد دلیل قطعی بودن مورد اجتهاد،آگاهی به موارد اختلاف فقهاء،آشنایی با عرف جاری،آشنایی با اصل براءت،آشنایی با علم منطق،عدالت و صلاحیت،ورع و تقوا،احساس نیاز به درگاه الهی در طلب ثواب،اعتماد به نفس،موافقت عمل با علم و گفتار.

۴.افراد بالغ و عاقل،باید به احکام الهی عمل کنند.

۵.پسرها پس از تکمیل ۱۵ سال قمری و دخترها پس از تکمیل ۹ سال قمری بالغ می باشند.

پرسش ها

۱.شرائط عمومی اجتهاد را نام ببرید و یک مورد از آن را توضیح دهید.

۲.چرا معرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عرب از شرائط اساسی اجتهاد محسوب می شود؟

۳.مراد از فهم و درک مقاصد شارع چیست؟

۴.چرا مورد اجنهاد باید فاقد دلیل قطعی باشد؟

۵.اصل براءت چیست؟

۶.آگاهی از علم منطق در اجتهاد چه تأثیری دارد؟

۷.چه کسانی باید به احکام الهی عمل کنند؟

۸.تفاوت سن بلوغ پسرها از سن بلوغ دخترها چه قدر است؟

ص:۴۰

درس چهارم:طهارت

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:الطهور شطر الإیمان.(صحیح مسلم/ح:۳۵۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله:طهارت و پاکی نصف ایمان است.

درآمد

از جمله برنامه های عملی اسلام،واجبات است و«نماز»یکی از مهم ترین و اساسی ترین آنهاست.

مسائل مربوط به نماز را به سه دسته تقسیم می کنیم:

مقدمات نماز را نمازگزار باید قبل از نماز مراعات کند.

مقارنات نماز،مسائلی است مربوط به متن نماز از تکبیره الاحرام تا سلام.

مبطلات نماز،چیزهایی است که نماز را باطل می کند.

طهارت

از جمله مسائلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه نمازگزار قرار گیرد،طهارت و پاکی است.

نمازگزار بایـد بدن و لباس خود را از نجاسات(آلودگی ها)پاک کند و برای پاکی از نجاسات،شناخت آنها و راه پاک کردن اشیاء نجس نیز لازم است.

ص:۴۱

نجاسات

نجاست در لغت،عبارت است از آنچه که انسان از آن بدش بیاید و لو اینکه پاک هم باشد.

اما در شرع،چیز ناپاکی است که مانع از صحّت نماز گردد.البته،در زمانی که به آب و خاک دسترسی و یا امکان استفاده از آنها را نداشته باشد،مانع صحت نماز نخواهد بود.

انواع نجاسات بسیار است که مهم ترین آنها:

۱.ادرار(بول)؛

۲.مدفوع(غائط)؛۳.قیء؛۴.مذی؛۵.ودی؛۶.منی حیوانات نجس و حرام گوشت (۱)؛۷.خون جاری؛۸.قیح؛۹.آب قروح؛۱۰.علقه؛ ۱۱.مردار؛۱۲.خمر؛۱۳.نبیذ؛۱۴.سگ؛۱۵.خوک؛۱۶.هر حیوانی که از سگ و خوک متولد شود.۱۷.شیر حیوانات حرامگوشت.۱۸.منی سگ و خوک و آنچه از آن دو متولدشود.«طهارت»غیر از«نظافت»است و ممکن است چیزی تمیز باشد،ولی از نظر احکام اسلام،پاک نباشد.خواسته اسلام،هم طهارت است و هم نظافت؛یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی خود باشد،ولی اکنون سخن در باره طهارت و نجاست است.

احکام ادرار و مدفوع

۱.ادرار و مدفوع آدمی به طور مطلق نجس می باشد.

۱- (۱) .المهذب،ج۱،ص۶۶.

۲.فضله حیوانات بنابر یک قول مطلقاً(حلال گوشت یا حرام گوشت)نجس می باشد.

۳.بنابر قول دیگر،فضله حیوانات حلال گوشت،طاهر می باشد. (۱)

مذی و ودی

۱.«مـذی»آب سـفید رقیقی است که از مردان و زنـان به هنگام برانگیخته شـدن شـهوت بـدون احساس لـذت خاص خارج می شود.

۲.«ودی»آب سفید کدر غلیظی است که پس از ادرار خارج می شود.

۳.در نجس بودن مذی و ودی همه علمای مذهب اتفاق نظر دارند.

احکام خون

۱.بجز چهار مورد ذیل،هر نوع خون جاری ای نجس و ناپاک است:

شیر حیوان حلال گوشت که به رنگ خون خارج شود؛

منی آدمی و حیوان حلال گوشت که به رنگ خون درآید و از راه معمولی و معتاد خارج شود؛

تخم مرغی که به رنگ خون درآمده باشد؛

خون حیوان طاهری که به علقه و یا مضغه تبدیل شده باشد. (۲)

۲.خون غیر جاری-مانند خون کبد و طحال-پاک می باشد.

۳.خون حیواناتی که خون جهنده ندارند،به سه شرط قابل گذشت است:

بدون ضرورت با چیز دیگری مخلوط نشده باشد؛

در اثر فعل شخص نباشد؛

در لباس باشد؛پس اگر در غیر آن باشد،از آن گذشت نمی شود. (۳)

۱- (۱) .فقه السنه؛ص۱۹.

۲- (۲) .الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب أهل البیت،ج۱،ص۷۳.

۳- (۳) .آیینه احکام در فقه امام شافعی،ص۸۵،مسئله ۴۸۵.

چکیده مطالب

۱.مسائل مربوط به نماز به سه دسته تقسیم می شوند:مقدمات،مقارنات و مبطلات.

۲.برای خواندن نماز باید بدن و لباس نمازگزار پاک باشد.

۳.نجاست در شرع،چیز ناپاکی است که مانع از صحّت نماز گردد.

۴.مهم ترین انواع نجاسات را،هیجده نوع برشمرده اند.

پرسش ها

۱.مقدمات،مقارنات و مبطلات نماز را معنا نمایید.

۲.نجاست را تعریف کنید.

۳.انواع نجاسات را نام ببرید.

۴.تفاوت مذی و ودی در چیست؟

۵.آیا هر نوع خونی نجس است؟

ص:۴۴

درس پنجم:احکام نجاست

اشاره

قال الله تعالی:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمَوْقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ ما أَكَلَ السَّبُعُ إِلاّ ما ذَكَّيْتُمْ وَ ما ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَ أَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلامِ ذلِكُمْ فِسْقٌ (مائده/۳)

بر شما حرام شده است:مردار،و خون،و گوشت خوک،و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد،و[حیوان حلال گوشتِ]خفه شده،و به چوب مرده،و از بلندی افتاده،و به ضربِ شاخ مرده،و آنچه درنده از آن خورده باشد-مگر آنچه را[که زنده دریافته و خود]سر ببرید-و[همچنین]آنچه برای بتان سر بریده شده،و[نیز]قسمت کردن شما[چیزی را]به وسیله تیرهای قرعه این[کارها همه]نافرمانی[خدا]ست...

مردار

مردار آن است که به وسیله ذبح شرعی کشته نشده باشد.

همه مردارها بجز دو مورد زیر،نجس می باشد:

۱.مردار ماهی؛

۲.مردار ملخ؛

در مورد مرده آدمی دو قول وجود دارد:

۱.مرده آدمی هم مثل مرده موجودات ذی روح دیگر،نجس می باشد؛

۲.مرده آدمی بنابر روایت وارده طاهر است. (۱)

قیء،قیح،آب قروح و علقه

قیء آن چیزی است که به طور یقینی از معده وارد دهان شود.

قیح،ماده سفیدرنگ چرکی است که از خون بوجود آید و بدبو باشد.

قروح جمع قرح و به معنی زخم اسلحه و یا دانه های چرکی که بر روی پوست بدن درآید،می باشد.پس آبی که از جای زخم و یا دانه های چرکی بیرون می آید،اگر بدبو باشد،نجس است.

علقه،خون بسته ای است که از رحِم زن خارج شود و همانند خون حیض نجس باشد.

خمر و نبیذ

خمر[شراب]و هر مایع مست کننده نجس است.

نبیذ شرابی است که از انگور،خرما،جو،گندم،عسل و...گرفته می شود و خصوصیت مست کنندگی دارد و همانند خمر نجس است.

سگ و خوک

سگ و خوک نجس العین می باشند.

هر حیوانی که از این دو متولد می شود،نجس می باشد.

شیر حیوانات

شیر حیوانات حرام گوشت،نجس است.

۱- (۱) .«لا تنجسوا موتاکم فإن المؤمن لا ینجس حیا و لا میتا»(المهذب،ج۱،ص۶۶).البته در روایت قید ایمان آمده است که ناظر بر طهارت مرده مؤمن است.

شیر آدمی،طاهر است.

شیر حیوانات حلال گوشت،طاهر است.

چگونه چیز پاکی نجس می شود؟

چیزهای پاک ممکن است با برخورد با ناپاکی ها نجس شود،در صورتی که یکی از آن دو(چیز پاک یا نجس)طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد.

ص:۴۷

چکیده مطالب

۱.همه مردارها-بجز مردار ماهی،ملخ و آدمی[به یک قولی]-نجس می باشند.

۲.قیء،قیح،آب قروح و علقه از جمله نجاساتند.

۳.خمر و نبیذ از آنجا که هر دو مست کننده هستند،نجس می باشند.

۴.سگ و خوک هر دو نجس العین و هر حیوانی که از این دو به وجود می آید،نجس می باشد.

۵.شیر آدمی و حیوانات حلال گوشت،پاک و طاهر می باشد.

۶.زمانی چیز پاکی با برخورد با ناپاکی ها نجس می شود که یکی از آنها تر باشد و رطوبت آن به دیگری سرایت کند.

پرسش ها

۱.مردار را تعریف و انواع آن را بیان کنید.

۲.تفاوت قیح و آب قروح در چیست؟

۳.خمر و نبیذ چرا نجس می باشند؟

۴.لباس خشکی که با بدن خوک تماس داشته باشد،حکمش چیست؟

ص:۴۸

درس ششم:مطهرات(۱)

اشاره

قال الله تعالی:

وَ هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیاحَ بُشْراً بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً (فرقان/۴۸)

و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش[باران]فرستاد و از آسمان،آبی پاک فرود آوردیم.

اقسام مطهّرات

وسایل طهارت چهار است:

۱.آب؛در رفع بی وضویی یا پاک کردن نجاست.

۲.خاک؛در تیمم واجب یا مستحب.

۳.استحاله؛همچون تبدیل شدن شراب به سرکه.

۴.سنگ؛در استنجاء.

اقسام آب

برترین وسیله از وسایل طهارت،آبی است که از آسمان می بارد یا از زمین می جوشد،به هر صفتی که از اصل آفرینش باشد.

آب بر سه نوع است:

ص:۴۹

۱.آب مطلق؛

۲.آب طاهر غیر مطهّر؛

۳.آب آلوده و غیر طاهر.

انواع آب مطلق

آب مطلق بر سه قسم است:

۱.آب مطلقی که استعمالش در طهارت حرام باشد؛همچون آب وقف و یا غصب شده.

۲.آب مطلقی که استعمالش در طهارت مکروه باشد و آن بر دو نوع است:۱)آبی که بر اثر تابش خورشید گرم شده باشد؛ ۲)آب بسیار داغ و یا بسیار سرد.

۳.آب مطلقی که استعمالش در طهارت نه حرام باشد و نه مکروه[یعنی آب مباح].

انواع آب طاهر غیر مطهر

آب طاهر غیر مطهّر بر سه نوع است:

۱.آبی که در شستن اعضای وضوء و یا غسل واجب به کار رفته باشد که آن را آب مستعمل نامند.

۲.آبی که در پاک کردن نجاست مورد استفاده قرار گرفته باشد.

۳.آبی که مزه یا رنگ یا بوی آن بطور یقینی بواسطه آغشته شدن با چیز پاکی(که آب از آن بی نیاز است)،چنان تغییر کند که نتوان بطور مطلق به آن آب گفت.

انواع آب غیر طاهر

آب غیر طاهر بر دو نوع است:

۱.آب قلیلی که چیز نجسی غیر قابل چشم پوشی در آن بیفتد(چه آب تغییر کند و چه تغییر نکند،هرچند آن چیز نجس کم باشد یا زیاد).مراد از اب قلیل،آبی است که از دو قلّه(کُر)کمتر باشد و مراد از نجس غیر قابل چشم پوشی،

مرداری است که ون جهنده ندارد و نجسی است که چشم آن را درک نمی کند.

۲.آب بسیاری[کثیری]که ضمن برخورد چیز نجسی با آن تغییر کرده باشد،هرچند آن تغییر اندک باشد.آب بسیار،آبی است که به میزان دو قلّه یا بیشتر از آن برسد(تقریباً یک صد و نود(۱۹۰)لیتر است).

ص:۵۱

چکیده مطالب

۱.مطهرات چهار قسمند:آب،خاک،استحاله و سنگ.

۲.آب بر سه نوع است:مطلق،طاهر غیر مطهر و غیر طاهر.

۳.آب مطلق از جهت استعمال به نوع های حرام،مکروه و مباح جدا می شود.

۴.آب طاهر غیر مطهر بر سه نوع است:مستعمل در وضو و یا غسل واجب،مستعمل در تطهیر نجاست،تغییریافته به سبب آغشته شدن با چیز پاکی.

۵.آب غیر طاهر به قلیل و کثیر تقسیم می شود.

پرسش ها

۱.اقسام مطهرات را نام برید.

۲.آب بر چند قسم است؟

۳.آب مطلق چیست و بر چند قسم است؟

۴.آب طاهر غیر مطهر را معنا کنید.

۵.آیا چایی را می توان آب مطلق گفت؟چرا؟

۶.انواع آب غیر طاهر را توضیح دهید.

ص:۵۲

درس هفتم:مطهرات(۲)

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«إذا وطئ أحدکم بنعله الاذی فإن التراب له طهور»(سنن ابو داود/ح:۳۸۵)

اگر کفش کسی از شما آلوده به نجاست شود بی شک خاک برای آن پاک کننده است.

وسیله دوم:خاک

خاک وسیله دوم از وسایل طهارت بوده و بر سه قسم است:

۱.خاک طهور(پاک کننده):خاکی است که نجس نباشد یا در اموری که الزامی(وجوبی)است،استفاده نشده باشد.

۲.خاک طاهر(پاک):خاکی که در تیمم و یا در تسبیع مورد استفاده قرار گرفته است.

۳.خاک آلوده:خاکی که با نجسی مخلوط شود.

مسئله ۱.خاک غصب شده یا خاک مسجد اگرچه طهور باشد،استعمالش حرام است.

مسئله ۲.خاک سرزمین هایی که اهلش مورد خشم خداوند واقع شده باشند همچون خاک سرزمین قوم لوط اگرچه طهور باشد،استعمالش مکروه است.

ص:۵۳

وسیله سوم:استحاله

وسیله سوم از وسایل طهارت،استحاله است که به معنی دگرگونی می باشد و مراد در این جا آن است که نجاستی بر اثر دگرگونی پاک شود؛همچون تبدیل شدن خون آهو به مشک و یا تبدیل شدن خمر به سرکه.

وسیله چهارم:سنگ

وسیله چهارم از وسایل طهارت سنگ است که در استنجا استفاده می شود.

استنجا در اصطلاح شرعی همان پاک نمودن نجاستِ خارج شده از قبیل ادرار،مدفوع و نجاست های دیگر-است.

مراد از سنگ از نظر شرع هر چیز خشک و جامدِ بی ارزشی است که از بین برنده نجاست باشد،همچون سنگریزه،قطعه چوب و دستمال کاغذی.

ص:۵۴

چکیده مطالب

۱.خاک بر سه قسم است:طهور(پاک کننده)،طاهر(پاک)و غیر طاهر(آلوده).

۲.استحاله به معنای دگرگونی می باشد و هر نجاستی که به سبب دگرگونی محکوم به پاکی شود،وسیله تطهیر آن استحاله خواهد بود.

۳.سنگی که در استنجا استفاده می شود،از وسایل طهارت محسوب می گردد.

پرسش ها

۱.وسیله دوم طهارت را با اقسامش نام ببرید.

۲.استعمال چه خاکی حرام است؟

۳.استحاله به چه معناست؟چه زمانی وسیله تطهیر نجاست قرار می گیرد؟

۴.استنجا را معنا کنید.

۵.مراد از سنگ در شرع چیست؟

ص:۵۵

درس هشتم:اقسام نجاست

اشاره

«عَنْ أُمِّ قَیسٍ بِنْتِ مِحْصَنٍ أَنَّهَا أَتَتْ بِابْنٍ لَهَا صَغِیرٍ،لَمْ یأْكُلِ الطَّعَامَ إِلَی رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله،فَأَجْلَسَهُ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه و آله فِی حِجْرِهِ،فَبَالَ عَلَی ثَوْبِهِ،فَدَعَا بِمَاءٍ فَنَضَحَهُ وَلَمْ یغْسِلْهُ.»(صحیح بخاری/ح:۲۲۳)

ام قیس دخت محصن پسر كوچكش را كه غذایی(به جز شیر مادر)نمی خورد،حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آورد؛رسول خدا صلی الله علیه و آله كودك را در دامان(زانوی)خود بنشاند كه پس از چندی كودك بر لباس آن حضرت ادرار نمود.رسول خدا صلی الله علیه و آله آب درخواست نمود و بر موضع بول آب پاشید،ولی آن را نشست.

اقسام نجاست

نجاست بر سه قسم است:خفیف،متوسط و غلیظ.

نجاست خفیف،ادرار كودكی است كه تنها از شیر مادر تغذیه می كند.

نجاست غلیظ،نجاست سگ و خوك است.

نجاست متوسط،غیر از نجاست خفیف و غلیظ است.

هر یك از نجاست های سه گانه فوق به دو قسم تقسیم می شود:

۱.نجاست عینی؛نجاستی است كه دارای وزن،طعم،رنگ و بو است؛

۲.نجاست حكمی؛نجاستی است كه وزن،طعم،رنگ و بو نداشته باشد.

ص:۵۶

کیفیت از بین بردن نجاست

نجاست خفیف واجب نیست که شسته شود،بلکه باید پس از فشردن لباس اگر خیس یا خشک باشد،آب بر آن پاشیده شود،تا اینکه بدون جاری شدن همه آن را فرا گیرد،به شرط آنکه طعم،رنگ و بوی آن از بین برود.

اگر نجاست متوسط حکمی باشد،جاری شدن آب بر محل آلوده کفایت می کند،ولی اگر عینی باشد،شستن آن با آب تا اینکه وزن و سایر اوصافش از طعم و رنگ و بو از بین برود،واجب است.

برای برطرف کردن نجاست غلیظ،علاوه بر موارد مذکور در پاک کردن نجاست متوسط،«تسبیع»یعنی هفت بار شستن محل آلوده که باید یک بار آن با گِل[خاک]پاک کننده باشد،واجب است و بهتر آن است که یک بار گِل در اولین دفعه باشد.

حکم تطهیر نجاست

از بین بردن نجاست واجب فوری نیست،در صورتی که تأخیر،متضمن گناهی نباشد؛مانند اینکه بدون ضرورت جایی از بدن را با آن چرب کند که واجب است فوراً آن را برطرف کند.

تقسیم دیگر

نجاست از لحاظ قابل گذشت و غیر قابل گذشت بودن،بر سه قسم است:

۱.نجاستی که مطلقاً غیر قابل گذشت است:خواه اندک باشد و یا بسیار؛و آن نجاست غلیظ و نجاست از حد گذشته است.

۲.نجاستی که اندک آن قابل گذشت و بسیار آن غیر قابل گذشت است و آن خون و چرک باشد.

۳.نجاستی که به طور مطلق قابل گذشت است،چه اندک و یا بسیار باشد و مثال آن خون کک باشد.

ص:۵۷

چکیده مطالب

۱.نجاست بر سه قسم است:خفیف،متوسط و غلیظ که هر یک از اینها یا عینی و یا حکمی است.

۲.برای از بین بردن نجاست خفیف،جاری شدن آب بر محل آلوده شرط نیست.

۳.برای از بین بردن نجاست متوسط حکمی،جاری شدن آب بر محل آلوده کفایت می کند.

۴.برای از بین بردن نجاست متوسط عینی،شستن آن با آب واجب است.

۵.برای برطرف کردن نجاست غلیظ،علاوه بر جاری شدن آب بر محل آلوده و شستن آن،تسبیع نیز واجب است که یک بار آن با گِل(خاک)انجام می گیرد.

۶.از بین بردن نجاست با تأخیر واجب است،اگر تأخیر متضمن گناهی نباشد.

۷.برخی از نجاسات مطلقاً غیر قابل گذشتند(نجاست غلیظ)،ولی برخی در صورتی قابل گذشتند که اندک باشند(مثل خونی که از حد زیاد تجاوز نکند)و برخی دیگر به طور مطلق قابل گذشت است(مثل خون کک).

پرسش ها

۱.اقسام نجاست را نام ببرید.

۲.تفاوت نجاست عینی با نجاست حکمی در چیست؟

۳.تکلیف در برابر نجاست خفیف چیست؟

۴.ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن آب خورده است،چگونه باید تطهیر کرد؟

۵.نجاسات از جهت قابل گذشت بودن بر چند قسم است؟

درس نهم:استنجا و آداب آن

اشاره

قَالَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله:«إذا جلس أحدکم لحاجته فلا یستقبل القبله ولا یستدبرها»(صحیح مسلم/ح:۲۶۵)

اگر کسی از شما برای انجام حاجت خود بنشیند،رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

درآمد

همان گونه که در درس های گذشته آمد،استنجا در اصطلاح شرعی،پاک نمودن بدن از نجاستِ خارج شده-از قبیل ادرار،مدفوع و نجاست های دیگر-می باشد و با آب انجام می گیرد.البته در صورت عدم وجود آب و یا کم بودن آب،می توان از سنگ (۱)استفاده نمود.

در پایان مبحث مطهرات استنجا و آداب آن را می آوریم.

احکام استنجا

واجب:پوشاندن عورت از دیگران-حتی دیوانه و بچّه ممیز-بجز همسر،واجب است.

حرام:رو به قبله و پشت به قبله کردن در فضای باز،حرام است.

ص:۵۹

۱- (۱) .مراد از سنگ هر چیز خشک و جامدِ بی ارزش.

مستحب[سنت]:

۱.جایی بنشیند که کسی او را نبیند؛

۲.هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.

۳.هنگام ورود بگوید:«بِسمِ اللهِ اللّهُمَّ إنِّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْخُبثِ و الْخَبَائِثِ».

۴.هنگام بیرون آمدن اوّل پای راست را بیرون بگذارد.

۵.هنگام خروج از توالت سه بار بگوید:«غُفْرَانَکَ.الْحَمْدُ لله الَّذِی أذْهَبَ عَنِّی الأذَی و عَافانِی».

۶.هنگام تخلّی سر را بپوشاند.

۷.سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.

مکروه:

۱.بدانچه از او خارج شود-بدون ضرورت-بنگرد.

۲.توقف زیاد داشته باشد.

۳.رو به روی باد بنشیند.

۴.چیزی را که قرآن یا اسم خداوند بر آن نوشته شده،با خود داشته باشد.

۵.تخلّی در آب قلیل چه جاری باشد یا راکد.

۶.تخلّی نزد قبور مسلمین.

۷.تطهیر با دست راست.

۸.ایستاده بول کردن.

ص:۶۰

چکیده مطالب

۱.استنجا در اصطلاح شرعی،پاک نمودن بدن از نجاستِ خارج شده می باشد و با آب انجام می گیرد.

۲.هنگام استنجا پوشاندن عورت از دیگران واجب است.

۳.رو به قبله و پشت به قبله کردن در فضای باز،حرام است.

۴.استنجا دارای مستحباتی است و مراعات نمودن آنها مطلوب می باشد.

۵.استنجا مکروهاتی نیز دارد که در پرهیز نمودن از آنها تأکید شده است.

پرسش ها

۱.استنجا را معنا کنید.

۲.آیا استنجا تنها با آب انجام می گیرد؟

۳.چه امری در استنجا واجب است؟

۴.در فضای بسته هنگام استنجا پشت به قبله کردن چه حکمی دارد؟

۵.مستحبات استنجا را نام ببرید.

۶.مکروهات استنجا را برشمارید.

درس دهم:وضو(۱)

اشاره

قال الله تعالی:

یـا أَیُّهَـا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلاهِ فَاغْسِـلُوا وُجُوهَکُمْ وَ أَیْـدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَـحُوا بِرُؤُسِـکُمْ وَ أَرْجُلَکُمْ إِلَی الْکَعْبَیْنِ (مائده/۶)

ای مسـلمانان چون برخیزید بسوئی نماز پس بشوئید روی خود را و دسـتهای خود را تا آرنج و مسح کنید سر خود را و بشوئید پایهای خود را تا شتالنگ...(ترجمه دهلوی)

درآمد

نمازگزار باید قبل از انجام نماز،وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

در برخی از موارد هم بایـد«غُسل»کنـد؛یعنی تمام بدن را بشوید و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند،باید به جای آن عملِ دیگری به نام«تیمّم»انجام دهد که در این درس و درس های آینده با احکام هر یک آشنا خواهید شد.

وضو در لغت از«وضاءه»گرفته شده که به معنای پاکیزگی است،ولی در شـرع مقدّس اسـلام نامی برای رسـیدن آب به اعضای مخصوصی از بدن همراه با نیت است؛فرقی نمی کند که شخص وضوگیرنده خود آن را انجام دهد یا دیگری.

ص:۶۲

شرائط صحت وضو

شرطهای صحت وضو موارد ذیل هستند:

۱.اسلام:پس وضوی کافر درست نیست.

۲.قدرت تشخیص:پس وضوی بچه و دیوانه،بی هوش،مست و خوابیده درست نیست.

۳.آب پاک:این که آب در نزد وضوگیرنده پاک کننده باشد،اگرچه بنا را بر اصل پاک کنندگی بگذارد؛مثل اینکه آبی را بیابد و نداند که ناپاک است.پس وضو با آبی که می داند که ناپاک است یا در فرض طهارت استعمال شده یا پاک کنندگی آن از بین رفته باشد،درست نیست.

۴.وجود نداشتن حالتی که با وضو منافات دارد:از قبیل حیض،نفاس،مس فرج و خروج چیزی از مجاری معمولی.

۵.عدم وجود حائل:بین آب و عضوی که باید شسته یا مسح شود،حائلی همچون گِل،شمع،روغن و...وجود نداشته باشد.

۶.جریان آب:یعنی جاری شدن آب بر عضوی که باید شسته شود؛پس تنها مسح در طهارت آن عضو کافی نیست و آب باید حتماً جریان پیدا کند.

۷.شناخت:وضوگیرنده هیأت و صفت وضو را بشناسد و بداند که وضو به چه کیفیتی انجام می گیرد.

۸.تشخیص فرض ها از سنت ها:حد اقلِ این تشخیص آن است که به سنت بودن فرضی معتقد نباشد.

فرض های وضو

وضو دارای شش فرض است:

۱.نیت کردن هنگام شستن اولین جزء از صورت؛پس وضوگیرنده همزمان با شروع شستن صورت خویش باید وضو یا برطرف نمودن بی وضویی و یا انجام

فرایض وضو را نیت کند و تا پایان وضو این نیت ادامه داشته باشد.

۲.شستن همه صورت بدین شرح که در طول:ما بین بالای پیشانی(جایی که موی سر می روید)و زیر چانه و آرواره پایین که دندان های زیرین بر آن روییده است و در عرض:فاصله بین دو گوش را در بر گیرد.

۳.شستن دو دست با دو آرنج؛

۴.مسح کردن(یا شستن)قسمتی از سر؛

۵.شستن دو پا با دو قوزک؛

۶.مراعات ترتیب به نحوی که ذکر شد.پس اگر ترتیب را فراموش کرد،وضویی انجام نداده است.

ص:۶۴

چکیده مطالب

۱.وضو در لغت از«وضاءه»گرفته شده که به معنای پاکیزگی است؛و در شرع مقدّس اسلام نامی برای رسیدن آب به اعضای مخصوصی از بدن همراه با نیت است.

۲.شرطهای صحت وضو:اسلام،قدرت تشخیص،آب پاک،عدم وجود حالتی منافی با وضو،عدم وجود حائل،جریان آب،شناخت،تشخیص فرض ها از سنت ها.

۳.فرض های وضو عبارتند از:نیت،شستن صورت،شستن دو دست با دو آرنج،مسح(و یا شستن)قسمتی از سر،شستن دو پا با دو قوزک،مراعات ترتیب.

پرسش ها

۱.وضو در لغت به چه معناست؟معنای اصطلاحی وضو را نیز توضیح دهید و نوع ارتباط این دو معنا را بازگو نمایید.

۲.شرط ای صحت وضو را نام ببرید.

۳.اگر وضوگیرنده نداند که آبی که در برابرش قرار گرفته،پاک است،تکلیفش چیست؟

۴.عدم وجود حائل که یکی از شرطهای صحت وضو است،به چه معناست؟

۵.حد اقل تشخیص فرض های وضو از سنت های آن به چه نحوی است؟

۶.فرض های وضو را نام ببرید.

۷.آیا وضوی کسی که نیت وضو را تا پایان تداوم نمی دهد،صحیح است؟در این صورت تکلیفش چیست؟

ص:۶۵

درس یازدهم:وضو(۲)

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«لولا أن أشق علی أمتی لامرتهم بالسواک مع کل وضوء»(الموطأ؛ح ۱۴۴)

اگر بر امتم دشوار نمی شد حتما دستور می دادم تا در هر وضوء مسواک زنند.

سنت های وضو

سنت های وضو عبارتند از:

۱.گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای وضو؛

۲.سه بار شستن دست تا مچ قبل از مضمضه؛

۳.مضمضه[شستن دهان]؛

۴.مسواک نمودن؛

۵.استنشاق[شستن بینی]؛

۶.استنثار[تمیز نمودن داخل بینی]؛

۷.مبالغه نمودن در مضمضه و استنشاق برای شخص غیر روزه دار؛

۸.مسح کشیدن بر تمام سر؛

۹.مسح نمودن ظاهر و باطن دو گوش با آب جدید؛

۱۰.تخلیل ریش پرپشت؛

۱۱

تخلیل انگشتان دست و پا؛

۱۲.از جانب راست شروع نمودن؛

۱۳.سه بار شستن هر عضوی؛

۱۴.موالات[پی در هم شستن]؛

۱۵.دلک[کشیدن دست بر اعضای وضو]؛

۱۶.اطاله غره[شستن قسمت جلو ی سر هنگام شستن رو جهت تکمیل آن]؛

۱۷.اطاله تحجیل[شستن بالاتر از آرنج دست و قوزک پا].

مکروهات وضو

امور مکروه و ناپسند در وضو عبارتند از:

۱.اسراف در استفاده از آب؛

۲.تقتیر[مخالف اسراف]در استفاده از آب؛

۳.تقدیم عضو چپ بر عضو راست؛

۴.بیش از سه بار شستن؛

۵.مبالغه در مضمضه و استنشاق برا شخص روزه دار؛

۶.ترک سنت های وضو.

چکیده مطالب

۱.سنت های وضو هفده مورد است.

۲.مکروهات وضو شش مورد است.

پرسش ها

۱.سنت های وضو را نام ببرید.

۲.استنشاق با استنثار چه تفاوتی دارد؟

۳.موالات را معنا کنید.

۴.اطاله غره و اطاله تحجیل را معنا کنید.

۵.اگر شخص روزه دار در مضمضه و استنشاق مبالغه نماید،چه حکمی دارد؟

۶.اسراف و تقتیر را معنا کنید.

درس دوازدهم:وضو(۳)

اشاره

صفوان بن عسال(رضی الله عنه)قال:«کان رسول الله صلی الله علیه و آله یأمرنا إذا کنا سفرا ألا ننزع خفافنا ثلاثه أیام ولیالیهن إلا من جنابه،لکن من غائط وبول ونوم».(سنن ترمذی/ح:۹۶)

صفوان پسر عسال(رضی الله عنه)گوید:زمانی که ما در مسافرت به سر می بردیم رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور می داد که پاپوش های خودرا به خاطر مدفوع،ادرار و خواب به مدت سه شبانه روز[برای وضوء گرفتن]از پا درنیاریم مگر در حال[غسل]جنابت.

نواقض وضو

نواقض جمع ناقض بوده و در باب وضو به معنای شکننده وضو به کار گرفته می شود.

شکننده های وضو عبارتند از:

۱.آن چیزی که از دو راه بیرون آید؛

۲.خواب؛

۳.زوال عقل به علت مستی،مریضی و یا بی هوشی؛

۴.لمس پوست زن نامحرم[برای مرد]اگرچه مرده باشد؛باید دانست که مصافحه نمودن[دست دادن]با زن نامحرم حرام است.

ص:۶۹

۵.مس فرج آدمی به باطن کف؛اگر به خارج کف و یا ما بین انگشتان بگیرد،ناقض وضو نباشد.

کارهای ممنوعه برای شخص بی وضو

کارهایی که برای شخص بی وضو حرام و ممنوع است عبارتند از:

۱.هر نوع نماز(واجب،سنت،...)خواندن؛

۲.سجده تلاوت انجام دادن؛

۳.طواف کردن خانه خداوند(به هر شکلی که باشد)؛

۴.خواندن خطبه های جمعه؛ (۱)

۵.مس مصحف(قرآن کریم)با هر جزئی از بدن(حتی دندان،ناخن و...)چه با حائل و چه بدون حائل؛

۶.حمل مصحف بدون ضرورت؛

۱- (۱) .خواندن خطبه مستحبی(مثل خطبه عیدین)بدون وضو درست است.

چکیده مطالب

۱.نواقض جمع ناقض بوده و در باب وضو به معنای شکننده وضو به کار گرفته می شود.

۲.شکننده های وضو:چیزی که از دو راه بیرون آید،خواب،زوال عقل،لمس پوست جنس مخالف اجنبی،مس فرج به باطن کف.

۳.امور ممنوعه برای شخص بی وضو:نماز خواندن،سجده تلاوت،طواف بیت،خواندن خطبه های جمعه،مس و حمل مصحف.

پرسش ها

۱.نواقض به چه معناست؟

۲.شکننده های وضو را نام ببرید.

۳.چه اموری برای شخص بی وضو ممنوع می باشد؟

ص:۷۱

درس سیزدهم:غسل(۱)

اشاره

قال الله تعالی:

وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا (مائده/۶)

و اگر باشید با جنابت پس غسل کنید.(ترجمه دهلوی)

درآمد

گاهی برای نماز و یا هر کاری که باید با طهارت انجام شود،غُسل باید کرد.

غسل،عبارت است از شستن تمام بدن با آب همراه با قصد و نیت.

اقسام غسل

ص:۷۲

غسل جنابت

۱.چگونه انسان جنب می شود؟

۲.اگر منی از جای خود حرکت کند،ولی بیرون نیاید،سبب جنابت نمی شود.

۳.کسی که می داند منی از او خارج شده است و یا می داند آنچه بیرون آمده است،منی می باشد،جُنُب است و باید غُسل کند.

۴.کسی که نمی داند آنچه از او بیرون آمده منی است یا نه،در صورتی که علائم منی را داشته باشد،جُنُب است و در غیر این صورت،حکم به جنابت نمی شود.

ص:۷۳

۵.نشانه های منی:

-با شهوت بیرون آید؛

-با فشار و جستن بیرون آید؛

-بعد از بیرون آمدن،بدن سست شود.

۶.کسی که آبی از او خارج شده و نمی داند منی است یا نه،در صورتی که یکی از این نشانه ها را داشته باشد،جنب است؛وگرنه جنب نمی باشد.

ص:۷۴

چکیده مطالب

۱.غسل،عبارت است از شستن تمام بدن با آب همراه با قصد و نیت.

۲.اقسام غسل عبارت است از:واجب و مستحب.

۳.غسل واجب مشترک میان مردان و زنان:غسل جنابت و غسل میت.

۴.غسل واجب مخصوص بانوان:غسل حیض،غسل نفاس و غسل ولادت.

۵.جنابت دو عامل دارد:بیرون آمدن منی و جنابت.

پرسش ها

۱.غسل را تعریف کنید.

۲.اقسام غسل را نام ببرید.

۳.غسل واجب چند قسم است.

۴.اقسام غسل واجب مشترک میان مردان و زنان را نام ببرید.

۵.عوامل جنابت را نام ببرید.

۶.نشانه های منی را بیان کنید.

درس چهاردهم:غسل(۲)

اشاره

عن عائشه قالت:«كان رسول الله صلى الله عليه و سلم إذا اغتسل من الجنابه يبدأ فيغسل يديه ثم يفرغ بيمينه على شماله فيغسل فرجه ثم يتوضأ وضوئه للصلاه ثم يأخذ الماء فيدخل أصابعه فی أصول الشعر حتى إذا رأى أن قد استبرأ حفن على رأسه ثلاث حفنات ثم أفاض على سائر جسده ثم غسل رجليه».(صحیح مسلم/۳۵)

عائشه رضی الله عنها گوید:رسول خدا هر زمان که می خواست از جنابت غسل انجام دهد با شستن دو دستش شروع می کرد؛سپس با دست راستش بر دست چپش آب می ریخت تا شرمگاه خود را بشوید؛سپس وضوی کامل می گرفت-همچنانکه برای نماز وضو می گرفت-؛سپس بر ریشه موی های مبارک که با انگشتانش باز نموده بود،آب می ریخت و زمانی که کاملا تمیز می نمود بر سر خویش سه نوبت آب می ریخت؛سپس بر تمام بدنش آب می ریخت و در پایان دو پای خویش را می شست.

انجام غسل

کسی که بر او غسل واجب شده است،به روش ذیل آن را انجام می دهد:

۱.نیت می کند؛و نیت چنان است که شخص جنب قصد برطرف کردن جنابت،حائض قصد پاک شدن از حیض و نفساء،قصد پاک شدن از نفاس را داشته باشد.همچنین می تواند قصد مباح شدن اموری که تنها با غسل مباح

می شوند،در نیت خویش داشته باشد.

۲.هر گونه نجاست را از بـدنش دور می کنـد؛شایسـته است که قبل از شـروع غسل،اسـتبراء از منی را انجام دهـد که آن با بول کردن-اگرچه یک یا دو قطره باشد-انجام می گیرد.

۳.وضوی کامل انجام می دهد.

۴.بر سر و گردنش آب می ریزد و جهت رسیدن آب به پوست سر،از بیخ موهای سرش را خلال می کند.

۵.بر تمام بدنش آب می ریزد و تا جایی که امکان دارد،بدنش را دست می کشد و شستشو می دهد.

واجبات غسل

غسل دو واجب دارد:

۱.نیت؛

۲.رسیدن آب به همه بدن.

۳.شستن داخل چشم و دهان در غسل،واجب نیست.

سنت های غسل

سنت های غسل عبارتند از:

۱.گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» ؛

۲.ازاله نجاست از بدن؛

۳.وضوی کامل گرفتن؛

۴.دلک و یا کشیدن دست بر روی بدن تا حد امکان؛

۵.مقدّم داشتن قسمت راست بدن در شستن؛

۶.رو به قبله کردن؛

۷.سه بار شستن؛

۸.خلال کردن بیخ موی سر.

ص:۷۷

چکیده مطالب

۱.کیفیت انجام دادن غسل:۱).نیت می کند؛۲).هر گونه نجاستی را از بدنش دور می کند؛۳).وضو می گیرد؛۴).بر سر و گردنش آب می ریزد؛۵).بر تمام بدنش آب می ریزد و خود را شستشو می دهد.

۲.واجبات غسل:نیت و رسیدن آب به تمام بدن.

۳.سنت های غسل زیادند که از جمله:تسمیه،وضوی کامل قبل از غسل،سه بار شستن هر عضو و خلال کردن بیخ موی سر.

پرسش ها

۱.کیفیت انجام دادن غسل را توضیح دهید.

۲.غسل چند واجب دارد؟نام ببرید.

۳.سنت های غسل را نام ببرید.

ص:۷۸

درس پانزدهم:غسل(۳)

اشاره

عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ:«لاَ تَقْرَإِ الْحَائِضُ وَلاَ الْجُنُبُ شَیْئًا مِنَ الْقُرْآنِ».(سنن ترمذی/۱۳۱)

ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود:

زن حائض و فرد جنب چیزی از قرآن نخوانند.

مکروهات غسل

امور مکروه و ناپسند در غسل عبارتند از:

۱.اسراف در استفاده از آب؛

۲.تقتیر[مخالف اسراف]در استفاده از آب؛

۳.تقدیم عضو چپ بر عضو راست؛

۴.بیش از سه بار شستن؛

۵.مبالغه در مضمضه و استنشاق برای شخص روزه دار؛

۶.ترک سنت های غسل.

کارهای ممنوعه برای شخص جُنُب

کارهایی که برای شخص جنب حرام و ممنوع است،عبارتند از:

۱.خواندن هر نوع نماز(واجب،سنت،...)؛

۲.انجام دادن سجده تلاوت؛

۳.طواف کردن خانه خداوند(به هر شکلی که باشد)؛

۴.خواندن خطبه های جمعه؛

۵.لمس کردن مصحف(قرآن کریم)با هر جزئی از بدن(حتی دندان،ناخن و...)چه با حائل و چه بدون حائل؛

۶.حمل کردن مصحف بدون ضرورت؛

۷.قراءت قرآن؛

۸.توقف در مسجد بدون ضرورت؛

۹.تردّد (۱)(آمد و رفت)در مسجد؛

غسل های مستحب

غسل های مستحب(غیر واجبه)عبارتند از:

۱.غسل جمعه؛

۲.غسل عیدین؛

۳.غسل نماز استسقاء[طلب باران]؛

۴.غسل نماز خسوف[ماه گرفتگی]؛

۵.غسل نماز کسوف[خورشید گرفتگی]؛

۶.غسل بعد از غسل میت[به عبارت دیگر«غسل مسّ میت»]؛

۷.غسل کافر پس از پذیرش اسلام؛

۸.غسل مجنون و یا بیهوش پس از افاقه و به هوش آمدن؛

۹.غسل إحرام؛

۱۰.غسل محرِم حج یا عمره برای دخول به مکه؛

۱۱.غسل وقوف در عرفه.

ص:۸۰

۱- (۱) .تردد آن است که برای برداشتن چیزی،وارد مسجد شود و از همان در خارج شود.

چکیده مطالب

۱.از جمله مکروهات غسل:اسراف و تقتیر آب،تقدیم عضو چپ بر عضو راست،بیش از سه بار شستن عضو و ترک سنت های غسل.

۲.از جمله امور ممنوعه برای شخص جنب:نماز خواندن،سجده تلاوت کردن،طواف نمودن،توقف و یا تردد در مسجد،قراءت قرآن و لمس کردن مصحف.

۳.غسل های مستحبی یازده تاست.

پرسش ها

۱.مکروهات غسل را نام ببرید.

۲.برای شخص جنب چه کارهایی ممنوع می باشد؟

۳.غسل های مستحبی را نام ببرید.

ص:۸۱

درس شانزدهم:تیمم(۱)

اشاره

قال الله تعالی:

وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضى أَوْ عَلى سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَیَمَّمُوا صَعِیداً طَیِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِکُمْ وَ أَیْدِیکُمْ مِنْهُ .(مائده/۶)

و اگر باشید بیمار یا مسافر یا بیاید یکی از شما از خلا جای یا مساس کرده باشید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید خاک پاک را پس مسح کنید ازان خاک بروی خود و دست خود....

درآمد

تیمم در لغت به معنای«قصد و توجه»بوده،و در شرع اسلامی عبارت است از مسح صورت و دو دست با خاک پاک همراه با نیت.

تیمم زمانی انجام داده می شود که امکان وضو و یا غسل با آب وجود نداشته باشد.

موجبات تیمم

دو امر موجب تیمم گرفتن می شود:

۱.نبود آب؛

۲.مریضی.

ص:۸۲

احکام نبود آب

اگر شخصی به آب دسترسی نداشته باشد چند حالت خواهد داشت:

۱.اگر به یقین می داند که در آن نزدیکی ها آبی وجود ندارد،بدون طلب و جستجوی آب،تیمم می گیرد؛

۲.اگر احتمال دهد که در آن نزدیکی ها آبی وجود دارد،قبل از تیمم گرفتن به جستجوی آب برمی آید و تا حدود ۱۵۰-۲۰۰ متر آب را طلب می کند.البته این جستجو و طلب به شرطهای زیر لازم است:

-امنیتش به خطر نیفتد؛

-خطری اموالش را تهدید نکند؛

-وقت نماز را از دست ندهد.

۳.اگر به یقین می داند که در آن نزدیکی ها آبی وجود دارد،در این صورت،سه حالت پیش خواهد آمد:

-اگر آب در حدی باشد که تا آنجا صدا می رسد،بر او واجب است که برای پیدا کردن آب تلاش کند و تیمم گرفتن برای او جایز نباشد،اگرچه وقت نمازهم(به خاطر طلب آب)بگذرد.

-اگر آب از حد رسیدن صدا دورتر باشد،به شرط وجود امنیت و از دست ندادن وقت نماز،بر او واجب است که آب را جستجو کند؛

-اگر آب در حد خیلی دوری به دست بیاید،بر او واجب نیست که به جستجوی آب برآید،بلکه تیمم می گیرد.

اگر شخص مسافری برای شُرب و برطرف نمودن تشنگی خویش و یا حیوان محترمی (۱)،آبی داشته باشد،برای نماز تیمم می گیرد و آب را برای نیازهایش نگه می دارد.

اگر شخصی به آبی برسد،ولی به خاطر وجود مانعی،آب در دسترس او قرار نگیرد،او نیز تیمم می گیرد و این حالت را ناتوانی حسی نامند.

۱- (۱) .مراد از حیوان محترم،حیوانی است که قتل آن جایز نباشد.

تیمم به سبب مریضی

مریضی نیز از موجبات تیمم است.از این رو شخص مریضی که از استعمال آب ضرر خواهد دید و یا به قول پزشک متخصص و مورد اعتماد،احتمال ضرر را بدهد،به جای وضو و یا غسل،تیمم می گیرد.

ص:۸۴

چکیده مطالب

۱.تیمم عبارت است از مسح صورت و دو دست با خاک پاک،همراه با نیت.

۲.نبود آب و یا ناتوانی از استعمال آب،باعث تیمم گرفتن می شوند.

۳.زمانی که انسان به یقین نمی داند که در آن اطراف آبی وجود دارد،به شرط تأمین امنیت خود و اموالش و همچنین به شرط از دست ندادن وقت نماز،قبل از تیمم به جستجوی آب برمی آید.

۴.اگر آبی که به همراه دارد،برای نیازهای اساسئ خود احتیاج دارد،برای ادای نماز تیمم می گیرد.

پرسش ها

۱.تیمم در لغت به چه معناست؟

۲.تیمم در اصطلاح به چه معناست؟

۳.موجبات تیمم را نام ببرید.

۴.اگر یقیناً بداند که در آن نزدیکی ها آبی وجود ندارد،تکلیفش چیست؟

۵.شرائط لزوم جستجوی آب را قبل از انجام تیمم،نام ببرید.

۶.در چه حالتی،به جستجوی آب قبل از تیمم می پردازد،اگرچه وقت نماز را از دست دهد؟

۷.ناتوانی حسی را معنا کنید و بگوئید:مراد از این اصطلاح در باب تیمم چیست؟

۸.چه زمانی شخص بیمار تیمم را جایگزین وضو و یا غسل می کند؟

ص:۸۵

درس هفدهم:تیمم(۲)

اشاره

عن أبی ذر رضی الله عنه،أن النبی صلی الله علیه وسلم قال:

«إن الصعید الطیب طهور المسلم،و إن لم یجد الماء عشر سنین.فإذا وجد الماء فلیمسه بشرته فإن ذلک خیر»(سنن ترمذی؛ح:۱۱۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله:

«خاک پاکیزه،پاک کننده برای مسلمان است،اگرچه ده سال آب را پیدا نکند.و چون آب را پیدا کرد،پس با آن خود را تمیز نماید؛همانا این خیر و نیکی است»

شرائط صحت تیمم

۱.اسلام؛پس تیمم کافر درست نیست؛

۲.قدرت تشخیص؛پس تیمم کودک،بی هوش،مست و دیوانه درست نیست؛

۳.بین خاک و عضوی که در تیمم مورد مسح قرار می گیرد،مانعی نباشد؛همچون چسب و امثال آن؛

۴.قبل از انجام تیمم،نجاست غیر قابل گذشت را از بدن دور کردن،گرچه در غیر اعضای تیمم باشد؛

۵.دانستن کیفیت انجام تیمم؛

۶.با خاک صورت پذیرد؛خاک باید از غبار برخوردار باشد و با چیزی

ص:۸۶

همچون گچ،آهک و آرد آمیخته نشده باشد.پس اگر با آنها مخلوط شود،تیمم با آن درست نیست؛

۷.خاک،پاک کننده[طهور]باشد؛

۸.یقینًا وضو نداشته باشد؛اگر وضو گرفته و در نقض وضو شک کرد،سپس در حال شک برای احتیاط تیمم انجام داد،اگر معلوم شد که وضو نداشته،تیمم کفایت نمی کند و نمازش هم باطل است؛

۹.نسبت به فرا رسیدن وقت نماز از روی یقین یا ظن و یا اجتهاد آگاهی داشته باشد؛از این رو تیمم برای عبادات[مثل نماز و طواف]قبل از رسیدن زمان انجام آنها و یا در حالت شک در رسیدن وقت،درست نیست؛

۱۰.جستجوی آب قبل از انجام تیمم در جایی که نبود آب یقینی نباشد.

فرائض تیمم

تیمم دارای چهار فرض است:

۱.نیت؛نیت در تیمم این گونه است که شخص مباح گرداندن نماز و همه آن چیزهایی را که به وضو نیاز دارند-مثل طواف،خطبه های نماز جمعه،لمس و همراه داشتن قرآن-قصد نماید.بنابر این،اگر تیمم کننده قصد برطرف نمودن حدث را کند،تیممش درست نیست،زیرا تیمم حدث را برطرف نمی کند.

۲.مسح صورت؛لازم است در مسح صورت قسمتی از اطراف آن مسح شود تا اطمینان حاصل شود.

۳.مسح دو دست تا دو آرنج (۱)؛لازم است در مسح دو دست قسمتی از بازو مسح شود تا اطمینان حاصل شود.

۴.ترتیب؛یعنی ابتدا نیت مباح نمودن نماز و عبادت های مورد نظر را نماید و سپس صورت و آنگاه دستان خود را مسح کند.

۱- (۱) .البته به قولی تا بند دست.

چکیده مطالب

۱.شرائط صحت تیمم عبارتند از:اسلام،قدرت تشخیص،عدم وجود مانع میان خاک و عضو مسح شونده،دور کردن نجاست از بدن،دانستن کیفیت انجام تیمم،خاک پاک،وضو نداشتن قبل از تیمم،فرا رسیدن وقت نماز[و یا هر عبادتی که طهارت در آن لازم است]،جستجوی آب قبل از انجام تیمم.

۲.فرائض تیمم عبارتند از:نیت،مسح صورت،مسح دو دست تا آرنج،ترتیب.

پرسش ها

۱.شرائط صحت تیمم را نام ببرید.

۲.اگر قبل از تیمم شک دارد که وضویش باطل شده یا نه،آیا جایز است که تیمم بگیرد؟

۳.نیت در تیمم چه حکمی دارد؟

۴.نیت در تیمم چگونه باید باشد؟

۵.ترتیب انجام تیمم را بیان کنید.

۶.مسح رو در تیمم چه حکمی دارد؟

۷.مسح دو دست در تیمم چه حکمی دارد؟

۸.تیمم را عملاً انجام دهید.

ص:۸۸

درس هجدهم:تیمم(۳)

اشاره

فعن أبی سعید الخدری رضی الله عنه قال:خرج رجلان فی سفر،فحضرت الصلاه ولیس معهما ماء فتیمما صعیدا طیبا فصلیا،ثم وجد الماء فی الوقت،فأعاد أحدهما الوضوء و الصلاه،ولم یعد الاخر،ثم أتیا رسول الله صلی الله علیه وسلم،فذکرا له ذلک،فقال للذی لم یعد:(أصبت السنه وأجزأتک صلاتک)وقال للذی توضأ وأعاد:(لک الاجر مرتین)رواه أبو داود و النسائی.(سنن ابو داود؛ح:۲۸۹)

...دو مرد هنگام سفر در وقت نمازی قرار گرفتند که همراه خویش آبی برای وضوء نداشتند،لذا هر دو با خاک پاک تیمم نمودند و نمازشان را ادا کردند.دیری نگذشت که قبل از خروج وقت آن نماز آبی پیدا نمودند:یکی با آب وضوء گرفت و نمازش را اعاده کرد،اما دیگری نماز خویش اعاده ننمود.به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و داستان را نقل کردند.رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن کسی که نمازش را اعاده نکرده بود،فرمودند:«به سنت،صحیح عمل کردی و نمازت قابل قبول است».و به آن دیگری که وضوء گرفته و نمازش را اعاده کرده وبد،روی آوردند و فرمودند:«برای تو پاداشی دوبرابر باشد».

سنت های تیمم

سنت های تیمم بسیارند و از جمله:

۱.تسمیه؛

۲.مقدم داشتن عضو راست بر عضو چپ؛

۳.انجام دادن مسح صورت از بالا؛

۴.انجام دادن مسح دستان از انگشتان؛

۵.موالات برای کسی که سالم است؛

۶.درآوردن انگشتر در ضرب اول؛ (۱)

مکروهات تیمم

مکروهات تیمم عبارتند از:

۱.زیاد بودن خاک؛

۲.تکرار مسح؛

۳.تجدید تیمم.

باطل کننده های تیمم

باطل کننده های تیمم عبارتند از:

۱.هر آنچه وضو را باطل می کند؛

۲.ارتداد؛یعنی از دین برگشتن،مانند انکار یکی از ضروریات دین،استهزا و مسخره کردن مقدسات دینی،حلال شمردن حرام اجماعی و یا اهانت به پیامبر الهی.

۳.علم به وجود آب در محلی که طلب آب در آن واجب باشد؛

۴.از بین رفتن ناتوانی شرعی،همچون مرض.

برخی از احکام تیمم

-کسی که از استعمال آب ناتوان باشد-چه به خاطر نبود آب و یا ناتوانی از استعمال آب-با یک تیمم نمی تواند دو فرض را بجای آورد.

۱- (۱) .البته درآوردن انگشتر در ضرب دوم واجب است.

-کسی که تیمم کرده است جایز نیست که بین خطبه و نماز جمعه را جمع کند،بلکه اگر فریضه ای را با تیمم انجام داد و خواست که فریضه دیگری را انجام دهد،تیمم کردن دو باره بر او واجب است.

-اگر شخصی برای انجام فرضی تیمم کند،انجام نوافل و نماز جنازه برای او جایز است.

ص:۹۱

چکیده مطالب

۱.برخی از سنت های تیمم:تسمیه،مقدم داشتن عضو راست،انجام دادن مسح صورت از بالاـانجام دادن مسح دستان از انگشتان،موالات،درآوردن انگشتر در ضرب اول.

۲.باطل کننده های تیمم عبارتند از:ارتداد،آگاهی از وجود آب،برطرف شدن ناتوانی شرعی و مبطلات وضو.

۳.با یک تیمم نمی توان دو فرض را بجای آورد.

۴.با تیممی که برای فرض انجام شده است،می توان نوافل را بجای آورد.

پرسش ها

۱.سنت های تیمم را نام ببرید.

۲.مکروهات تیمم را نام ببرید.

۳.باطل کننده های تیمم را نام ببرید.

۴.آیا می توان با یک تیمم،دو فرض را انجام داد؟

۵.آیا با تیممی که برای نماز فرض انجام گرفته است،می توان نماز نفل را انجام داد؟

ص:۹۲

درس نوزدهم:مسح بر خفين

اشاره

عن همام النخعی رضی الله عنه،قال:(بال جریر بن عبد الله ثم توضأ ومسح علی خفیه،فقیل:تفعل هذا و قد بلت؟قال:نعم رأیت رسول الله صلی الله علیه وسلم بال ثم توضأ ومسح علی خفیه)(سنن ترمذی؛ح:۸۹)

...جریر بن عبدالله بول نمود و سپس وضوء گرفت و بر دو خف[پای افزار]خویش مسح کشید.به او اعتراض نمودند که:این گونه وضوء انجام می دهی در حالی که بول کردی؟!در پاسخ گفت:آری،رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که بعد از بول وضوء گرفت و بر دو خف خویش مسح کشید.

درآمد

مسح بر خفّین (۱)رخصتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاران او بر آن عمل کرده اند و حکم آن جواز می باشد.

مسح بر خفین عبارت است از مسح بخشی معین از پاپوش مخصوص به عوض شستن پا در زمان و شرائط خاص.

البته شستن پاها در وضو بهتر است،زیرا اصل شستن پاهاست و مسح بر خفبین جایگزین آن است.

ص:۹۳

۱- (۱) .خُفّ:موزه.

شرائط صحت مسح

شرائط صحت مسح بر خفّین عبارتند از:

۱.پوشیدن خفّین بعد از طهارت و انجام وضوی کامل؛

۲.طهارت و پاکی خفّین؛پس مسح بر خفّ نجس یا آلوده شده غیر قابل گذشت درست نیست.اگر بر خفّ نجاست قابل گذشت قرار داشته باشد،مسح بر آن درست می باشد؛

۳.خفین،پاها را تا بالای قوزک ها بپوشاند؛

۴.عدم نفوذ آب از غیر محل دوخته شده خفّین؛

۵.قابل استفاده بودن خفّین در مدت مسح و امکان مسافرت با آن؛یعنی راه رفتن با خفین،به طور عادی و معمولی ممکن باشد؛

۶.خفین،از پارگی سالم باشند.

-مسح جوراب به عوض شستن پاها به شرطی جایز است که جوراب دارای نعلین و ضخامت باشد،به گونه ای که شخص بتواند با آن راه برود.

کیفیت مسح

مسح بر خفین به ترتیب زیر انجام می گیرد:

۱.دست چپ را بر پاشنه و دست راست را بر پشت انگشتان قرار دهد؛

۲.دست چپ را به اطراف انگشتان و دست راست را به طرف ساق در حالی که بین انگشتان فاصله باشد،می کشد.

مدت مسح

مدت مسح خفین برای شخص مقیم یک شبانه روز و برای شخص مسافر سه شبانه روز است.

ص:۹۴

باطل کننده های مسح

باطل کننده های مسح خفین چهار چیز است:

۱.آشکار شدن قسمتی از پا؛

۲.تمام شدن یقینی و یا ظنّی مدتی که برای مقیم و مسافر تعیین شده است؛

۳.عارض شدن موجبات غسل،از قبیل جنابت؛

۴.خارج شدن پاپوش از صلاحیت مسح به جهت ضعف و یا پار گی.

ص:۹۵

چکیده مطالب

۱.مسح بر خفین جایز است.

۲.مسح بر خفین عبارت است از مسح بخشی معین از پاپوش مخصوص به عوض شستن پا در زمان و شرائط خاص.

۳.شرائط صحت مسح بر خفین:پوشیدن خفّین بعد از طهارت و انجام وضوی کامل،طهارت و پاکی خفّین،پوشش قوزک پا توسط خفین،عدم نفوذ آب از خفین،امکان راه رفتن با خفین،سالم بودن خفین از پارگی.

۴.کیفیت مسح بر خفین:دست چپ را بر پاشنه و دست راست را بر پشت انگشتان قرار می دهد؛سپس دست چپ را به اطراف انگشتان و دست راست را به طرف ساق در حالی که بین انگشتان فاصله باشد،می کشد.

۵.مدت مسح خفین:یک شبانه روز برای مقیم،سه شبانه روز برای مسافر.

۶.مبطلات مسح خفین:آشکار شدن قسمتی از پا،به پایان رسیدن مدت مسح،عارض شدن موجبات غسل،فرسودگی و یا پاره شدن خفین.

پرسش ها

۱.مراد از خفین چیست؟

۲.حکم مسح بر خفین چیست؟

۳.مسح بر خفین را تعریف کنید.

۴.شرائط صحت مسح بر خفین را نام ببرید.

۵.آیا می توان بر جوراب مسح کشید؟

۶.کیفیت مسح بر خفین را عملاً توضیح دهید.

۷.مدت مسح خفین را بیان کنید.

۸.مبطلات مسح خفین نام ببرید.

درس بیستم:نماز(۱)

اشاره

إِنَّ الصَّلاهَ کانَتْ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ کِتاباً مَوْقُوتاً (سوره نساء/۱۰۳)

بی تردید نماز بر مؤمنان،در اوقات معین مقرّر شده است.

معنای نماز

نماز،ترجمه کلمه«صلاه»است که این واژه،عربی بوده و در لغت به معنی«دعا»و«درخواست»می باشد:

وَ صَلِّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ وَ اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ . (۱)

«و(به هنگام گرفتن زکات،)به آنها دعا کن؛ که دعای تو،مایه آرامش آنهاست...».

اما در اصطلاح فقهی،مراد از«صلاه»اقوال و افعال مخصوصی است که با تکبیر آغاز و با سلام دادن به پایان می رسد.

اهمیت نماز

۱.نماز،سفارش خداوند بر انبیا و اولیای خود است:

-حضرت عیسی*در گهواره می گوید: وَ جَعَلَنِی مُبارَکاً أَیْنَ ما کُنْتُ وَ أَوْصانِی بِالصَّلاهِ

۱- (۱) .توبه،آیه۱۰۳.

وَ الزَّکاهِ ما دُمْتُ حَیًّا (۱):خداوند مرا تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است...

۲.نماز،از مهم ترین سفارش های انبیا و اولیای الهی بوده و از بارزترین مصادیق عبادت است:

-حضرت لقمان به فرزندش می گوید: یا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلاهَ... (۲):پسرکم!نماز را بر پای دار...

۳.برای اهتمام به این برنامه سازنده،اسلام به پدران و مادران سفارش کرده که اطفال خود را قبل از بلوغ به هر نحوی که می توانند وادار به نماز کنند و گاهی هم به خاطر بی اعتنایی شان،از خود خشونت نشان دهند.

۴.نماز،سبب آمرزش گناهان و زدودن آثار لغزش هاست.قرآن،پس از دستور به نماز،می فرماید: وَ أَقِمِ الصَّلاهَ طَرَفَیِ النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ إِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ.... (۳)

حکمت و اسرار نماز

نماز خواندن،اسرار و حکمت های زیادی دارد که برخی از آن:

۱.همواره توجه نمودن انسان به هویت و حقیقت اصلی خویش که عبارت است از بندگی خداوند متعال؛

۲.تقویت تدریجی و پیوسته این باور که پشتیبان واقعی و صاحب نعمت حقیقی تنها خداوند عز و جل است؛

۳.امکان فرصت برگشت از گناه و غفلت به سوی پاکی و آرامش روحی؛

۴.استحکام و تقویت عقیده و باور قلبی به خداوند متعال.

۱- (۱) .مریم،آیه۳۱.

۲- (۲) .لقمان،آیه۱۷.

۳- (۳) .هود،آیه۱۱۴.

اقسام نماز

اشاره

(۱)

نماز،به دو قسم کلی تقسیم می شود:

۱.نمازهای واجبه:

نمازهایی که بر هر مسلمان اهل تکلیف فرض گردانده شده است؛

۲.نمازهای نافله:

اشاره

نمازهای غیر واجبه باشد.

نمازهای واجبه،دو دسته اند:

۱.نمازهای یومیه:

صبحف ظهر،عصر،مغرب و عشاء؛

۲.نماز مشروط:

اشاره

نماز جمعه که پس از فراهم شدن شرائط خاصی،واجب می گردد.

نمازهای نافله نیز دو دسته اند:

۱.نمازهای نافله ای که بدون جماعت خوانده می شوند:

-نمازهای رواتب روزانه[نافله هایی که تابعه نمازهای واجبه باشند]؛

-نمازهای غیر رواتب[نافله هایی که تابعه نمازهای واجبه نمی باشند].

۲.نمازهایی که با جماعت خواندن آنها مسنون است:

-نماز عیدین؛

-نماز تراویح؛-نماز کسوف؛-نماز خسوف؛-نماز استسقاء.

نمودار ۱:اقسام نمازهای واجبه

۱- (۱) .ر.ک.به نمودار ۱ و ۲.

نمودار ۲:اقسام نمازهای نافله

ص:۱۰۰

چکیده مطالب

۱.«صلاه»-نماز-در لغت به معنی دعا و در اصطلاح اقوال و افعال مخصوصی است که با تکبیر آغاز و با سلام دادن به پایان می رسد.

۲.برخی از اسرار و حکمت های نماز:توجه انسان به بندگی و عبودیت خویش،تقویت ایمان نسبت به بخشندگی و بخشایندگی خداوند،برگشت از گناه و غفلت به سوی پاکی و آرامش روحی.

۳.نماز،به دو قسم کلی تقسیم می شود:نمازهای واجبه و نمازهای نافله.

۴.نمازهای واجبه دو دسته اند:نمازهای یومیه و مشروط.

۵.نمازهای نافله نیز دو قسم هستند:نمازهای نافله ای که بدون جماعت خوانده می شوند(مورد)و نمازهای نافله ای که با جماعت خواندن آنها مسنون است(۶مورد).

پرسش ها

۱.«صلاه»در لغت به چه معناست؟

۲.معنی اصطلاحی«صلاه»را بازگو نمائید.

۳.یکی از حکمت ها و اسرار نماز را توضیح دهید.

۴.نماز به چند قسم کلی تقسیم می شود؟نام ببرید.

۵.تفتوت نمازهای واجبه با نماز های نافله در چیست؟

۶.مراد نمازهای یومیه چیست؟

۷.نماز واجبه مشروط کدام است؟

۸.اقسام نمازهای نافله را نام ببرید.

۹.موارد نمازهای نافله ای که با جماعت خواندن آنها مسنون است،نام ببرید.

ص:۱۰۱

درس بیست و یکم:نماز(۲)

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلاَثَهٍ:عَنِ الصَّبِی حَتّی یحْتَلِمَ،وَ عَنِ النَّائِمِ حَتّی یسْتَیقِظَ،وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتّی یعْقِلَ.(سنن ابو داود/۴۴۰۳ و....)

برای سه شخص گناهی نوشته نشود:برای کودک تا زمانی که به بلاغت برسد،برای شخص خواب تا زمانی که بیدار شود و برای دیوانه تا زمانی که عاقل گردد.

نماز برای چه کسانی واجب است ؟

۱.بر هر مرد و زن مسلمان که بالغ،عاقل و طاهر باشد،نماز خواندن واجب است.

۲.اگرچه در دنیا مطالبه نماز نسبت به کافر واجب نیست،ولی در آخرت وجوب عقاب دارد؛چرا که او می توانست با اسلام آوردن،آن را انجام دهد.و چون انجام نداده،مورد عقاب و عذاب قرار گیرد. (۱)

۱.نماز برای کودک واجب نباشد،چرا که به سن تکلیف نرسیده است؛

۲.نماز برای دیوانه نیز واجب نیست،چونکه ادراک و عقل ندارد؛

۳.نماز برای زن حائض و یا نفساء نیز واجب نیست،زیرا حدث[حیض و نفاس]مانع صحت نماز باشد.

۱- (۱) .ر.ک.به سوره مدثر/۴۲ الی ۴۷.

وقت نمازهای یومیه

نمازهای پنجگانه صبح،ظهر،عصر،مغرب و عشاء را که اصطلاحاً«نمازهای یومیه»می گویند،در طول شبانه روز و در وقت های معین خوانده می شوند.وقت هر یک از نمازهای یومیه در نقطه ای شروع می شود و در نقطه دیگری به پایان می رسد.

وقت نماز صبح

وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید است.

-نزدیک اذان صبح،از طرف مشرق سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را«فجر کاذب»گویند و هنگامی که آن سفیده پهن شد،«فجر صادق»طلوع کند و ابتدای وقت نماز صبح باشد.

وقت نماز ظهر

وقت نماز ظهر از زوال خورشید تا رسیدن سایه هر شیئی به اندازه خویش باشد.

-اگر چیزی را قبل از ظهر زیر نور خورشید عمودی بر زمین قرار دهیم،وقتی که سایه آن به کمترین مقدار رسید و رو به افزایش گذاست،«زوال خورشید»شروع شده و ابتدای وقت نماز ظهر است.

وقت نماز عصر

وقت نماز عصر از پایان یافتن وقت نماز ظهر تا غروب خورشید باشد.

وقت نماز مغرب

وقت نماز مغرب از غروب خورشید تا غایب شدن شفق احمر باشد.

-«شفق احمر»بقایا و پایان روشنایی خورشید است که به رنگ سُرخ در افق غربی هنگام غروب خورشید نمایان می شود و تدریجاً با فرا رسیدن تاریکی شب از بین می رود.

ص:۱۰۳

وقت نماز عشاء

وقت نماز عشاء با انتهای وقت نماز مغرب آغاز شده و تا طلوع فجر صادق ادامه دارد.

برخی احکام وقت نماز

۱.نماز را قبل از وقت خواندن صحیح نیست و تأخیر آن تا زمانی که وقت نماز بگذرد،جایز نیست.

۲.مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند و هر چه به اوّل وقت نزدیک تر باشد،بهتر است؛

وقت های مکروهه

در برخی وقت ها،نماز خواندن مکروه و ناپسند می باشد که از جمله:

-بعد از خواندن فریضه نماز صبح تا بلند شدن خورشید به مقدار تقریبی یک نیزه؛

-هنگام استواء و مستقیم شدن تابش نور خورشید لحظاتی قبل از زوال،مگر در روز جمعه؛

-بعد از خواندن نماز عصر تا غروب خورشید.

اداء،قضاء و اعاده

۱.اگر نماز در وقت خودش خوانده شود،در اصطلاح فقهی گویند:«نماز«اداء»شده است»؛

۲.اگر نماز بعد از وقت خوانده شود،در اصطلاح فقهی گویند:«نماز«قضاء»شده است»؛

۳.اگر کسی نمازش را خوانده باشد و بعد از خواندن نماز بر نقصی و یا خللی در آداب و مکمّلات نماز متوجّه شود و آن نماز را از نو بخواند،در اصطلاح فقهی گویند:«نماز را«اعاده»نموده است»؛

۴.اعاده نمودن نماز به خاطر نقص و یا خلل،مستحب است.مثلاً،کسی که نماز ظهر را در حال انفرادی خوانده باشد و سپس جماعتی برگزار شود،مستحب است که همراه جماعت نماز ظهر خویش را اعاده کند که در این صورت نماز اولش فرض و نماز دومش نفل محسوب می شود.

ص:۱۰۵

چکیده مطالب

۱.نمازهای یومیه در طول شبانه روز و در وقت های معین خوانده می شوند.

۲.وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق تا طلوع خورشید است.

۳.وقت نماز ظهر از زوال خورشید تا رسیدن سایه هر شیئی به اندازه خویش باشد.

۴.وقت نماز عصر از پایان یافتن وقت نماز ظهر تا غروب خورشید باشد.

۵.وقت نماز مغرب از غروب خورشید تا غایب شدن شفق احمر باشد.

۶.وقت نماز عشاء با انتهای وقت نماز مغرب آغاز شده و تا طلوع فجر صادق ادامه دارد.

۷.اوقات مکروهه برای نماز خواندن:۱.بعد از خواندن فریضه نماز صبح تا بلند شدن خورشید به مقدار تقریبی یک نیزه؛ ۲.هنگام استواء و مستقیم شدن تابش نور خورشید لحظاتی قبل از زوال؛۳.بعد از خواندن نماز عصر تا غروب خورشید.

۸.نماز اداء،نمازی است که در وقت خودش خوانده شود و نماز قضاء نمازی است که پس از سپری شدن وقت آن بجا آورده شود.

۹.اگر کسی نمازش را خوانده باشد و بعد از خواندن نماز بر نقصی و یا خللی در آداب و مکمّلات نماز متوجّه شود و آن نماز را از نو بخواند،در اصطلاح فقهی گویند:«نماز را«اعاده»نموده است»؛و اعاده نمودن نماز به خاطر نقص و یا خلل،مستحب است.

۱۰.بر هر مرد و زن مسلمان که بالغ،عاقل و طاهر باشد،نماز خواندن واجب است.

ص:۱۰۶

پرسش ها

۱.نمازهای یومیه را نام ببرید.

۲.وقت نماز صبح و نماز ظهر را توضیح دهید.

۳.نماز عصر را از چه زمان تا چه زمانی می توان اداء نمود؟

۴.مراد از شفق احمر چیست؟این واژه به وقت کدام نماز ارتباط دارد؟

۵.با توجه به تاریخ روز،شروع و پایان وقت نماز عشاء را مشخص کنید.

۶.اوقات مکروهه برای نماز خواندن کدام است؟

۷.تفاوت نماز اداء با نماز قضاء در چیست؟

۸.معنای عبارت«نماز را«اعاده»نموده است»چیست؟توضیح دهید.

۹.به چه کسانی نماز خواندن واجب است؟

۱۰.چه کسانی از نماز خواندن معاوف هستند و نماز برای آنان واجب نیست؟

۱۱.آیا نماز خواندن بر کافر واجب است؟توضیح دهید.

ص:۱۰۷

درس بیست و دوم:لباس نمازگزار

اشاره

قال الله تعالی:

یا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ... (سوره أعراف،آیه ۳۱).

ای فرزندان آدم!در هر مسجدی زینت خود را با خود برگیرید[بهترین جامه های خود را بر تن کنید]...

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است،مسأله پوشش است.اکنون به بیان حکم پوشش و مقدار آن و برخی احکام لباس نمازگزار می پردازیم.

حکم پوشش و مقدار آن

۱.پوشیدن عورت در نماز که اصطلاحاً به آن«ستر عورت»گویند

،برای هر نمازگزاری واجب است.

۲.مقدار پوشش در نماز:

-مرد باید در حال نماز-اگرچه او را کسی نمی بیند-از ناف تا زانو را بپوشاند و از آن بهتر این است که لباس کامل که در برابر افراد محترم در تن می کند،به تن داشته باشد؛

-زن باید در موقع نماز،تمام بدن(حتی سر و موی)خود را بپوشاند-حتی اگر کسی او را نبیند-ولی پوشاندن صورت،دست ها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست.

۳.شرائط لباس نمازگزار:

۱.پاک باشد؛

۲.از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛

۳.طلابافت نباشد؛

۴.از ابریشم خالص نباشد؛

۵.ضخامت مناسبی داشته باشد؛یعنی اگر لباس به حدی نازک و لطیف باشد که رنگ پوست و بدن نمازگزار از زیر آن مشخص شود،نماز با آن لباس جایز نباشد.

توجه:شرط سوم و چهارم به لباس مردان اختصاص دارد.

برخی احکام لباس نمازگزار

۱.اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد و امیدوار است که تا قبل از پایان وقت نماز،لباسی پیدا خواهد کرد،بر او واجب است که نماز خود را تا پایان وقت به تأخیر اندازد.

۲.اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد،به صورت عریان نماز می خواند و نمازش صحیح است.

۳.اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد به جز لباسی که از نجس العینی تهیه شده و یا به نجاست غیر قابل گذشت متنجس شده،در این صورت نیز عریان نماز می خواند و نمازش صحیح است.

۴.نمازگزار مرد در صورت نیاز می تواند با لباس ابریشم خالص و یا طلابافت نمازش را بخواند.

ص:۱۰۹

چکیده مطالب

۱.پوشیدن عورت در نماز برای هر نمازگزاری واجب است.

۲.مرد باید در حال نماز از ناف تا زانو را بپوشاند.

۳.زن باید در موقع نماز،تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند،ولی پوشاندن صورت،دست ها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست.

۴.شرائط لباس نمازگزار:پاک باشد؛از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛طلاباف نباشد[برای مردان]؛از ابریشم خالص نباشد[برای مردان]؛ضخامت مناسب داشته باشد.

۵.اگر نمازگزار هیچ لباسی نداشته باشد:

-اگر امیدوار است که تا قبل از پایان وقت نماز لباسی پیدا خواهد کرد،بر او واجب است که نماز خود را تا پایان وقت به تأخیر اندازد؛

-به صورت عریان نماز می خواند و نمازش صحیح است؛

-با لباسی که از نجس العینی تهیه و یا متنجس به نجاست غیر قابل گذشت نمی تواند نماز بخواند،بلکه به صورت عریان نماز می خواند و نمازش صحیح است.

پرسش ها

۱.حکم ستر عورت در نماز چیست؟

۲.مقدار پوشش مرد در نماز چگونه است؟

۳.وظیفه زن نسبت به پوشیدن لباس در نماز چیست؟

۴.آیا ستر عورت برای نماز در جایی که کسی او را نمی بیند،واجب است؟

۵.شرائط لباس نمازگزار را بیان کنید.

۶.اگر کسی در پایان وقت نماز لباس نداشته باشد،وظیفه اش چیست؟

۷.در ضرورت آیا می توان از لباسی که از حیوان نجس العینی تهیه شده است،در نماز استفاده کرد؟

درس بیست و سوم:قبله و مکان نمازگزار

اشاره

قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَیْثُ ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ... (سوره بقره،آیه ۱۴۴).

نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان(برای تعیین قبله نهایی)می بینیم!اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی،باز می گردانیم.پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن!و هر جا باشید،روی خود را به سوی آن بگردانید !...

قبله

۱.مراد از«قبله»خانه کعبه است که در مکه معظمه قرار دارد.

۲.واجب است که در نماز صورت،سینه،جلوی شکم و جلوی پاها رو به قبله باشد.

۳.شرائط رو به قبله بودن در نماز عبارت است از:

-برخورداری از توانایی و قدرت رو به قبله نمودن؛

-برخورداری از امنیت.

۴.کسی که به خاطر مریضی و یا علت دیگری توانایی رو به قبله نمودن ندارد و شخص دیگری که او را به سمت قبله برگرداند،وجود نداشته باشد،از او این واجب[رو به قبله نمودن]ساقط می شود و به سمتی که توانایی استقبال آن را دارد،نمازش را می خواند.

۵.کسی که از تهاجم دشمنی و یا خطر حیوان درنده ای بیم دارد و در امنیت نیست،به هر جهتی که توانایی استقبال آن را دارد،نمازش را می خواند.

۶.مواردی که مراعات قبله در آن واجب است:

-در نمازهای واجب؛

-در حال احتضار(جان دادن)؛

-در حال نماز بر میت؛

-در حال دفن میت؛

-در حال ذبح و نحر حیوانات.

۷.مواردی که رو به قبله بودن حرام است:

-در حال تخلی(بول و غائط کردن).

مکان نمازگزار

در مورد مکان نمازگزار به موارد زیر توجه نمودن لازم است:

-مکان نماز واجب بی حرکت باشد و امکان قیام نمودن در آن باشد(به جز کشتی در روی آب و وسایل نقلیه مشابه که امکان توقف نمودن آن نباشد)؛

-جایی نباشد که اطمینان دارد نمی تواند نماز را در آنجا تمام کند؛مثل نماز خواندن در جایی که به سبب باد و باران و زیادی جمعیت و...اطمینان دارد که نمی تواند نماز را تمام کند؛

-جایی نباشد که توقف در آن حرام است؛مثلاً جایی که خطر خراب شدن سقف و یا ریزش کوه و آمدن سیلاب یا تصادف مخصوصاً در شب و...دارد؛

-جایی نباشد که نتواند در آنجا واجبات را انجام دهد؛بنابر این در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند بایستد یا جای رکوع و سجود ندارد،نماز باطل است؛

-مکان نمازگزار به کلی پاک باشد؛

-در حالی که مردان و زنان در یک محل نماز می خوانند،مکان نماز مرد بر مکان نماز زن مقدم باشد

چکیده مطالب

۱.واجب است که در نماز صورت،سینه،جلوی شکم و جلوی پاها رو به قبله باشد.

۲.شرائط رو به قبله بودن در نماز:برخورداری از توانای و قدرت رو به قبله نمودن و برخورداری از امنیت.

۳.در پنج مورد مراعات قبله واجب بوده و در یک مورد استقبال قبله حرام است.

۴.مکان نمازگزار باید بی حرکت،مطمئن از انجام نماز،امن و پاک از نجاست باشد.

پرسش ها

۱.مراد از قبله چیست؟

۲.حکم استقبال قبله چیست؟

۳.شرائط رو به قبله بودن را بیان کنید.

۴.مواردی را که استقبال قبله در آن واجب است،برشمارید.

۵.در چه موردی استقبال قبله حرام است؟

۶.در مورد شرایط مکان نمازگزار توضیح دهید.

۷.نمازی که در مکان نامناسب با سقف پایین و عدم امکان قیام و رکوع و سجودف خوانده شود،حکمش چیست؟

ص:۱۱۳

درس بیست و چهارم:اذان و اقامه

اشاره

رسول الله:«مَا مِنْ ثَلاَثَةٍ لاَ يؤَذِّنُونَ وَ لاَ تِقَامُ فِيهِمْ الصَّلاَةُ إلاَّ اسْتَحْوَذَ عَلَيهِمُ الشَّيطَانُ»(صحیح ابن حبان؛ح:۲۱۲۶)

هر گروه سه نفره ای که در میان آنان اذان داده نشود و نماز در بین آنان برپا نباشد،در حقیقت شیطان بر آنان مسلط شده است.

احکام اذان

۱.«اذان»ذکر مخصوصی است که برای اعلام فرا رسیدن وقت نمازهای واجب قرار داده شده است.

۲.اذان هم برای ادای نمازهای واجب و هم برای قضای نمازهای واجب گفته می شود.

۳.حکم اذان:

-برای منفرد،سنت عینی است؛

-برای جماعت،سنت کفائی است.

۴.شرائط اذان و مؤذن:

-اسلام؛

-تمییز؛-مرد بودن مؤذن؛-فرا رسیدن وقت نماز؛

ص:۱۱۴

–مراعات ترتیب بین الفاظ اذان؛

–پی در پی گفتن کلمات اذان؛–با صدای بلند گفتن اذان؛–به زبان عربی ادا کردن اذان.۴.اذان ۱۵ جمله است به این ترتیب:

۱.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۲.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۳.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۴.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۵.أشهد أن لا إله إلاّ الله گواهی می دهم که به جز الله خدایی برحق نیست.

۶.أشهد أن لا إله إلاّ الله گواهی می دهم که به جز الله خدایی برحق نیست.

۷.أشهد أن محمداً رسول الله گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.

۸.أشهد أن محمداً رسول الله گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.

۹.حی علی الصلاه به نماز بیایید!

۱۰.حی علی الصلاه به نماز بیایید!

۱۱.حی علی الفلاح به رستگاری بیایید!

۱۲.حی علی الفلاح به رستگاری بیایید!

۱۳.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۱۴.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۱۵.لا إله إلاّ الله به جز الله خدای برحقی وجود ندارد.

۵.سنت های اذان:–رو به قبله ایستادن مؤذن؛

–عادل بودن مؤذن؛

–خوشصدا بودن مؤذن؛

-تثویب گفتن،یعنی در اذان نماز صبح بعد از«حی علی الفلاح»دوم،جمله«الصلاه خیر من النوم»را دو بار تکرار نمودن؛

-با ترتیل خواندن اذان.

۶.باطل کننده های اذان:

-ارتداد؛

-مستی؛-بی هوشی؛-دیوانگی؛-سخن گفتن؛-سکوت طولانی؛-ترک کلمه ای از کلمات اذان؛-اخلال شرطی از شرائط اذان.

احکام اقامه

۱.«اقامه»ذکر مخصوصی است که برای برانگیختن حاضرین برای نماز،قرار داده شده است.

۲.شرائط مؤذن در اقامه:

۳.اقامه ۱۱ جمله است بدین ترتیب:

۱.الله أکبر خداوند بزرگ تر است.

۲.الله أکبرخداوند بزرگ تر است.

۳.أشهد أن لا إله إلاّ الله گواهی می دهم که به جز الله خدایی برحق نیست.

۴.أشهد أن محمداً رسول الله گواهی می دهم که محمد فرستاده خداست.

۵.حی علی الصلاه به نماز بیایید!

ص:۱۱۶

۶.حی علی الفلاح به رستگاری بیایید!

۷.قد قامت الصلاه نماز برپا شد.

۸.قد قامت الصلاه نماز برپا شد.

۹.الله اکبر خداوند بزرگ تر است.

۱۰.الله اکبر خداوند بزرگ تر است.

۱۱.لا إله إلا الله به جز الله خدای برحقی وجود ندارد.

ص:۱۱۷

چکیده مطالب

۱.«اذان»ذکر مخصوصی است که هم برای ادای نمازهای واجب و هم برای قضای نمازهای واجب گفته می شود.

۲.حکم اذان،سنت است.

۳.اذان دارای شرائط هشتگانه است.

۴.اذان ۱۵ جمله است.

۵.اذان دارای سنت های زیادی است که از جمله به پنج مورد آن اشاره شده است.

۶.هشت مورد به عنوان باطل کننده اذان یاد می شوند.

۷.اقامه ذکر مخصوصی و مرکب از ۱۱ جمله است که برای برانگیختن حاضرین برای نماز،قرار داده شده است.

پرسش ها

۱.چرا اذان برای نمازهای واجبه قرار داده شده است؟

۲.حکم اذان را به تفصیل بیان کنید.

۳.اذان را با ترتیل از حفظ بخوانید.

۴.کلمات اذان را با کمک استاد به فارسی ترجمه نمائید.

۵.سنت های اذان را نام ببرید.

۶.باطل کننده های اذان را نام ببرید.

۷.اذان با اقامه چه تفاوتی دارد.

ص:۱۱۸

درس بیست و پنجم:واجبات نماز(۱)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:مِفْتَاحُ الصَّلَاهِ الطَّهُورُ وَ تَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ.)سنن ابوداود؛ح:۵۶)

طهارت،کلید نماز،تکبیر[الله اکبر گفتن]،تحریمه آن و سلام دادن،تحلیل و بیرون آمدن از نماز است.

احکام واجبات نماز

اشاره

۱.شرائط وجوب نماز عبارتند از:

-اسلام؛

-بلوغ؛

-عقل؛

-پاکی از حیض و نفاس؛

-سلامتی حواس شنوایی و بینایی به هنگام بلوغ؛

-رسیدن دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۲.موارد زیر را از شرائط صحت نماز دانسته اند:

-اسلام؛

-پاکی از حدث اصغر و اکبر؛

-ستر عورت؛

-تمییز؛

-پاکی از نجاست غیر قابل گذشت؛

-رو به قبله ایستادن؛

-تشخیص فرض ها از سنت ها؛

-آگاهی از فرا رسیدن وقت؛

-ترک همه باطل کننده های نماز؛

۳.نماز،با گفتن«الله اکبر»شروع می شود و با سلام به پایان می رسد.

۴.آنچه در نماز انجام می شود یا واجب است یا سنت.

۵.واجبات نماز-که به آن ارکان هم گویند-سیزده چیز است:

-نیت

-سجود

-قیام

-نشستن بین دو سجده

-تکبیره الاحرام

-نشستن پایانی(قعده آخر)

-خواندن سوره حمد

-تشهد

-رکوع

-صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر

-اعتدال بعد از رکوع

-سلام دادن

-مراعات ترتیب ارکان

ص:۱۲۰

نیت

۱.نمازگزار از آغاز تا پایان نماز باید بداند چه نمازی می خواند و ان را برای انجام فرمان خداوند بجا آورد.

۲.به زبان آوردن نیت لازم نیست،ولی نسبت دادن نمازگزاری برای خداوند،نیت استقبال قبله و تعداد رکعت ها و نیت ادا و یا قضا بودن،مستحب است.

۳.نیت سه شرط دارد:

-عزم انجام کار؛پس اگر کسی بعد از نیت نمودن بگوید:«إن شاء الله»،نمازش درست نیست.

-انجام ندادن کار مخالف نیت؛همچون نیت خروج از نماز.

-همزمانی با گفتن تکبیره الاحرام.

قیام

۱.قیام-یعنی ایستاده بودن-برای کسی که توانایی ایستادن دارد،اگرچه به جایی و یا به کسی تکیه کند،واجب است.

۲.اگر کسی نتواند ایستاده نماز بخواند،به هر صورتی که می تواند،نشسته نماز بگزارد؛همچنین اگر نتوانست بنشیند،خوابیده بر پهلو و یا پشت نماز بخواند.

تکبیره الاحرام

نماز با گفتن«الله اکبر»آغاز می شود و به ان«تکبیره الاحرام»می گویند،زیرا با همین تکبیر است که بسیاری از کارها که قبل از نماز جایز بود،بر نمازگزار حرام می شود؛مانند خوردن،آشامیدن،خندیدن،گریستن و...

برخی از احکام تکبیره الاحرام:

۱.به عربی صحیح گفته شود؛

۲.طوری بگوید که در صورت سالم بودن حس شنوایی و نبودن مانع،همه حروف آن را بشنود(یعنی آهسته نگوید)

ص:۱۲۱

خواندن سوره حمد

۱.رکن چهارم،خواندن سوره حمد در همه رکعت هاست و «بسم الله الرحمن الرحیم» جزء سوره حمد است.

۲.خواندن سوره فاتحه بر امام،منفرد و مأمومی که نماز را با امام شروع کرده باشد،واجب است.

۳.اگر مأموم زمانی به امام برسد که فرصت خواندن همه و یا جزئی از سوره حمد را نداشته باشد،از عهده او ساقط می شود.

۴.اگر شخصی از خواندن فاتحه ناتوان باشد،به جای آن هفت آیه از قرآن را که حروفش از فاتحه کمتر نباشد،بخواند.

۵.برخی سنت های خواندن سوره فاتحه در نماز:

-در هر آیه وقف کردن؛

-منفرد در نمازهای جهری با صدای بلند و در نمازهای سرّی با صدای آهسته بخواند؛

-فاصله انداختن بین آخر سوره حمد و بین«آمین» گفتن؛

۶.پس از خواندن سوره فاتحه،سنت است که چند آیه ای از قرآن در دو رکعت اول نمازهای فرض بخواند.

ص:۱۲۲

چکیده مطالب

۱.نماز با تکمیل شرائط شش گانه واجب می شود.

۲.صحت و درستی نماز بسته به شرائط نُه گانه است.

۳.واجبات و یا ارکان نماز سیزده مورد است.

۴.نیت نماز از اول تا پایان نماز حفظ شود و به زبان آوردن آن لازم نیست.

۵.قیام برای کسی که توانایی دارد،واجب است.

۶.تکبیره الاحرام لفظ«الله اکبر»بوده و به عربی صحیح و نسبتاً با صدای بلند گفته می شود.

۷.خواندن سوره حمد واجب بوده و بسم الله نیز از جمله سوره حمد است.

۸.خواندن سوره فاتحه بر امام،منفرد و مأمومی که نماز را با امام شروع کرده باشد،واجب است.

۹.پس از خواندن سوره فاتحه،سنت است که چند آیه ای از قرآن در دو رکعت اول نمازهای فرض بخواند.

ص:۱۲۳

پرسش ها

۱.شرائط وجوب نماز را نام ببرید.

۲.شرائط صحت نماز را نام ببرید.

۳.اگر کسی از فرا رسیدن وقت نماز صبح آگاه نباشد و نمازش را بخواندف آیا نمازش صحیح است؟

۴.ارکان نماز را نام ببرید.

۵.مراد از نیت در نماز،چیست؟

۶.شرائط نیت را بیان کنید.

۷.اگر کسی نتواند ایستاده نماز بخواند،تکلیفش چیست؟

۸.تکبیره الاحرام چیست؟

۹.خواندن سوره حمد در نماز چه حکمی دارد؟

۱۰.آیا سوره حمد را در نماز جماعت فقط امام می خواند؟توضیح دهید.

درس بیست و ششم:واجبات نماز(۲)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:لَا یَنْظُرُ اللّهُ إِلَی صَلَاهِ رَجُلٍ لاَ یقِیمُ صُلْبَهُ بَینَ رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ.)مسند احمد بن حنبل؛ح:۱۰۵۸۳)

خداوند به نماز انسانی که بین رکوع و سجودش کاملاً راست نشود و آرام نگیرد،نظر نکند.

رکوع

۱.«رکوع»عبارت است از خم شدن در نماز از روی خضوع به اندازه ای که بتوان دست ها را بر زانو گذاست.

۲.در هر رکعت از نماز،بعد از قراءت یک رکوع واجب است.

۳.آنچه در رکوع معتبر است:

-خم شدن به قصد رکوع؛بنابر این اگر بدون قصد رکوع مثلاً-برای سجده تلاوت و یا برای کشتن جانوری خم شود باید بایستد و به قصد رکوع بار دیگر خم شود.

-خم شدن به طور معمول؛بنابر این اگر رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد،مثلا به چپ و راست خم شود،صحیح نیست.

-خم شدن به مقداری که دست ها به زانو برسد.

ص:۱۲۵

-آرامش بدن در حال رکوع.

-ایستادن بعد از رکوع.

-آرامش بدن بعد از رکوع.

۴.مواردی که در رکوع مستحب است:

-تکبیر گفتن در حال خم شدن؛

-آشکارا گفتن تکبیر رکوع برای امام و مبلغ؛

-«رفع یدین»یعنی بلند کردن دو دستان تا شانه؛

-تسبیح گفتن که حد اقلش«سبحان ربی العظیم»است.

-گفتن«سمع الله لمن حمده»برای امام و منفرد و«ربنا و لك الحمد»برای مأموم هنگام راست شدن از رکوع.

سجود

۱.«سجده»یعنی پیشانی را از روی خضوع بر زمین نهادن.

۲.آنچه در سجده معتبر است:

-جز سجده،قصد دیگری نداشته باشد؛

-گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین؛

-آرامش بدن در حال سجده؛

-سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛

-مانعی در بین پیشانی و محل سجده نباشد؛

-پیشانی خود را بر لباس یا چیز دیگری که با او حرکت می کند،نگذارد؛یعنی سجده گاه نباید متحرک باشد.

-هفت موضعی که باید بر زمین قرار گیرد:

-پیشانی؛

-کف دست راست؛

-کف دست چپ؛

-سر زانوی راست؛

-سر زانوی چپ؛

-سرانگشت پای راست؛

-سرانگشت پای چپ.

۳.اگر شخصی بر پیشانی خود پیشانی بند داشته باشد،سجده بر آن کفایت نمی کند و باید آن را بردارد،مگر این که برداشتنش ضرر داشته باشد.

۴.برخی از مستحبات سجده:

-تکبیر گفتن همزمان با رفتن به سجده؛

-به ترتیب بر زمین گذاشتن اعضاء:ابتدا دو زانو،سپس دستان،سپس پیشانی بر زمین نهد؛

-گذاستن دو دستان در سجده گاه در مقابل بازوان؛

-از هم جدا ساختن دو زانو به اندازه یک وجب؛

-تسبیح گفتن که حد اقلش«سبحان ربّی الاعلی»است؛

-تکبیر گفتن هنگام بلند شدن از سجده دوم؛

-در رکعت اول و نیز در رکعت سوم نمازهای چهار رکعتی بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد.این عمل را«جلسه استراحت»می گویند.

نشستن بین دو سجده

۱.نشستن بین دو سجده واجب است،حتی اگر نماز سنت باشد.

۲.کمترین میزان نشستن بین دو سجده آنچنان است که معتدل بنشیند.

۳.برای صحیح نشستن در بین دو سجده،سه شرط زیر لازم است:

-به قصد نشستن سرش را از سجده بلند کند؛

-تنها به قصد نشستن بنشیند؛

ص:۱۲۷

-طولانی نکند،اگر عمداً و با آگاهی آن را طولانی کند،نمازش باطل می شود.

۴.برخی از سنت های نشستن بین دو سجده:

-«الله اکبر»گفتن به هنگام بلند کردن سر از سجده؛

-نشستن به صورت افتراش؛افتراش آن است که بر قوزک پای چپش می نشیند و پشت پای چپ را بر زمین گذاسته و پای راستش را نصب می کند و سر انگشتان پای راستش را رو به قبله قرار می دهد و کف دو دستش را بر ران هایش می گذارد.

-گفتن ذکر،همچون:«رَبِّ اغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی وَ تُبْ عَلَی».

ص:۱۲۸

چکیده مطالب

۱.«رکوع»عبارت است از خم شدن در نماز از روی خضوع به اندازه ای که بتوان دست ها را بر زانو گذاست.

۲.شرایط رکوع:خم شدن به قصد رکوع؛خم شدن به طور معمول؛خم شدن به مقداری که دست ها به زانو برسد؛آرامش بدن در حال رکوع؛ایستادن و آرامش بدن بعد از رکوع.

۳.«سجده»یعنی پیشانی را از روی خضوع بر زمین نهادن.

۴.شرایط سجده:جز سجده،قصد دیگری نداشته باشد؛گذاستن هفت عضو از بدن بر زمین؛آرامش بدن در حال سجده؛سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده؛مانعی در بین پیشانی و محل سجده نباشد؛سجده گاه نباید متحرک باشد.

۵.شرایط صحیح نشستن در بین دو سجده:به قصد نشستن سرش را از سجده بلند کند؛تنها به قصد نشستن بنشیند؛طولانی نکند.

پرسش ها

۱.رکوع را تعریف کنید.

۲.برخی از شرایط رکوع را بیان کنید.

۳.برخی از مستحبات رکوع را نام ببرید.

۴.حکم سجده در نماز چیست؟

۵.در سجده چند عضو باید شرکت کند؟

۶.شرایط سجده را نام ببرید.

۷.تسبیح رکوع با تسبیح سجده چه تفاوتی دارد؟

۸.حکم نشستن بین دو سجده در نماز تراویح چیست؟

۹.شرایط نشستن بین دو سجده را بیان کنید.

درس بیست و هفتم:واجبات نماز(۳)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:إِذَا صَلَّی أَحَدُکُمْ فَلْیبْدَأْ بِتَحْمِیدِ رَبِّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَیهِ ثُمَّ یصَلِّی عَلَی النَّبِی صلی الله علیه و آله ثُمَّ یدْعُو بَعْدُ بِمَا شَاءَ.(مستدرک حاکم؛ح:۹۲۶)

هنگامی که کسی از شما نماز بخواند،با حمد و ثنای پروردگارش شروع کند؛سپس بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود فرستد و پس از آن هر نیازی که دارد،[از خدا]درخواست نماید.

نشستن پایانی(قعده آخر)

۱.پس از انجام سجده دوم رکعت آخر نشستن واجب است.

۲.تورک در نشستن پایانی مستحب است؛تورّک همانند افتراش است با این تفاوت که پای چپش را از زیر پای راست بیرون می کند و باسن خویش را به زمین می چسباند.

تشهّد

۱.در نشست پایانی خواندن تشهد واجب است؛

۲.کمترین مقدار تشهد چنین است:«التَّحِیاتُ لِلهِ سَلَامٌ عَلَیکَ أیهَا النَّبِی وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ.السَّلاَمُ عَلَینَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِینَ.أَشْهَدُ أنْ لَا إلهَ إلاَّ اللهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ».

۳.شرائط صحت تشهد عبارت است از:

-موالات و پشت سر هم خواندن آن؛

-خواندن در حالت نشسته؛

-مراعات حروف و کلمات و تشدیدها؛

-به عربی خواندن؛

-به نحوی بخواند که خود بشنود؛

-هیچ لفظی از آن را به لفظ دیگری تبدیل نکند.

۴.برخی از مستحبات تشهد اخیر:

-تورک؛

-اشاره سبابه؛یعنی انگشتان دست راستش را غیر از سبابه ببندد و بدون حرکت دادن انگشت سبابه به هنگام گفتن«إلاَّ الله»آن را بلند کند.

صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر

۱.صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر واجب است.

۲.کمترین مقدار صلوات عبارت است از:«اللهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ»،«اللهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِی»و یا«اللهُمَّ صَلِّ عَلَى رَسُولِهِ».و کامل ترین آنف صلوات ابراهیمی است که بدین صورت می باشد:«اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيتَ عَلَى إبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ،وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

۳.برخی از مستحبات صلوات فرستادن:

-تورّک(همان گونه که در تشهد گذشت)؛

-خواندن دعا بعد از صلوات و قبل از سلام،همچون:«اللّهُمَّ إنِّی أعُوذُ بِکَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ و مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ فِتْنَهِ الْمَحْيا و الْمَمَاتِ وَ مِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ».

۴.برخی از شرایط صلوات فرستادن چنین است:

-خودش بشنود؛

ص:۱۳۱

-با لفظ«محمد»،«النبی»و یا«رسوله»باشد؛اگر بالفظ دیگر همچون«احمد»باشد،درست نیست؛

-به زبان عربی باشد؛

-بین تشهد و صلوات ترتیب مراعات شود.

سلام دادن

۱.سلام دادن نخستین بعد از صلوات فرستادن،واجب است.

۲.کمترین مقدار سلام:«السلام علیکم»و یک بار گفتن به سمت راست خویش است.

۳.کامل ترین شکل سلام دو بار گفتن:«السلام علیکم و رحمه الله»به دو سمت راست و چپ خود است.

۴.شرایط سلام نخستین به شرح زیر است:

-با«ال»باشد؛

-با کاف خطاب باشد؛

-با میم جمع باشد؛

-پشت سر هم آوردن کلمات سلام؛

-چیزی بر آن نیفزاید که معنایش تغییر کند؛

-چیزی از آن کاسته نشود که معنایش را تغییر دهد؛

-به عربی باشد؛

-خودش بشنود؛

-در حال نشسته باشد؛

-قصد اعلام سلام نداشته باشد؛

-رو به قبله باشد.

ترتیب

۱.رعایت ترتیب بین ارکان در بالا ذکرشده نیز واجب است.

۲.اگر رکن فعلی و یا قولی ای را قبل از رکن دیگری عمداً انجام دهد،نمازش باطل است.

۳.اگر مأموم به یاد آورد که رکنی را ترک کرده است،بدان باز نمی گردد،بلکه نظم نماز امام را رعایت می کند و پس از سلام دادنِ امام یک رکعت بجا می آورد.

۴.اگر رکن قولی(غیر از سلام اولی)را تقدیم دارد،مانند اینکه صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله را بر تشهد مقدم دارد یا اینکه رکنی فعلی را تقدیم دارد همچون موردی که تشهد را بر نشستن اخیر مقدم دارد،نمازش باطل نمی شود؛اما آنچه آنچه را که قبلاً انجام داده است،به حساب آورده نمی شود،بلکه باید از ابتدا آن را انجام دهد.

ص:۱۳۳

چکیده مطالب

۱.پس از انجام سجده دوم رکعت آخر نشستن واجب است و تورک در نشستن پایانی مستحب است.

۲.در نشست پایانی خواندن تشهد واجب است و شرایط آن عبارت است از:موالات و پشت سر هم خواندن؛خواندن در حالت نشسته؛مراعات حروف و کلمات و تشدیدها؛به عربی خواندن؛به نحوی بخواند که خود بشنود؛هیچ لفظی از آن را به لفظ دیگری تبدیل نکند.

۳.صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از تشهد اخیر واجب است.

۴.شرایط صلوات فرستادن:خودش بشنود؛با لفظ«محمد»،«النبی»و یا«رسوله»باشد؛به زبان عربی باشد؛بین تشهد و صلوات ترتیب مراعات شود.

۵.سلام دادن نخستین بعد از صلوات فرستادن،واجب است.

۶.رعایت ترتیب بین ارکان نماز واجب است.

پرسش ها

۱.نشستن آخر چه زمانی واجب می شود؟

۲.تورّک چیست؟آن را توضیح دهید.

۳.حکم تشهد و شرایط آن را بیان کنید.

۴.تشهد را از حفظ بخوانید.

۵.صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز چه حکمی دارد؟

۶.صلوات ابراهیمی را از حفظ بخوانید.

۷.اگر کسی در صلوات نماز به جای«محمد»لفظ«احمد»را به کار گیرد حکم نمازش چیست؟

۸.شرایط صلوات فرستادن را بیان کنید.

۹.کدام سلام در نماز واجب است؟

۱۰.برخی از شرایط سلام دادن را بیان کنید.

۱۱.مراعات ترتیب ارکان نماز چه حکمی دارد؟

۱۲.مقدم داشتن یک رکن بر رکن دیگر از روی عمد چه آثاری دارد؟

ص:۱۳۵

درس بیست و هشتم:مبطلات نماز

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:إنَّ هـذِهِ الصَّلاَـهُ لاَـ یصْـلُحُ فِیهَـا شَـیءٌ مِنْ کَلاَـمِ النَّاسِ،إنَّمَـا هُوَ التَّسْبِیـحُ و التَّکْبِیرُ وَ قِرَاءَهُ الْقُرْآن صحیح ابن حبان؛ح:۲۲۷۴)

در حقیقت این،نمـازی است که در آن چیزی از کلاـم مردم آوردن صـحیح نیست؛این نمـاز فقط به پاکی و بزرگی یاد نمودن خداوند و قراءت قرآن است.

احکام مبطلات نماز

هر گـاه نمـازگزار بـا تکبیر تحریمه نماز را شـروع می کنـد،تا پایان نماز برخی کارهایی است که اگر یکی از آنها را در اثنای نماز انجام دهد،نمازش باطل می شود و به آنها«مبطلات نماز»گویند که آنها:

۱.از بین رفتن شرطی از شروط نماز،مثل طهارت و ستر عورت و...

۲.ترک نمودن فرضی از فرائض نماز،مثل رکوع و سجود و...

۳.سخن گفتن از روی عمد و قصد؛

۴.خنده با قهقهه از روی عمد و قصد؛

۵.گریه کردن با صدا از روی عمد و قصد؛

-اگر این سه مورد اخیر را از روی فراموشی انجام دهد و همچنین طول ندهد،نمازش باطل نشود.

-همچنین اگر نداند که در اثنای نماز انجام دادن این سه مورد حرمت دارد و ممنوع است و از روی جهل انجام دهد-و البته طول ندهد-نمازش باطل نشود.

-گریه بدون صدا و گریه از ترس خدا و یا برای آخرت،هرچند با صدا هم باشد،نماز را فاسد نمی کند.

۶.سخن طولانی،قهقهه طولانی و گریه با صدا و طولانی اگرچه از روی فراموشی و جهل انجام بگیرد،نمازش باطل شود؛

۷.تنحنح (۱)،نَفَس عمیق،دمیدن (۲)و اف گفتن و آهِ تأسف کشیدن اگر از روی عمد انجام بگیرد و بیش از دو حرف ترکیب یافته باشد،نمازش باطل گردد.

۸.جواب عطسه دادن،یعنی برای کسی که عطسه می زند،«یرحمک الله»بگوید؛

۹.خوردن و آشامیدن عمدی؛

۱۰.انجام عملی که از جمله نماز نباشد که این خود بر دو قسم است:

-عملی که از جنس افعال نماز است؛مثلاً اگر رکوع و سجودی را در غیر موضعش انجام دهد و در این فعل قصد و عمد داشته باشد،نمازش باطل شود.ولی اگر از روی فراموشی انجام دهد،نمازش باطل نشود.

-عملی که از جنس افعال نماز نیست؛اگر این عمل اندک و قلیل باشد،نمازش باطل نشود،مثل دفع عابر از جلوی نماز،ضربه زدن به مار و عقرب،درآوردن نعلین (۳)،اصلاح رداء و عبا،جواب سلام به اشاره و...

اما اگر این عمل،کثیر باشد،نمازش باطل شود؛مانند راه رفتن به مقدار چند گامِ پی در پی و وارد ساختن ضربات متعدد و پی در پی.

۱۱.بیهوشی؛

۱۲.جنون؛

۱- (۱) .صدا را در سینه غلطانیدن؛گلو و حلق را تازه کردن.

۲- (۲) .نفخ

۳- (۳) .کفش،دمپایی،سرپایی.

۱۳.جنابت؛

۱۴.اینکه در اثنای نماز عمداً خود را بی وضو سازد.

بی وضویی در نماز

۱.هر گاه برای نمازگزار در اثنای نماز بی وضویی پیش آید،نمازش باطل نشود،بلکه از نماز بیرون می آید و وضو می گیرد و نماز خود را از همان جایی که ترک کرده بود،ادامه می دهد.

۲.اگر این قضیه با امام جماعت پیش آید،ابتدا امام باید یکی از نمازگزاران را به جای خود بگذارد،تا که او نماز را به اتمام رساند،و سپس می تواند وضو بگیرد و نمازش را ادامه دهد.

مکروهات نماز

چیزهایی که در نماز مکروه است،عبارتند از:

۱.ترک سنّتی از سنّت های نماز؛

۲.التفات و برگرداندن روی بدون حاجت؛

۳.نگاه کردن به سوی آسمان؛

۴.نظر افکندن به چیزی که موجب جلب توجه و استغال قلب شود؛

۵.دور کردن سنگریزه از موضع سجده؛

-اگر بدون دور کردن سنگریزه نتواند سجده تام انجام بدهد،می تواند فقط یک بار سنگریزه را از سجده گاه خود دور سازد و مکروه نباشد.

۶.تثاؤب و خمیازه کشیدن؛

۷.گرفتن تهیگاه و پهلوی خود؛

۸.نگه داشتن و جمع کردن لباس و یا موی سر در دستان خویش.

چکیده مطالب

۱.«مبطلات نماز»عبارتند از:از بین رفتن شرطی از شروط نماز،ترک نمودن فرضی از فرائض نماز،سخن گفتن از روی عمد و قصد؛خنده با قهقهه از روی عمد و قصد؛گریه کردن با صدا از روی عمد و قصد؛سخن طولانی،قهقهه طولانی و گریه با صدا و طولانی؛تنحنح،نَفَس عمیق،دمیدن و اف گفتن و آهِ تأسف کشیدن؛جواب عطسه دادن،خوردن و آشامیدن عمدی؛انجام عملی که از جمله نماز نباشد؛بیهوشی؛جنون؛جنابت و اینکه در اثنای نماز عمداً خود را بی وضو سازد.

۲.هر گاه برای نمازگزار در اثنای نماز بی وضویی پیش آید،نمازش باطل نشود،بلکه از نماز بیرون می آید و وضو می گیرد و نماز خود را از همان جایی که ترک کرده بود،ادامه می دهد.

۳.چیزهایی که در نماز مکروه است،عبارتند از:ترک سنّتی از سنّت های نماز؛التفات و برگرداندن روی بدون حاجت؛نگاه کردن به سوی آسمان؛نظر افکندن به چیزی که موجب جلب توجه و استغال قلب شود؛دور کردن سنگریزه از موضع سجده؛تثاؤب و خمیازه کشیدن؛گرفتن تهیگاه و پهلوی خود؛نگه داشتن و جمع کردن لباس و یا موی سر در دستان خویش.

پرسش ها

۱.مراد از مبطل نماز چیست؟

۲.مطبلات نماز را نام ببرید.

۳.اگر در اثنای نماز وضوی نمازگزار باطل شود،آیا نماز او نیز باطل می شود؟توضیح دهید.

۴.مکروهات نماز را نام ببرید.

ص:۱۳۹

درس بیست و نهم:قضای نماز و سجده سهو

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:«إِنَّهُ لَيسَ فِی النَّوْمِ تَفْرِيطٌ إِنَّمَا التَّفْرِيطُ فِی الْيقْظَهِ،فإِذَا نَسِی أَحَدٌ صَلاَهً أَمْ نَامَ عَنْهَا فَلْيصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا».(صحیح مسلم؛ح:۱۱۳۴)

در حقیقت سهل انگاری و سستی در نماز نه در زمان خواب،بلکه در وقت بیداری است؛بنابر این،اگر کسی نمازی را فراموش کرد و یا در خواب بود،هر زمان که به یادش آمد آن نماز را بخواند.

قضای نمازهای فوت شده

۱.کسی که برای او نماز خواندن واجب باشد،اما او تا پایان وقت،آن نماز را به هر دلیلی انجام ندهد،قضای آن نماز برای او لازم باشد.

۲.مستحب است که قضای نماز فوت شده را فوراً بجا آورد.

۳.اگر بیش از یک نماز فوت شده باشد،مستحب است که قضای آن نمازها را به ترتیب بجا آورد.

۴.اگر نمازی را فراموش کند و نداند که چه نمازی را فراموش کرده است،لازم است که پنج نماز[یعنی فجر،ظهر،عصر،مغرب و عشاء]را به نیت قضای هر کدام،بجا آورد.

۵.اگر نماز مقصوری(ظهر،عصر و عشاء)در سفر فوت شود،و نمازگزار

ص:۱۴۰

بخواهد قضای آن را در حَضَر بجا آورد،بنابر قول اصح باید قضای آن را چهار رکعت بجا آورد.

۶.اگر نماز مقصوری در سفر فوت شود و نمازگزار بخواهد قضای آن را در سفر بجا آورد،بنابر قول اصح،به صورت قصر(یعنی دو رکعت)بجا می اورد.

۷.اگر نمازی در حضَر فوت شود،و نمازگزار بخواهد قضای آن را در سفر انجام دهد،برای او قصر خواندن جایز نباشد.

سجده سهو

۱.یکی از سنت هایی که جهت جبران نقصانِ افعال نماز چه نماز فرض باشد و چه نماز نفل-قرار داده شده است،«سجده سهو»می باشد.

۲.محل سجده سهو،قبل از سلام دادن در پایان نماز است.

۳.سجده سهو را چنین انجام می دهد:در قعده اخیر که تشهّد،صلوات و دعا را می خواند،قبل از اینکه سلام بدهد،دو سجده بجا می آورد(مثل دو سجده نماز)و بعد از آن سلام می دهد و از نماز خارج می شود.

۴.اموری که در نماز سجود سهو را اقتضا می کند (۱)،دو چیز است:

-زیاده؛

-نقصان.

۵.امور زیاده در نماز بر دو قسم است:

-امور قولی؛

-امور فعلی.

۶.امور قولی-مثل قراءت در غیر موضع قراءت،سلام دادن در غیر موضع سلام و یا سخن گفتن از روی سهو و استباه-اقتضا می کند که نمازگزار در پایان نماز،سجود سهو بجا آورد.

۷

۱- (۱) .ر.ک.به پیوست همین درس.

.امور فعلی بر دو قسم است:

-افعالی که انجام عمدی آنها نماز را باطل نکند؛

-افعالی که انجام عمدی آنها نماز را باطل کند.

۸.افعالی که انجام عمـدی آنها نماز را باطل نکند مانند التفات،حرکت کردن به مقدار یک و یا دو گام-سـجود سـهو را اقتضـا نمی کنند.

۹.افعالی که انجام عمدی آنها موجب بطلان نماز می گردد،خود بر دو قسم است:

-افعال متحقق؛

-افعال متوهّم.

۱۰.افعال متحقق آن است که از روی سهو و استباه در نماز رکعتی،رکوعی،سجودی،قیامی و یا قعودی زیاده انجام گیرد،قیام را به نیت قنـوت در غیر موضع قنوت طولا-نی کنـد،برای تشـهّدی در غیر موضع آن بنشـیند،در همه این موارد سـجود سـهو را در پایان نماز بجا آورد.

۱۱.افعال متوهّم مثل آن است که در رکعات نماز شک کنـد که در این صورت بر حـد اقل و متیقّن بنا می کنـد و بعد از انجام رکعت مورد شک در پایان نماز سجود سهو را بجا می آورد.

۱۲.اما امور نقصان،عبارت است از ترک نمودن سنت مقصوده که در دو مورد خلاصه شود:

-ترک تشهّد اوّل،چه از روی عمد و چه از روی استباه؛

-ترک قنوت،چه از روی عمد و چه از روی استباه.

-در هر دوی این موارد در پایان نماز قبل از سلام،سجود سهو را انجام می دهد.

۱۳.اگر سـنت غیر مقصوده را ترک نمایـد-همانند ترک تکبیرات،تسبیحات،جهر،اسـرار،تورّک و افتراش و...-سـجده سـهو در کار نباشد.

۱۴.اگر در سهو خویش شک کند:

-اگر این شک او در افعال زیاده باشد،سجده سهود در کار نخواهد بود.

-اگر در مورد نقصان شک کند-مثل اینکه شک دارد تشهّد را ترک کرده یا نه-سجده سهو را انجام می دهد.

۱۵.یک سجده سهو برای جبران دو و یا زیاده از دو سهو نیز کفایت می کند.

۱۶.هر گاه که امام در نماز سهو نمود،سجده سهو را هم امام و هم مقتدی انجام می دهند.اگر امام سجده سهو را انجام نداد،مقتدی انجام می دهد.

۱۷.هر گاه مقتدی در نماز سهو نمود،سجده سهو نه برای او و نه برای امام لازم نباشد.

ص:۱۴۳

چکیده مطالب

۱.کسی که برای او نماز خوانـدن واجب باشـد،اما او تا پایان وقت،آن نماز را به هر دلیلی انجام ندهـد،قضای آن نماز برای او لازم باشد.

۲.اگر نماز مقصوری در سفر فوت شود،قضای آن در حضر چهار رکعت بجا آورده می شود.

۳.اگر نماز مقصوری در سفر فوت شود،قضای آن در سفر دو رکعت بجا آورده می شود.

۴.اگر نمازی در حضَر فوت شود،در سفر قضای آن به صورت قصر خواندن جایز نباشد.

۵.سجده سهو برای جبران نقصان نماز،سنت بوده و محل انجام آن،قبل از سلام دادن در پایان نماز است.

۶.اموری که در نماز سجود سهو را اقتضا می کند،مفصل بوده و در نمودار به وضوح ارائه شده است.

پرسش ها

۱.مراد از نماز قضا چیست؟

۲.قضای نماز فوت شده در سفر بعد از بازگشت مسافر،به چه نحوی انجام می شود؟

۳.کسی که نداند قضای چه نمازی را باید بخواند،تکلیفش چیست؟

۴.مراد از سجده سهو چیست؟

۵.سجده سهو را با کمک استاد عملا انجام دهید.

۶.اموری که سجده سهو را اقتضا می کند،توضیح دهید.

ص:۱۴۴

پیوست درس ۱۰

ص:۱۴۵

درس سی ام:سجده تلاوت و سجده شکر

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:«إذَا قَرَأَ ابْنُ آدَمَ السَّجْدَهَ فَسَجَدَ اعْتَزَلَ الشَّیطَانُ یبْکِی یقُولُ:یا وَیلَهُ!أُمِرَ ابْنُ آدَمَ بِالسُّجُودِ فَسَجَدَ فَلَهُ الْجَنَّهُ وَ أُمِرْتُ بِالسُّجُودِ فَعَصَیتُ فَلِی النَّارُ».(صحیح مسلم؛ح:۱۴۰)

هر زمانی که فرزند آدم آیه سجده را قراءت کند و سجده نماید،شیطان از او کناره گیری کند و در حال گریه می گوید:وای بر من!فرزند آدم به سجده نمودن دستور داده شد و او نیز سجده کرد و شایسته بهشت گردید،ولی من مأمور به سجده شدم و سر باز زدم و مستحق جهنم شدم!

سجده تلاوت

۱.سجده تلاوت سنتی است غیر واجبه که پس از خواندن آیه سجده،هم برای قاری(خواننده)و هم برای مستمع(گوش فرا دهنده؛شنونده با قصد و التفات)سزاوار است که سجده ای را انجام دهند.

۲.سجود تلاوت مجموعا چهارده سجده است که در سُوَرِ زیر قرار دارد:

سوره اعراف/۲۰۶؛سوره رعد/۱۵؛سوره نحل/۵۰؛سوره اسراء/۱۰۹؛.سوره مریم/۵۸؛سوره حج/۱۸؛سوره حج/۷۷؛سوره فرقان/۶۰؛سوره نمل/۲۶؛سوره سجده/۱۵؛سوره فصلت/۳۸؛سوره نجم/۶۲؛سوره انشقاق/۲۱؛سوره علق/۱۹.

ص:۱۴۶

۳.کیفیت انجام دادن سجده تلاوت به این طریق است که دست های خود را بلند کرده،تکبیر افتتاح بگوید و سپس برای سجده تکبیری دیگر بگوید(بدون اینکه دست ها را بلند کند)و به سجده رود و یک سجده بجا آورد.سپس با تکبیر سرش را از سجده بردارد.

۴.سجده تلاوت بنابر قول اصح،تشهد و سلام ندارد.

۵.در سجده تلاوت-همانند نمازهای نفل-طهارت،ستر عورت و استقبال قبله لازم است.

۶.اگر در اثنای نماز آیه سجده را قراءت کند،بدون رفع یدین تکبیر گوید و به سجده رود و با تکبیری دیگر از سجده قیام کند و نماز را ادامه دهد.

۷.اگر آیه سجده ای که در اثنای نماز قراءت نموده است،در آخر سوره باشد،مستحب آن است که پس از سجده تلاوت برخیزد و چند آیه ای از سوره بعدی بخواند و سپس به رکوع رود؛هرچند پس از سجده تلاوت قیام کند و بلا فاصله رکوع را انجام دهد،جایز باشد.

سجده شکر

۱.کسی که به سبب روی آوردن نعمت و یا برطرف شدن نقمت و بلا،مورد لطف و عنایت خداوند قرار گیرد،برای او مستحب است که به نیت شکرانه،در پیشگاه خداوند متعال سجده شکر بجا آورد.

۲.حکم سجده شکر در شرایط و صفات،حکم سجده تلاوت در خارج نماز است.

چکیده مطالب

۱.سجده تلاوت سنتی است غیر واجبه که پس از خواندن آیه سجده،هم برای قاری و هم برای مستمع سزاوار است که سجده ای را انجام دهند.

۲.سجود تلاوت مجموعا چهارده سجده است و کیفیت انجام دادن سجده تلاوت به این طریق است که دست های خود را بلند کرده،تکبیر افتتاح بگوید و سپس برای سجده تکبیری دیگر بگوید(بدون اینکه دست ها را بلند کند)و به سجده رود و یک سجده بجا آورد.سپس با تکبیر سرش را از سجده بردارد.

۳.در سجده تلاوت طهارت،ستر عورت و استقبال قبله لازم است.

۴.اگر در اثنای نماز آیه سجده را قراءت کند،بدون رفع یدین تکبیر گوید و به سجده رود و با تکبیری دیگر از سجده قیام کند و نماز را ادامه دهد.

۵.برای کسی که نعمتی به روی بیاورد و یا نقمت و بلایی برطرف شود مستحب است که به نیت شکرانه،در پیشگاه خداوند متعال سجده شکر بجا آورد.

پرسش ها

۱.حکم سجده تلاوت چیست؟

۲.سجده تلاوت چه زمانی انجام داده می شود؟

۳.سجده تلاوت چگونه انجام داده می شود؟

۴.آیا در اثنای نماز سجده تلاوت پیش می آید؟توضیح دهید.

۵.سجده شکر چه فرقی با سجده تلاوت دارد؟

ص:۱۴۸

درس سی و یکم:نماز جماعت(۱)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:صَلاَهُ الْجَمَاعَهِ تَفْضُلُ صَلاَهَ الْفَذِّ بِسَبْعٍ وَ عِشْرِینَ دَرَجَه صحیح بخاری؛ح:۶۲۷)

نماز جماعت بیست و هفت درجه برتر از نماز تنهاگذار است.

حکم نماز جماعت

۱.نماز جماعت بنابر قولی فرض کفایی است و بنابر قول دیگری سنت است.

۲.حد اقل جماعت دو نفر می باشد که یکی امام و دیگری مأموم خواهد بود.

۳.برگزاری نماز جماعت برای مردان در مساجد بویژه در مساجد بزرگ-افضل و برتر است.

۴.برگزاری نماز جماعت برای زنان در خانه ها افضل و برتر می باشد و امام آنها در وسطشان قرار می گیرد.البته حضور زنان در جماعت مساجد اشکالی ندارد.

نیت نماز جماعت

۱.در نماز جماعت نیت برای مأموم[مقتدی]لازم است؛پس هنگامی که نمازگزاری می خواهد نمازش را در جماعت با شخص دیگری انجام بدهد،باید نیت تبعیت از امام را نماید و امامش هم معین و مشخّص باشد.

۲.نیت امامت برای امام جماعت لازم نیست.

ص:۱۴۹

اولویت در امامت

۱.سنت است که امام جماعت کسی باشد که در قراءت و فقهِ نماز،برتر از دیگران است.اگر در قراءت و فقه نماز با هم برابر بودند،کسی که تقوای بیشتری دارد،امام خواهد شد.و اگر از جهت تقوا هم،با هم مساوی بودند،کسی که از جهت اسلام و مسلمانی بزرگ سال تر است،سزاوار امامتی نماز خواهد بود.

۲.اگر در منزل شخصی نماز جماعت برگزار شود،صاحب منزل سزاوارتر بر امامت آن جماعت خواهد بود؛البته اگر در آن میان امام مسجد حضور داشته باشد،بهتر است که امام مسجد،امام آن جماعت شود.

۳.اگر مقیم و مسافری بخواهند نماز جماعت برگزار نمایند،شخص مقیم سزاوارتر بر امامت می باشد.

۴.امام جماعت شدن فاسق،بدعت گذار و ولد زنا مکروه است.

صف و مکان نماز جماعت

۱.اگر مقتدی تنها بود،در سمت راست امام بایستد،و اگر بیش از یک نفر بودند،در پشت سر امام قرار بگیرند.

۲.صفوف جماعت به این ترتیب تشکیل می شود که ابتدا مردها،بعد پسرهای نابالغ سپس خنثی و در صف آخر زنها و دختر ها قرار خواهند گرفت.

۳.مستحب است که صفوف نماز نزدیک به هم باشد،ولی اگر صفوف متباعد و دور از هم باشد،و یا صف اول دور از امام باشد،باید دید:اگر میان صفوف یا صف اول و امام حائلی نباشد و نماز جماعت نیز در داخل مسجد برقرار شده و مأموم از نماز امام آگاهی و علم داشته باشد،نمازش صحیح است،زیرا هر موضعی از مسجد،موضع نماز جماعت است.اما اگر در غیر مسجد[مثلا در صحرا و یا صحنی غیر از صحن مسجد]نماز جماعت با این وصف برگزار شود،نماز مأموم صحیح نباشد.

۴.مستحب است که مکان امام و مأمومین مساوی باشد و ارتفاع مکان هر کدام بر دیگری مکروه است.

ص:۱۵۰

چکیده مطالب

۱.نماز جماعت فرض کفایی است و حد اقل جماعت دو نفر می باشد.

۲.برگزاری نماز جماعت برای مردان در مساجد افضل و برتر و برای زنان در خانه ها افضل و برتر می باشد.

۳.در نماز جماعت نیت برای مأموم[مقتدی]لازم است.از این رو باید نیت تبعیت از امام را نماید و امامش هم معین و مشخّص باشد.

۴.کسی که:۱).در قراءت و فقهِ نماز،برتر از دیگران است؛۲).تقوای بیشتری دارد؛۳)از جهت اسلام و مسلمانی بزرگ سال تر است،سزاوار امامتی در نماز جماعت خواهد بود.

۵.امام جماعت شدن فاسق،بدعت گذار و ولد زنا مکروه است.

۶.صفوف جماعت به این ترتیب تشکیل می شود که ابتدا مردها،بعد پسرهای نابالغ سپس خنثی و در صف آخر زنها و دختر ها قرار خواهند گرفت.

پرسش ها

۱.حکم جماعت در نماز چیست؟

۲.حد اقل جماعت چند نفر است؟

۳.چه نوع جماعتی برای مردان و چه نوع جماعتی برای زنان افضل و برتر است؟

۴.نیت نماز جماعت را توضیح دهید.

۵.چه کسی برای امامتی نماز جماعت سزاوارتر از دیگران است؟

۶.نماز جماعت مقیم و مسافر را بیان کنید.

۷.در چه صورت صاحب منزل برای امامتی سزاوارتر است؟

۸.ترتیب صفوف در نماز جماعت چگونه است؟

ص:۱۵۱

درس سی ودوم:نماز جماعت(۲)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ فِی الصَّلَاهِ أَجْراً أَبْعَدُهُمْ إِلَیهَا مَمْشی.(صحیح مسلم؛ح ۱۰۹۹).

بزرگترین پاداش نماز جماعت برای کسی است که از مکان دورتر با پای پیاده به جماعت حاضر شده است.

اقتدا و احکام آن

۱.مستحب است برای کسی که قصد حضور در نماز جماعت دارد،با آرامش و وقار به سوی مسجد برود؛هرچند خوف از دست دادن درک امام در تکبیره الاحرام وجود داشته باشد.

۲.مستحب است که امام قبل از شروع به نماز به تسویه صفوف نمازگزاران توجه نماید و به آن دستور دهد.

۳.همچنین مستحب است که امام در قراءت و ذکرهای نماز همواره تخفیف و آسانی را مد نظر قرار بدهد.

۴.امام در حال رکوع اگر احساس کند که شخصی وارد مسجد شد،مستحب است که منتظر بماند تا که او نیز به جماعت برسد و آن رکعت را درک نماید.

۵.سزاوار است که مأموم همواره تبعیت از امام را داشته باشد و در هیچ

فعلی از افعال نماز بر امام سبقت نگیرد.

۶.اگر مأموم قبل از امام و یا همزمان با امام تکبیر تحریمه را انجام دهد،نمازش منعقد نشود.

۷.اگر مـأموم به قـدر بیش از یـک رکن[مثـل رکوع و قیام بعـد از آن و یا سـجود و جلسه بعـد از آن]از امام سـبقت بگیرد و بر تبعیت از امـام برنگردد و این را عمـداً انجـام دهـد،نمـازش باطـل شود.ولی اگر به تبعیت از امـام برگردد به این دو طریق که:یا منتظر بماند تا امام آن رکن را انجام دهد و یا خود برگردد و آن رکن را با امام انجام دهد،نمازش صحیح باشد.

۸.اگر مأموم مفارقت و جدایی از امام را قصد نماید و بقیه نمازش را خود فرادا انجام دهد،نمازش باطل نشود.

اقتدای صحیح

۱.اقتدای افراد زیر صحیح است:

-کسی که دارای وضوء می باشد،از کسی که تیمم نموده است؛

-آنکه پای خود را شسته است،از شخصی که به خفّین و یا نعلین خویش مسح کرده است؛

-شخص قائم[ایستاده]از کسی که قاعداً[نشسته]نماز می گزارد؛

-کسی که توان رکوع و سجود را دارد از کسی که رکوع و سجودش را با اشاره انجام می دهد؛

-کسی که نماز فرض می خواند از شخصی که نماز نفل می خواند؛

-شخصـی که نماز فرضـی می خوانـد از کسـی که نماز فرض دیگری انجام می دهـد[مثلاً شخصـی که می خواهـد فرض ظهر بخواند،می تواند از کسی که فرض عصر می خواند،اقتدا نماید].

ص:۱۵۳

اقتدای غیر صحیح

اقتدا به افراد ذیل صحیح نباشد:

-مرد از زن؛

-مرد از پسری که به حد یعقل نرسیده؛

-غیر معذور از معذور[مثلاً ـ شخص سالم و تندرست نمی تواند از کسی که بولش همواره جریان دارد(سلسله البول)اقتدا نماید]؛

-کسی که می تواند قراءت کند از شخص بی سواد؛

-شخص متوضی از کسی که محدث باشد.

ص:۱۵۴

چکیده مطالب

۱.مستحب است:برای کسی که قصد حضور در نماز جماعت دارد،با آرامش و وقار به سوی مسجد برود؛امام قبل از شروع به نماز به تسویه صفوف نمازگزاران توجه نماید و به آن دستور دهد؛امام در قراءت و ذکرهای نماز همواره تخفیف و آسانی را مد نظر قرار بدهد.

۲.مأموم همواره تبعیت از امام را داشته باشد و در هیچ فعلی از افعال نماز بر امام سبقت نگیرد.

۳.اگر مأموم قبل از امام و یا همزمان با امام تکبیر تحریمه را انجام دهد،نمازش منعقد نشود.

۴.اگر مأموم به قدر بیش از یک رکن[مثل رکوع و قیام بعد از آن و یا سجود و جلسه بعد از آن]از امام سبقت بگیرد و بر تبعیت از امام برنگردد و این را عمداً انجام دهد،نمازش باطل شود.

۵.اگر مأموم مفارقت و جدایی از امام را قصد نماید و بقیه نمازش را خود فرادا انجام دهد،نمازش باطل نشود.

۶.اقتدای افراد زیر صحیح است:متوضی از متیمم؛غاسل پاها،از ماسح خفین؛قائم از قاعد؛راکع و ساجد از مشیر رکوع و سجود؛مفترض از متنفل؛دو مفترض مختلف.

۷.اقتدای افراد ذیل صحیح نباشد:مرد از زن؛مرد از کودک لایعقل؛غیر معذور از معذور؛قاری از امّی؛متوضی از محدث.

ص:۱۵۵

پرسش ها

۱.برخی از مستحبات نماز جماعت را برشمارید.

۲.آیا تبعیت از امام برای مأموم همواره لازم است؟

۳.سبقت مأموم از امام در چه صورت مبطل نماز است؟

۴.اقتدای چه کسانی به همدیگر صحیح است؟

۵.اقتدای چه کسانی از همدیگر صحیح نیست؟

ص:۱۵۶

درس سی و سوم:نماز جمعه

اشاره

قال الله عزّ و جلّ:

یـا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا نُودِیَ لِلصَّلاهِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا إِلی ذِکْرِ اللّهِ وَ ذَرُوا الْبَیْعَ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره جمعه/۹)

ای کسانی که ایمان آورده ایـد!هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود،به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید !

حکم نماز جمعه

۱.یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان،نماز جمعه است که نمازگزاران در روز جمعه به جای نماز ظهر،نماز جمعه می خوانند.

۲.نماز جمعه برای همه افراد جامعه اسلامی فرض عین می باشد،بجز افراد زیر:

۱.برده؛۲.زن؛۳.مریض؛۴.مسافر؛۵.مقیمی که صـدای اذان را نشـنود؛۶.پرسـتار مریضـی که خوف شدت مرضش باشد؛۷.اقربای محتضری (۱)که مرگش نزدیک باشد؛۸.کسی که در راه نماز جمعه به سبب باران لباسش خیس

۱- (۱) .محتضر کسی است که در بستر مرگ قرار دارد و گویا اینکه حضور ملک الموت را در انتظار است.

شود؛۹.کسی که از ظالمی ترس و خوفی دارد.

۳.کسانی که برای آنان نماز جمعه فرض نباشد،اختیار دارند که نماز ظهر بخوانند و یا نماز جمعه،هرچند خواندن نماز جمعه افضل باشد.البته این اختیار در شروع باشد،نه در دوام و اتمام نماز.

۴.کسی که در روز جمعه اختیار دارد که نماز ظهر بخواند[یعنی برای او نماز جمعه فرض نباشد]،افضل آن است که نماز خود را پس از فراغ امام از نماز جمعه بجای آورد.

۵.کسی که برای او نماز جمعه لازم و واجب باشد،نباید نماز ظهر خویش را قبل از فراغ امام از نماز جمعه،بخواند؛از این رو اگر چنین کند،نمازش صحیح نباشد.

۶.کسی که برای او نماز جمعه فرض است،بعد از زوال خورشید،رفتن به مسافرتی که در آن وجوب نماز جمعه از او ساقط می شو.د،جایز نمی باشد.

شرائط نماز جمعه

اشاره

اقامه نماز جمعه بستگی به وجود شرائطی است که عبارتند از:

شرط اول:آبادی.

۱.برگزاری نماز جمعه تنها در شهر یا روستایی درست و صحیح باشد که در آن جا افرادی که به تعداد آنان نماز جمعه منعقد شود،سکونت داشته باشند.

۲.اگر اهالی محل از شهر یا روستای خویش خارج شوند و در بیرون از شهر نماز جمعه را برگزار نمایند،جایز و صحیح نمی باشد.

شرط دوم:جماعت.

۱.نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و حد اقل تعداد افراد آن چهل نفر از جمله افرادی که نماز جمعه برای آنان فرض باشد،می باشد.

۲.اگر مأمومین در اثنای نماز جمعه،امام را ترک نمایند و امام تنها بماند،امام

ص:۱۵۸

نماز جمعه را به صورت نماز ظهر به اتمام می رساند.

۳.اگر بعد از ترک مأمومین،همراه امام افرادی باقی بمانند،بنابر قول اصح،امام،نماز جمعه را به صورت نماز ظهر به اتمام می رساند.

شرط سوم:وقت

۱.وقت نماز ظهر،همان وقت نماز جمعه است و باید قبل از پایان وقت ظهر،نماز جمعه را به اتمام رسانند.

۲.اگر قبل از اتمام نماز جمعه،وقت ظهر به پایان رسد،نماز جمعه را به صورت نماز ظهر به اتمام خواهند رسانید.

شرط چهارم:خطبه

۱.خطبه،شرط صحت نماز جمعه می باشد.

۲.قبل از ادای نماز جمعه،دو خطبه واجب است که در هر دو خطبه طهارت،ستر عورت،قیام،قعود بین خطبتَین و حضور تعداد چهل نفر نمازگزار شرط صحت محسوب می شوند.

۳.در هر خطبه موارد زیر فرض می باشد:

-حمد و ستایش خداوند متعال؛

-صلوات و درود بر رسول خدا(صلی الله علیه و آله)؛

-توصیه به تقوا و پرهیز از گناه؛

-دعا و درخواست برای مؤمنین و مؤمنات.

۴.واجب است که در هر دو خطبه مقداری از قرآن نیز قراءت شود.

۵.سنت های خطبه عبارت است از:

-خطبه بر بالای منبر و یا مکان مرتفع خوانده شود؛

-خطیب به حاضرین سلام نماید؛

-خطیب تا پایان اذان مؤذن بر منبر بنشیند؛

-خطیب هنگام خطبه بر کمان،شمشیر(و سلاح دستی وقت)و یا عصا تکیه زند؛

-خطیب برای مسلمانان دعای خیر نماید؛

-خطبه را کوتاه کند.

۶.نماز جمعه دو رکعت بوده،امام قراءت آن را جهریه انجام می دهد.

۷.سنت است که بعد از قراءت سوره فاتحه،در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین را قراءت نماید.

سنت های نماز جمعه

-غسل؛

-مسواک زدن؛

-خوشبویی و عطر زدن؛

-پوشیدن نیکوترین لباس(افضل آن است که رنگ لباس سفید باشد)؛

-زودتر به مسجد آمدن؛

-در راه مسجد با آرامش و وقار قدم زدن؛

-دو رکعت نماز تحیت مسجد خواندن؛

-پرهیز نمودن از اسائه ادب نسبت به حاضرین در مسجد با عبور از بالای کتف و شانه آنان؛

-اجتناب نمودن از سخن و تکلم هنگام خطبه های نماز جمعه؛

سنت های روز جمعه

-ناخن گرفتن و نظافت بدن از موهای زاید؛

-سوره کهف را قراءت نمودن؛

-درود و صلوات زیاد به رسول خدا(صلی الله علیه و آله)فرستادن؛

-در شب و روز جمعه صدقات و افعال خیر را بیشتر انجام دادن؛

چکیده مطالب

۱.نماز جمعه برای همه افراد جامعه اسلامی فرض عین می باشد،بجز افراد زیر:

۱.برده؛۲.زن؛۳.مریض؛۴.مسافر؛۵.مقیمی که صدای اذان را نشنود؛۶.پرستار مریضی که خوف شدت مرضش باشد؛۷.اقربای محتضری که مرگش نزدیک باشد؛۸.کسی که در راه نماز جمعه به سبب باران لباسش خیس شود؛۹.کسی که از ظالمی ترس و خوفی دارد.

۱.کسانی که برای آنان نماز جمعه فرض نباشد،اختیار دارند که نماز ظهر بخوانند و یا نماز جمعه،هرچند خواندن نماز جمعه افضل باشد.

۲.کسی که برای او نماز جمعه لازم و واجب باشد،نباید نماز ظهر خویش را قبل از فراغ امام از نماز جمعه،بخواند؛

۳.کسی که برای او نماز جمعه فرض است،بعد از زوال خورشید،رفتن به مسافرتی که در آن وجوب نماز جمعه از او ساقط می شود،جایز نمی باشد.

۴.اقامه نماز جمعه بستگی به وجود شرائطی است که عبارتند از:آبادی؛جماعت؛وقت و خطبه.

۵.در روز جمعه آدابی نیز وجود دارد که مراعات آن برای مسلمان،مسنون است.

پرسش ها

۱.حکم نماز جمعه را بیان کنید.

۲.نماز جمعه برای چه کسانی لازم نیست؟

۳.اگر کسی که برای او نماز جمعه لازم و واجب باشد،نماز ظهر خویش را قبل از فراغ امام از نماز جمعه،بخواند،حکمش چیست؟

۴.شرایط اقامه نماز جمعه را نام ببرید.

۵.مراد از آبادی در نماز جمعه چیست؟

۶.شروط جماعت نماز جمعه را برشمارید.

۷.در هر خطبه چه مواردی فرض می باشد؟

۸.سنت های خطبه را نام ببرید.

۹.سنت های روز جمعه را نام ببرید.

ص:۱۶۲

درس سی و چهارم:نمازمریض و مسافر

اشاره

قال الله عزّ و جلّ:

لا يُكَلِّفُ اللّهُ نَفْساً إِلّا وُسْعَها لَها ما كَسَبَتْ وَ عَلَيْها مَا اكْتَسَبَتْ (سوره بقره،آیه ۲۸۶)

خداوند هیچ کس را،جز به اندازه تواناییش،تکلیف نمی کند.(انسان،)هر کار(نیکی را انجام دهد،برای خود انجام داده.

نماز مریض

۱.کسی که به سبب مریضی از قیام نمودن عاجز شود،نمازش را نشسته می گذارد.

۲.در کیفیت نشسته نماز خواندن،أولی آن است که به صورت افتراش بنشیند.

۳.اگر به انجام رکوع و سجود قادر نباشد،رکوع و سجودش را به اشاره انجام می دهد.

۴.اگر با جماعت نماز بگذارد و قسمتی از نمازش را به سبب مریضی نشسته بخواند،نمازش صحیح باشد.

۵.هر گاه نمازگزار به خواندن نماز نشسته هم قادر نباشد،می تواند بر پهلو و رو به قبله خوابیده و با اشاره نماز بگذارد و یا اینکه پاهای خود را به سوی قبله قرار داده و بر پشت بخوابد و با اشاره نمازش را ادا نماید.

۶.اگر نمازش را در حال قیام شروع کند و سپس در اثنای نماز از قیام نمودن

عاجز شود،نمازش را نشسته به اتمام رساند.

۷.اگر نمازش را در حال نشسته شروع کند و سپس در حین نماز به قیام نمودن قدرت و توانایی یابد،ادامه نمازش را قائماً انجام دهد.

۸.اگر نمازش را در حال نشسته شروع کند و سپس در اثنای نماز عاجز شود،به صورت درازکشیده نمازش را به اتمام رساند.

۹.اگر نماز خود را در حال درازکشیده شروع کند و سپس در اثنای نماز بر قیام و یا قعود قادر شود،بقیه نمازش را ایستاده و یا نشسته انجام می دهد.

نماز مسافر

۱.اگر کسی به قصد غیر معصیت،مسافرت نماید و مقدار مسیر مسافرت او چهل و نه میل هاشمی[۱۶ فرسخ۹۶ کیلومتر]باشد،برای او جایز است که نمازهای ظهر،عصر و عشاء را به صورت«قصر»،یعنی دو رکعتی انجام دهد.

۲.قصر نمازهای مذکور را زمانی شروع می کند که مدت سفرش کمتر از سه روز نباشد.اما اگر مدت سفرش کمتر از سه روز باشد،نمازها را به طور کامل بجا آوردن افضل باشد.

۳.اگر شخص مسافر اقامتِ چهار شبانه روز-بدون در نظر گرفتن روز ورود و روز خروج-را قصد کند،نمازهای مذکوره را به طور کامل انجام می دهد.

۴.اگر شخص مسافر برای انجام دادن کاری در شهری بماند،ولی در آن جا اقامت را قصد نکند،تا مدت هیجده(۱۸)شبانه روز نمازهای مذکور را به طور قصر می گذارد و پس از گذشت آن مدت،به طور کامل نمازهایش را بجا می آورد.

جمع صلاتین

۱.جمع میان نماز ظهر و عصر و میان نماز مغرب و عشاء در هنگام سفری که در آن نماز به صورت قصر انجام می گیرد،جایز می باشد.

ص:۱۶۴

۲.جمع صلاتَین در سفری که نماز را در آن قصر نکنند،بنابر قول اصح جایزنمی باشد.

۳.جمع صلاتین به دو صورت جایز است:

جمع تقدیم:نماز دوم را به وقت نماز اول تقدیم نماید و هر دو را به طور جمع بجا آورد.

جمع تأخیر:نماز اول را تا وقت نماز دوم به تأخیر اندازد و هر دو نماز را به طور جمع بگذارد.

۴.اگر شخصی در حال حرکت و پیمودن راه باشد،افضل آن است که جمع صلاتین را به جمع تأخیر بگذارد،و در غیر این صورت افضل،جمع تقدیم خواهد بود.

۵.جمع تقدیم به سه شرط جایز می باشد:

۱.نیت جمع؛

۲.ترتیب میان نمازها؛۳.تتابع و پی درهمی نمازها.۶.در جمع تأخیر تنها نیت جمع شرط جواز جمع صلاتین بوده و واجب می باشد.۷.جمع تقدیم در«عرفه»بین نماز ظهر و عصر و جمع تأخیر در«مزدلفه»بین مغرب و عشاء جایز و مندوب می باشد.

۸.جمع صلاتین در هنگام باران به صورت جمع تقدیم جایز است؛اما به صورت جمع تأخیر دو قول:جواز و عدم جواز،وجود دارد.

۹.جمع صلاتین در مورد بارانی جایز است که به سبب آن باران لباس خیس شود؛بنابر این،بارانی که لباس را خیس نکند،جمع صلاتین در آن هنگام جایز نباشد.

۱۰.در جمع صلاتین حکم بارش برف و تگرگ،حکم بارش باران می باشد.

۱۱.جمع صلاتین در هنگام گِل و لای بیشتر همراه با تاریکی و باد شدید و همچنین هنگام مریضی جایز نمی باشد.

ص:۱۶۵

چکیده مطالب

۱.کسی که به سبب مریضی از قیام نمودن عاجز شود،نمازش را نشسته می گذارد.

۲.اگر به انجام رکوع و سجود قادر نباشد،رکوع و سجودش را به اشاره انجام می دهد.

۳.هر گاه نمازگزار به خواندن نماز نشسته هم قادر نباشد،می تواند بر پهلو و رو به قبله خوابیده و با اشاره نماز بگذارد.

۴.اگر کسی به قصد غیر معصیت،مسافرت نماید و مقدار مسیر مسافرت او ۹۶ کیلومتر باشد،برای او جایز است که نمازهای ظهر،عصر و عشاء را به صورت«قصر»انجام دهد.

۵.قصر نمازهای مذکور را زمانی شروع می کند که مدت سفرش کمتر از سه روز نباشد.اما اگر مدت سفرش کمتر از سه روز باشد،نمازها را به طور کامل بجا آوردن افضل باشد.

۶.اگر شخص مسافر اقامتِ چهار شبانه روز-بدون در نظر گرفتن روز ورود و روز خروج-را قصد کند،نمازهای مذکوره را به طور کامل انجام می دهد.

۷.جمع میان نماز ظهر و عصر و میان نماز مغرب و عشاء هنگام سفری که در آن نماز به صورت قصر انجام می گیرد،در«عرفه»و هنگام باران شدید جایزمی باشد.

۸.جمع صلاتین به دو صورت جایز است:جمع تقدیم و جمع تأخیر.

پرسش ها

۱.شخص مریض نماز خویش را چگونه اقامه می کند؟توضیح دهید.

۲.برای چه کسی خواندن نماز به صورت قصر جایز است؟

۳.اگر شخص مسافر قصد اقامت شش روزه نماید،نمازش را به چه صورت انجام می دهد؟

۴.جمع میان کدام نمازها صحیح است؟

۵.در چه حالت هایی جمع صلاتین جایز است؟

۶.جمع صلاتین به چند صورت جایز است؟توضیح دهید.

۷.شرائط جمع تقدیم را بیان کنید.

۸.شرائط جمع تأخیر را بازگو نمایید.

ص:۱۶۷

درس سی و پنجم:نمازهای مستحب

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:اسْتَقِيمُوا وَ لَنْ تُحْصُوا وَ اعْلَمُوا أنَّ خَيرَ أعْمَالِكُمْ الصَّلاَةُ.(موطأ مالك؛ح:۶۵)

پیوسته در عمل نیک پابرجا باشید و آن را به شمارش درنیاورید و بدانید که نیکوترین عمل های شما نماز است...

نمازهای تطوع

۱.نمازهای تطوع بر دو قسمند:

-نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است؛

-نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست.

۲.نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است:

-نماز عید[فطر و اضحی]؛

-نماز کسوف[خورشیدگرفتگی]؛

-نماز استسقاء[طلب باران].

۳.نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست،بر دوقسمند:

-نمازهایی که در وقت خاص انجام می گیرند؛

-نمازهایی که در وقت خاص انجام نمی گیرند،بلکه در مطلق اوقاتِ مُجاز می توان آنها را بجا آورد.

نمازهای سنت یومیه

از جمله نمازهای مستحبی ای که بدون جماعت و در وقت خاص انجام می گیرد:

۱.نمازهای سنت یومیه که حد اقل ده رکعت می باشند:

-۲ رکعت قبل از نماز فجر؛

-۲ رکعت قبل از نماز ظهر؛

-۲ رکعت بعد از نماز ظهر؛

-۲ رکعت بعد از نماز مغرب؛

-۲ رکعت بعد از نماز عشاء.

۲.نمازهای سنت یومیه در حد کمال هجده(۱۸)رکعت می باشد:

-۲ رکعت قبل از نماز فجر؛

-۴ رکعت قبل از نماز ظهر؛

-۴ رکعت بعد از نماز ظهر؛

-۴ رکعت قبل از نماز عصر؛

-۲ رکعت بعد از نماز مغرب؛

-۲ رکعت بعد از نماز عشاء.

۳.سنت است که نمازهای چهار رکعتی سنت یومیه را با دو سلام انجام دهد.

نماز وتر

نماز وتر از جمله نمازهای سنت است که:

۱.حد اکثر نماز وتر،یازده رکعت می باشد و حد اقل آن یک رکعت است.اما حد کمال آن،سه رکعت است که نمازگزار بعد

از قراءت سوره فاتحه در رکعت اول سوره«اعلی»،در رکعت دوم سوره«کافرون»و در رکعت سوم سوره

«اخلاص»و«معوذتین»را قراءت نماید.

۲.اگر نماز وتر را بیش از یک رکعت بخواند،سنت آن است که بعد از هر دو رکعت،سلام بدهد.

۳.قنوت خواندن در نماز وتر سنت است که برخی گفته اند که قنوت وتر در نیمه دوم ماه رمضان خوانده شود،و برخی بر آن هستند که در طول سال خوانده شود.

۴.محل قنوت در نماز وتر بعد از رکوع و قبل از سجود می باشد و سنت است که این دعا را بخواند:«اللهُمَّ اهْدِنِی فِیمَنْ هَدَیتَ وَ عَافِنِی فِیمَنْ عَافَیتَ وَ تَوَلَّنِی فِیمَنْ تَوَلَّیتَ وَ بَارِكْ لِی فِیمَا أعطَیتَ وَ قِنِی شَرَّ مَا قَضَیتَ،إنَّكَ تَقضِی وَ لَا یقضَی عَلَیكَ،إنَّهُ لَا یذِلُّ مَن وَالَیتَ تَبَارَكتَ و تَعَالَیتَ» (۱).و مستحب است که بعد از دعای قنوت،بر پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله)درود و صلوات بفرستد.

۵.وقت نماز وتر بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر دوم(صادق)می باشد.

۶.اگر کسی مقید به نماز تهجّد است،برای او اولی آن است که نماز وترش را پس از نماز تهجّد بخواند.ولی اگر مقید به تهجّد نباشد،اولی آن است که بعد از انجام نماز سنت عشاء،نماز وتر را بجا آورد.

۷.در میان سنت های یومیه،سنت فجر و نماز وتر مؤکدتر می باشند.

برخی نمازهای سنت راتبه و غیر راتبه

۱.از جمله سنت های راتبه و وقتیه،نماز قیام رمضان[تراویح]است که آن بیست رکعت با ده سلام انجام می گیرد و افضل آن است که نماز تراویح را با جماعت بخواند.

۱- (۱) .بار خدایا!مرا در زمره هدایت شدگان،هدایت فرما!در زمره عافیت یافتگان،جامه عافیت بپوشان!در زمره محبوبان خویش،مرا دوست بدار!و در آن چیزی که مرا عطا نمودی،برکت ارزانی بدار!و از قضای بد مرا نگه دار!به تحقیق که تنها تو صاحب قضاوت هستی و هرگز بر خلاف اراده تو قضاوتی صورت نگیرد!و در حقیقت هرگز خوار نشود کسی که تو سرپرست او باشی!ای خدایی که بزرگی و علو مرتبه تو را شایسته است!

۲.از جمله نماز راتبه،نماز ضحی است که افضل آن است که هشت رکعت باشد و اقل آن دو رکعت است.وقت نماز ضحی،از اشراق[بلند شدن]خورشید تا وقت زوال می باشد.

۳.اما نمازهای سنت غیر راتبه،همان نمازهای مستحبی ای است که انسان در طول شبانه روز انجام می دهد و برترینِ آن نماز ها،نماز تهجّد می باشد.آخر شب برای نماز تهجّد افضل بوده،و البته بیدار ماندن در طول شب،کراهت دارد.

۴.از جمله نماز های مستحبی،نماز تحیه مسجد است؛یعنی کسی که وارد مسجد می شود،قبل از اینکه بنشیند،دو رکعت نماز تحیه مسجد را انجام می دهد.اگر جماعت حاضر شود و یا امام خطبه را شروع نماید،نماز تحیه مسجد را نمی خواند و به جماعت می پیوندد و یا خطبه را استماع می نماید.

ص:۱۷۱

چکیده مطالب

۱.نمازهـای تطوع بر دو قسـمند:نمازهایی که با جماعت برگزار نمودن آنها سـنت است؛نمازهایی که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست.

۲.نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت است:نماز عیدین؛نماز کسوف؛نماز استسقاء.

۳.نمازهای مستحبی ای که با جماعت برگزار نمودن آنها سنت نیست،بر دو قسمند:توقیتی و غیر توقیتی.

۴.نمازهای سنت یومیه:۲ رکعت قبـل از نماز فجر؛۲ رکعت قبـل از نماز ظهر؛۲ رکعت بعـد از نماز ظهر؛۲ رکعت بعـد از نماز مغرب؛۲ رکعت بعد از نماز عشاء.

۵.نماز وتر از جمله نمازهای سنت است؛حد اکثر نماز وتر،یازده رکعت می باشد و حد اقل آن یک رکعت است.

۶.قنوت خواندن در نماز وتر سنت است و محل قنوت در نماز وتر بعد از رکوع و قبل از سجود می باشد.

۷.وقت نمـاز وتر بعـد از نماز عشاء تا طلوع فجر دوم(صادق)می باشـد و اگر کسـی مقیـد به نماز تهجّد است،برای او اولی آن است که نماز وترش را پس از نماز تهجّد بخواند.

پرسش ها

۱.نمازهای تطوع بر چند قسم است؟

۲.کدام نمازهای مستحبی را با جماعت خواندن سنت است؟

۳.نمازهای سنت یومیه را با تعداد رکعات نام ببرید.

۴.قنوت را از حفظ بخوانید.

۵.نماز وتر را توضیح دهید.

ص:۱۷۲

درس سی و ششم:نماز عیدین

اشاره

قال الله عزّ و جلّ:

شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَ الْفُرْقانِ ...وَ لِتُکْمِلُوا الْعِدَّهَ وَ لِتُکَبِّرُوا اللّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (سوره بقره/۱۸۵)

(روزه،در چند روز معدود)ماه رمضان است؛ماهی که قرآن،برای راهنمایی مردم،و نشانه های هدایت،و فرق میان حق و باطل،در آن نازل شده است...هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده،بزرگ بشمرید؛باشد که شکرگزاری کنید !

حکم نماز عیدین

۱.حکم نماز عیدین،یعنی عید فطر و عید أضحی،سنت مؤکده می باشد.

۲.وقت نماز عیدین از بلند شدن خورشید تا زوال آن می باشد.

۳.سنت است که نماز عید أضحی را زودتر و نماز عید فطر را با تأخیر خوانده شود؛

۴.اگر وقت را دریافت نکنند،نماز عید را قضا می نمایند.

۵.سنت است که تا انجام نماز عید أضحی از خوردن چیزی خودداری نماید،اما در نماز عید فطر سنت آن است که قبل از نماز چیزی میل نماید.

ص:۱۷۳

۶.نماز عیـد در مسـجد جامع برگزار می شود.اگر وسـعت مسـجد برای همه نمازگزاران نامناسب و تنگ باشـد،نماز عیـد را در صحراء و یا مکان وسـیع تر[مثل میدان های بزرگ ورزشـی]اقامه خواهند کرد.البته امام شخصی را در مسجد جامع موظف می کند که با افراد ضعیف و ناتوان نماز عید را بخواند.

۷.در نماز عید مردان،زنان و کودکان حضور پیدا می کنند و در آن روز لباس های نیکوی خود را می پوشند.

کیفیت خواندن نماز عیدین

اشاره

۱.سنت است که نماز عیدین را با جماعت برگزار نمایند.

۲.نمـاز عیـد دو رکعت می باشـد و هماننـد دیگر نمازها خوانـده می شود،مگر اینکه در دو محل تکبیرات چنـدگانه دارد.برای آشنایی بیشتر با کیفیت خواندن نماز عید،به جدولی زیر توجه نمایید.

۳.سـنت است که امام بعـد از قرائت سوره فاتحه:در رکعت اول سوره«ق و القرآن المجید»و در رکعت دوم سوره«قمر»را قراءت نماید.

۴.امام دو خطبه نماز عید را بعد از به پایان رسـیدن نماز ایراد می کند و تفاوتی با خطبه های نماز جمعه ندارد،مگر اینکه خطبه اول را با نه(۹)تکبیر و خطبه دوم را با هفت(۷)تکبیر شروع می کند.

۵.امام در خطبه های نماز عید فطر فضایل و احکام زکات فطره را بیان می کند و در خطبه های نماز عید قربان احکام و فضایل قربانی را یادآوری می کند.

۶.

ص:۱۷۴

تکبیرات عیدین

لفظ تکبیرات عیدین چنین است:«الله أکبر،الله أکبر،الله

ص:۱۷۵

أکبر،الله أکبر کبیرًا،و الحمد لله کثیرًا،و سبحان الله بُکْرَةً و أصِیلًا؛لاَ إلهَ إلاَّ الله وَ لاَ نَعْبُدُ إلاَّ إیاهُ،مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ؛لاَ إلهَ إلاَّ اللهُ وَحْدَهُ،صَدَقَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الأحْزَابَ وَحْدَهُ؛لاَ إلهَ إلاَّ الله و الله أکبر».

گفتن تکبیرات در ایام عید بلا فاصله بعد از هر نماز فرضی،سنت می باشد.

تکبیرات در نماز عید فطر بعد از نماز مغربِ شب عید شروع و هنگام شروع نماز عید به پایان می رسد.

«تکبیر تشریق»در عید أضحی بعد از نماز ظهر«یوم النحر»[روز اول عید قربان-دهم ذی الحجه]شروع و تا نماز صبحِ آخرین روز«ایام التشریق» (۱)ادامه می یابد.

۱- (۱) .مراد از ایام التشریق-بنابر صحیح ترین قول-روزهای یازدهم،دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه می باشد.

چکیده مطالب

۱.نماز عیدین،سنت مؤکده می باشد و وقت اقامه آن از بلند شدن خورشید تا زوال آن می باشد.

۲.سنت است که نماز عید أضحی را زودتر و نماز عید فطر را با تأخیر خوانده شود؛

۳.اگر وقت را دریافت نکنند،نماز عید را قضا می نمایند.

۴.نماز عید در مسجد جامع برگزار می شود.اگر وسعت مسجد برای همه نمازگزاران نامناسب و تنگ باشد،نماز عید را در صحراء و یا مکان وسیع تری اقامه خواهند کرد.

۵.نماز عید دو رکعت می باشد و همانند دیگر نمازها خوانده می شود،مگر اینکه در دو محل تکبیرات چندگانه دارد و سنت است که با جماعت برگزار شود.

پرسش ها

۱.حکم نماز عیدین را بیان کنید.

۲.نماز عیدین چه زمانی خوانده می شود؟

۳.آیا در نماز عید قضا وجود دارد؟

۴.اگر مسجد جامع گنجایش همه نمازگزاران عیدین را نداشته باشد،چه کار باید کرد؟

۵.نحوه اقامه نماز عیدین را عملاً توضیح دهید.

۶.تکبیرات عیدین را از حفظ بخوانید.

ص:۱۷۷

درس سی و هفتم:جنازه و احکام آن(۱)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:قال:الْبَسوُا مِنْ ثِیابِکُمْ الْبَیاضَ فَإنَّهَا خَیرُ ثِیابِکُمْ وَ کَفِّنُوا فِیهَا مَوْتَاکُمْ.(سنن ترمذی؛ح:۹۵۱)

لباس سفید بر تن کنید،چرا که لباس سفیدرنگ نیکوترین لباس برای شماست و مردگان خود را با لباس سفید تکفین نمایید.

احکام کلی

غُسل،تکفین،نماز،حمل و دفن جنازه واجب کفایی است؛اگر یک نفر از اهل جامعه این امور را انجام دهد،از ذمه بقیه مردم ساقط می شود و در غیر این صورت،همه اهل جامعه مسلمین گناهکار خواهند شد.

غسل میت و احکام آن

۱.کمترین و حد اقل غسل میت آن است که پس از برطرف ساختن نجاست ظاهری بدن،یک بار تمام بدن با آب شسته شود.

۲.نیت غُسل میت برای غُسل دهنده،مستحب است.

۳.اصولاً در غُسل میت،غسل دهنده باید از جنس میتباشد؛یعنی اگر میت مرد است،غسل دهنده نیز مرد باشد،و اگر زن است،غسل دهنده نیز زن باشد.

البته در سه مورد استثنا وجود دارد:

-زن و شوهر برای همدیگر؛

-مرد و زن با افراد محارم خود؛

-پسر و دختری که به حد شهوت نرسیده باشند،به وسیله مرد یا زن غُسل داده شوند،باکی نیست.

۴.روش غسل میت به شرح زیر است:

-میت را در جای خلوتی قرار می دهند که در آن جا تنها غسل دهنده،دستیار او و ولی میت حضور دارند؛

-میت باید پیراهنی در بر داشته باشد که از رسیدن و نفوذ آب به بدن او مانع نشود؛

-میت را بر مکان مرتفعی قرار می دهند؛

-آبی که در غسل میت استعمال می شود،باید سرد باشدف مگر به خاطر سرما و یا زدودن چرک مقداری گرم شود،اشکالی ندارد؛

-غسل دهنده میت را به آرامی بر مکان غُسل می نشاند،طوری که به سمت پشت مایل باشد.برای این کار بهتر است دست راستش را بر شانه اش و انگشت ابهامش را بر استخوان پشت گردنش قرار دهد تا سرش کج نشود؛

-پشت میت را به زانوی راستش تکیه دهد و با دست چپش با دستکش،عورت و شرمگاهش را بشوید؛

-سپس با دستکش دیگر،انگشت را در دهانش داخل نماید و دهان و بینی اش را بشوید؛

-همانند شخص زنده،برایش وضوی کامل بگیرد؛

-چرک ناخن هایش را تمیز می کند؛

-سر و رویش را با صابون می شوید؛

-موهایش را شانه می زند؛

ص:۱۷۹

–قسمت راست میت را از گردن تا نوک انگشتان با شروع از قسمت صورت می شوید؛

–بعد قسمت چپش را مانند طرف راست می شوید؛

–به طرف راست بر می گرداند و می شوید؛

–به طرف چپ بر می گرداند و می شوید؛

–آبی که با مقداری کافور مخلوط شده،بر کل بدن میت می پاشد.

تکفین و احکام آن

۱.تکفین نمودن مرده،واجب است:خواه زن باشد یا مرد،مسلمان باشد یا ذمی؛

۲.مقدار کفن واجب:

–برای مرد:سه تکه پارچه(لُنگ از ناف تا زانو،پیراهن و تن پوش)؛

–برای زن:چهار تکه پارچه(لُنگ از ناف تا زانو،روسری،پیراهن و تن پوش).

۳.پارچه ای که در زمان حیات میت پوشیدنش برای او جایز بوده،همان پارچه به عنوان کفن برای او بعد از مردن جایز است؛

۴.برای کفن زن،پارچه حریر،زعفرانی و رنگارنگ جایز است؛

۵.سنت های تکفین:

–پارچه سفیدرنگ باشد؛

–پارچه تمیز باشد؛

–پارچه معطر باشد؛

–پارچه به قدر کافی و نیکو باشد.

۶.مکروهات تکفین:

–گرانبها بودن پارچه؛

–رنگارنگ بودن پارچه؛

-حریر و زربافت بودن پارچه برای زن مکروه و برای مرد حرام است.

۷.نوشتن قرآن و نیز اسم های الهی بر کفن حرام است؛

ص:۱۸۰

۸.در مورد غسل،تکفین و نماز مرده کافر باید گفت:

-اگر آن کافر مرده،ذمی،امان داده شده و یا معاهد باشد،غسل و تکفین آن جایز است،اما نماز برای او حرام است؛

-اگر آن کافر مرده،حربی،مرتد و یا زندیق باشد،تنها غسل آن جایز است.

ص:۱۸۱

چکیده مطالب

۱.غُسل،تکفین،نماز،حمل و دفن جنازه واجب کفایی است؛

۲.کمترین و حد اقل غسل میت آن است که پس از برطرف ساختن نجاست ظاهری بدن،یک بار تمام بدن با آب شسته شود.

۳.اصولاً در غُسل میت،غسل دهنده باید از جنس میت باشد؛البته در سه مورد استثنا وجود دارد:زن و شوهر برای همدیگر؛مرد و زن با افراد محارم خود؛پسر و دختری که به حد شهوت نرسیده باشند،به وسیله مرد یا زن غُسل داده شوند،باکی نیست.

۴.غسل میت با روش و آداب خاصی انجام می گیرد.

۵.تکفین نمودن مرده،واجب است:خواه زن باشد یا مرد،مسلمان باشد یا ذمی؛

۶.مقدار کفن واجب:برای مرد:سه تکه پارچه؛برای زن:چهار تکه پارچه.

۷.پارچه ای که در زمان حیات میت پوشیدنش برای او جایز بوده،همان پارچه به عنوان کفن برای او بعد از مردن جایز است؛

۸.تکفین خود دارای سنت ها و مکروهاتی است که مشروح ان در بالا گذشت؛

۹.نوشتن قرآن و نیز اسم های الهی بر کفن حرام است؛

۱۰.در مورد غسل،تکفین و نماز مرده کافر:اگر آن کافر ذمی،امان داده شده و یا معاهد باشد،غسل و تکفین آن جایز است،اما نماز برای او حرام است؛اگر حربی،مرتد و یا زندیق باشد،تنها غسل آن جایز است.

پرسش ها

۱.واجب کفای به چه معناست؟

۲.حد اقل غسل میت را بیان کنید.

۳.غسل دهنده باید از جنس میت باشد،یعنی چه؟

۴.روش و آداب غسل میت را برشمارید.

۵.حکم تکفین چیست؟

۶.مقدار کفن واجب را بیان کنید.

۷.سنت های نکفین را برشمارید.

۸.آیا غسل و تکفین و نماز میت برای کافر جایز است؟توضیح دهید.

ص:۱۸۳

درس سی و هشتم:جنازه و احکام آن(۲)

اشاره

رسول الله صلی الله علیه و آله:قال:ما من مسلم یموت فیصلی علیه ثلاثه صفوف من المسلمین،إلاـ أوجب.(سنن ابی داود؛ح:۲۷۶۹)

هر مؤمنی که پس از مردنش برای او مسلمانان در سه صف نماز جنازه بخوانند،بهشت واجب خواهد شد.

احکام تشییع جنازه

۱.حمل میت واجب است و از وظایف مردان می باشد؛

۲.بردن میت به گونه تحقیرآمیز در کیسه و یا سبد،حرام است؛

۳.سریع بردن جنازه،مستحب است؛

۴.تشییع جنازه برای مردان سنت،اما برای زنان مکروه بوده و اگر فتنه ای در پی داشته باشد،شرکت زنان در تشییع جنازه حرام است.

۵.برای تشییع کنندگان سنت است که پیاده باشند و در پیشاپیش جنازه و نزدیک به آن حرکت کنند.

احکام نماز میت

۱.نماز خواندن بر میت،واجب است؛

ص:۱۸۴

۲.نماز میت دارای هفت رکن است:

رکن اول:نیت(همچون:نیت کردم نماز فرض میت بخوانم.)؛

رکن دوم:قیام(برای کسی که توانایی قیام نمودن را دارد)؛

رکن سوم:گفتن چهار تکبیر؛

رکن چهارم:قراءت سوره فاتحه؛

رکن پنجم:صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله؛

رکن ششم:دعای مخصوص برای میت؛

رکن هفتم:سلام دادن.

۳.کیفیت خواندن نماز جنازه بدین شرح است:

اعمال نماز جنازه

۱ تکبیر تحریمه همراه با نیتِ بجا آوردن نماز میت.

۲ دست ها را روی سینه قرار می دهد و سوره فاتحه را قرائت می کند.

۳ با رفع یدین تکبیر دوم را انجام می دهد و با گذاستن دست ها به سینه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله می فرستد.افضل آن است که صلوات ابراهیمیه که در نماز خوانده می شود،بخواند.

۴ با رفع یدین تکبیر سوم را بجا می آورد و سپس برای میت دعا می خواند.بهتر است این دعا را بخواند:«اللّهُمَّ اغْفِرْ لِحَینَا وَ مَیتِنَا،وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا،وَ صَغِیرِنَا وَ کَبِیرِنَا،وَ ذَکَرِنَا وَ أُنْثَانَا.اللّهُمَّ مَنْ أحْییتَهُ مِنَّا فأحْیهِ عَلَی الإسْلَامِ وَ مَنْ تَوَفَّیتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَی الإِیمَانِ».

۵ سپس با رفع یدین تکبیر چهارم را انجام می دهد و می خواند:«اللّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أجْرَهُ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لَهُ».

۶ در آخر با دو سلام از سمت راست و چپ خویش نماز را به پایان می رساند.

ص:۱۸۵

۴.در نماز جنازه،میت پس از غسل،در برابر امام طوری قرار داده می شود که سر میت در برابر دست راست امام و پای او در برابر دست چپ امام باشد و امام در وسط قرار می گیرد.

دفن میت

۱.دفن میت در گورستان محلی ای که در آن جا فوت کرده،واجب است.

۲.حد اقل و کمترین اندازه قبر،حفره ای است که میت را از درندگان حفظ نموده و مانع از انتشار بوی جسد گردد.

۳.کامل ترین اندازه قبر آن است که:

-از جهت وسعت،ظرفیت جا دادن به گذارنده مرده در قبر و کمک کار او را داشته باشد؛

-عمق آن به اندازه قد شخص متوسط القامه باشد.

۴.اگر زمین سخت باشد،نهادن مرده در لحد بهتر است.لحد عبارت است از کندن قسمت تهِ قبردر جهت قبله.

۵.اگر زمین نرم باشد،گذاشتن مرده در شق(شکاف)بهتر است.شق عبارت است از کندن ته قبر،مانند کانال آب.

۶.اگر میت در محل نزدیک به حرمین(بیت الحرام و مسجد النبی)و یا بیت المقدس باشد،انتقال او به آن اماکن مقدسه سنت است.البته،انتقال تنها پس از غسل،تکفین و نماز خواندن جایز است.

احکام شهید

۱.غسل و نماز بر شهیدی که در جنگ با کفار به درجه شهادت رسیده است،حرام است،ولی تکفین او واجب می باشد.و سنت است با همان لباسی که بر تن دارد،دفن شود؛چه لباسش خونین باشد یا نباشد.

ص:۱۸۶

۲.شهداء سه دسته اند:

-شهید دنیا و آخرت:شهیدی که در راه خدا کشته شده باشد و او غسل و نماز ندارد؛

-شهید دنیا:کسی است که به خاطر غنائم جنگیده و برای او نیز غسل و نماز لازم نیست؛

-شهید آخرت:کسی است که در اثر غرق شدن،آتش سوزی،طاعون،سفر کسب علم و...مرده باشد.چنین شهید،در غسل و نماز مانند سایر مردم است.

ص:۱۸۷

چکیده مطالب

۱.حمل میت،واجب و سریع بردن جنازه،مستحب است؛

۲.تشییع جنازه برای مردان سنت،اما برای زنان ذر صورت عدم فتنه مکروه است؛برای تشییع کنندگان سنت است که پیاده باشند.

۳.نماز خواندن بر میت،واجب است و دارای هفت رکن می باشد:رکن اول:نیت؛رکن دوم:قیام؛رکن سوم:گفتن چهار تکبیر؛رکن چهارم:قراءت سوره فاتحه؛رکن پنجم:صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله؛رکن ششم:دعای مخصوص برای میت و رکن هفتم:سلام دادن.

۴.دفن میت در گورستان محلی،واجب است.

۵.حد اقل و کمترین اندازه قبر،حفره ای است که میت را از درندگان حفظ نموده و مانع از انتشار بوی جسد گردد.

۶.اگر زمین سخت باشد،نهادن مرده در لحد بهتر است،ولی اگر زمین نرم باشد،گذاستن مرده در شق بهتر می باشد.

۷.اگر میت در محل نزدیک به حرمین(بیت الحرام و مسجد النبی)و یا بیت المقدس باشد،انتقال او به آن اماکن مقدسه پس از غسل،تکفین و نماز خواندن سنت است.

۸.غسل و نماز بر شهیدی که در جنگ با کفار به درجه شهادت رسیده است،حرام است،ولی تکفین او واجب می باشد.

۹.شهداء سه دسته اند:شهید دنیا و آخرت؛شهید دنیا و شهید آخرت که برای دو دسته اولی غسل و نماز میت لازم نیست.

ص:۱۸۸

پرسش ها

۱.حمل میت چه حکمی دارد؟

۲.حکم تحقیرآمیز حمل نمودن میت،چیست؟

۳.احکام تشییع جنازه نسبت به مردان و زنان را توضیح دهید.

۴.برخی از سنت های تشییع جنازه را بیان کنید.

۵.نماز میت چه حکمی دارد؟

۶.ارکان نماز میت را نام ببرید.

۷.کیفیت خواندن نماز جنازه را عملاً توضیح دهید.

۸.دفن میت چه حکمی دارد؟

۹.حد اقل و کمترین اندازه قبر را بیان کنید.

۱۰.کامل ترین اندازه قبر چه مقدار است؟

۱۱.لحد و شق چه تفاوتی دارد؟توضیح دهید.

۱۲.آیا انتقال میت به دیگر اماکن جایز است؟توضیح دهید.

۱۳.احکام غسل،تکفین و نماز بر شهید چیست؟

۱۴.شهداء چند دسته اند؟هر دسته را با ذکر احکام خاص سه آن دسته توضیح دهید.

ص:۱۸۹

درس سی ونهم:روزه(۱)

اشاره

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ (سوره بقره/۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید،روزه بر شما مقرر شده است،همان گونه که بر کسانی که پیش از شما[بودند]مقرر شده بود،باشد که پرهیزگاری کنید.

تعریف روزه

روزه[صوم یا صیام]در لغت به معنی خودداری نمودن از سخن گفتن و یا غذا خوردن است.

در شریعت،مراد از روزه آن است که مسلمان با قصد و نیت از چیزهایی که باعث افطار می شود[مفطرات]از طلوع صبح صادق[اول وقت نماز صبح]تا غروب خورشید خودداری نماید.

اقسام روزه

روزه به اقسام زیر تقسیم می شود:

-واجب؛

-مستحب[مسنون]؛

-مکروه؛

-حرام.

روزه های واجب

روزه های واجب عبارتند از:

-روزه ماه مبارک رمضان؛

-روزه قضاء؛

-روزه کفاره.

روزه های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال-به جز روزه های حرام و مکروه-مستحب است،ولی نسبت به بعضی از روزه ها تأکید و سفارش بیشتری شده است که برخی از آنها بدین شرح است:

-روز عرفه[نهم ذی الحجه]برای غیر حاجی؛

-هر دوشنبه و پنج شنبه؛

-سه روز از هر ماه و بهتر آن است که آن سه روز«ایام البیض»-یعنی روزهای ۱۴،۱۳ و ۱۵ هر ماه-باشد.

-شش روز از ماه شوال؛بهتر آن است که بعد از سپری کردن روز عید فطر،شش روز از شوال را روزه بگیرد،هرچند پشت سر هم نباشد.

روزه های مکروه

مراد از اروزه مکروه آن است که کسی آن را ترک کند،سزاوار ثواب الهی خواهد شد،اما اگر انجام دهد گناه محسوب نشود.

از جمله روزه های مکروه:

-تنها روز جمعه را روزه گرفتن؛

-تنها روز شنبه را روزه گرفتن؛

-روزه دهر؛مراد از روزه دهر آن است که کل سال را روزه بگیرد.

برخی از روزه های حرام

-روزه عید فطر؛

-روزه عید أضحی؛

-روزه سه روز ایام تشریق[سه روز بعد از روز عید اضحی]؛

نیت روزه

-روزه ماه رمضان و همچنین هر نوع روزه دیگر تنها با نیت و قصد،صحیح می باشد.

-باید برای هر روز نیت جداگانه نمود و نیت روزه واجبه-چه روزه ماه رمضان باشد و چه روزه غیر رمضان-باید در شب انجام گیرد.

-نیت روزه مستحبی-غیر واجبه-را می توان تا وقت زوال نیز انجام داد.

-در نیت روزه ماه رمضان تعیین وقت واجب می باشد و آن این است که روزه دار نیت کند که او فریضه ماه رمضان را ادا خواهد کرد.

چکیده مطالب

۱.روزه عبارت است از خودداری نمودن با قصد و نیت از مفطرات در مدت زمان طلوع فجر صادق تا غروب خورشید؛

۲.اقسام روزه:واجب،مستحب،مکروه و حرام؛

۳.نیت شرط صحت روزه می باشد؛

۴.نیت روزه واجب جداگانه و در شب باید انجام گیرد،ولی نیت روزه مستحبی را می توان تا وقت زوال نیز انجام داد.

پرسش ها

۱.روزه را در لغت و شریعت معنا نمائید.

۲.اقسام روزه را نام ببرید.

۳.روزه های واجب کدام است؟

۴.روزه های مستحب را نام ببرید.

۵.مراد از روزه مکروه چیست؟

۶.برخی از روزه های مکروه را نام ببرید.

۷.چه روزه هایی حرام می باشد؟

۸.آیا روزه بدون نیت صحیح است؟

۹.شخصی روزه مستحبی را بدون نیت انجام داده است.حکم روزه او چیست؟

۱۰.نیت روزه را چگونه انجام می دهند؟

۱۱.تعیین وقت در نیت روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ص:۱۹۳

درس چهلم:روزه(۲)

اشاره

...وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ وَ لا تُباشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاكِفُونَ فِي الْمَساجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللّهِ فَلا تَقْرَبُوها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ آياتِهِ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ .(سوره بقره/۱۸۷)

...و بخورید و بیاشامید،تا رشته سپید صبح،از رشته سیاه(شب)برای شما آشکار گردد!سپس روزه را تا شب،تکمیل کنید!و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید،با زنان آمیزش نکنید!این،مرزهای الهی است پس به آن نزدیک نشوید!خداوند،این چنین آیات خود را برای مردم،روشن می سازد،باشد که پرهیزکار گردند!

مبطلات روزه

روزه دار باید از«اذان صبح»تا«غروب خورشید»از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد،روزه اش باطل می شود.به مجموعه این کارها«مُبطِلاتِ روزه» گفته می شود.

از جمله مبطلات روزه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱.خوردن و آشامیدن؛

۲.قی کردن؛

۳.آمیزش؛

۴

ص:۱۹۴

.استمناء؛

۵.حیض؛

۶.نفاس؛

۷.جنون؛

۸.ارتداد.

۹.رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق[معده یا روده]از طریق منفذ باز[دهان،گوش،قُبُل و دُبُر]؛

احکام مبطلات روزه

خوردن آشامیدن

۱.اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد،روزه اش باطل می شود؛

۲.اگر زوه دار به سبب فراموشی[نمی داند روزه است]چیزی بخورد یا بیاشامد،روزه اش باطل نمی شود؛

۳.اگر کسی عمداً چیزی را که لای دندانش مانده است،فرو برد،روزه اش باطل می شود؛

۴.اگر کسی با اکراه و اجبار چیزی بخورد یا بیاشامد،روزه اش باطل نمی شود.

رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق از طریق منفذ باز

۱.مراد از شیء عینی چیزی است که با چشم قابل دیدن باشد؛

۲.منظور از ماوراء حلق،معده و یا روده است؛

۳.منفذ باز عبارت است از:دهان،گوش،قُبُل و دُبُر.

۴.استعمال عمدی قطره از طریق گوش روزه را باطل می کند؛

۵.استعمال عمدی قطره از طریق چشم روزه را باطل نمی کند؛

۶.اگر به ماوراء حلق روزه دار مگسی و یا غبار راه نفوذ کند،روزه اش باطل نمی شود؛

ص:۱۹۵

۷.فرو بردن آب دهان،روزه را باطل نمی کند؛

۸.فرو بردن آب دهان متنجس(مثل کسی که به خاطر خونریزی لثه ای آب دهانش نجس شود و دهانش را آب نکشد،هرچند آب دهانش سفیدرنگ باشد)روزه را باطل می کند؛

۹.اگر هنگام مضمضه و یا استنشاق آب به ماوراء حلق رسد و چنانچه بدون مبالغه باشد،روزه اش باطل نمی شود.ولی اگر به خاطر مبالغه در مضمضه و یا استنشاق صورت پذیرد،روزه باطل می شود.

قی کردن

۱.اگر شخص روزه دار عمداً قی کند،روزه اش باطل می شود؛

۲.اگر قی بر روزه دار غلبه کرد و بدون اختیار قی نمود،روزه اش باطل نمی شود.

آمیزش

۱.اگر شخص روزه دار قبل از مغرب عمداً آمیزش کند،روزه اش باطل می شود؛

۲.اگر روزه دار از روی فراموشی آمیزش نماید،روزه اش باطل نمی شود.

استمناء

۱.اگر روزه دار استمناء کند،یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید،روزه اش باطل می شود؛

۲.اگر بی اختیار منی از او بیرون آید،مثلاً در خواب جُنب شود،روزه اش باطل نخواهد شد.

حیض و نفاس

اگر زن روزه داری در جزئی از روز-اگرچه چند دقیقه قبل از غروب خورشید-حیض یا نفاس ببیند،روزه اش باطل می شود.

جنون ارتداد

۱.اگر شخص روزه دار مبتلا به جنون شود،روزه اش باطل می شود؛

۲.اگر شخص روزه دار مرتد گردد و از دین خارج شود،روزه اش باطل می شود.

چند نکته

۱.بر شخص روزه دار واجب است که از انواع مفطرات[مبطلات روزه]از اول طلوع فجر تا پایان غروب خورشید خودداری نماید؛

۲.اگر فرد روزه دار یکی از مفطرات را به گمان اینکه فجر طلوع نکرده است،انجام دهد و سپس خطا و استباهش معلوم شود،روزه اش باطل گردد.البته برای احترام ماه رمضان در طول روز از خوردن و آشامیدن و آمیزش خودداری می کند و قضای آن روز را بجا خواهد آورد؛

۳.اگر شخص روزه دار در پایان روز به گمان اینکه غروب خورشید انجام گرفته است،افطار نماید و سپس معلوم گردد که غروبی در کار نبوده است،روزه اش باطل می شود و باید قضای آن روز را بجا آورد.

ص:۱۹۷

چکیده مطالب

۱.به مجموعه کارهایی که روزه را باطل می کند،«مُبطِلاتِ روزه» گفته می شود.

۲.برخی از مبطلات روزه:خوردن و آشامیدن؛رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق از طریق منفذ باز؛قی کردن؛آمیزش؛استمناء؛حیض؛نفاس؛جنون؛ارتداد.

۳.اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد،روزه اش باطل می شود،ولی اگر سهواً و یا از روی اجبار بخورد،روزه اش باطل نمی شود.

۴.اگر چیزی از طریق دهان، گوش،دُبر و یا قُبل به معده و یا روده شخص روزه دار برسد،روزه اش باطل می شود.

۵.اگر شخص روزه دار عمدا قی کند،روزه اش باطل می شود.

۶.اگر روزه دار قبل از مغرب قصداً آمیزش کند،روزه اش باطل می شود.

۷.استمناء عمدی روزه را باطل می کند.

۸.دیدن حیض و یا نفاس در جزئی از روز،موجب بطلان روزه زن روزه دار می شود.

۹.جنون و ارتداد روزه را باطل می کند.

ص:۱۹۸

پرسش ها

۱.مراد از«مبطلات روزه»چیست؟

۲.برخی از مبطلات روزه را نام ببرید.

۳.کدام خوردن و آشامیدن است که روزه را باطل نمی کند؟

۴.مراد از«رسیدن شیء عینی به ماوراء حلق از طریق منفذ باز»در مبطلات روزه چیست؟

۵.قی کردن چه زمانی مبطل روزه می باشد؟

۶.استمناء چیست و به کدام شرط مبطل روزه می شود؟

۷.زن روزه داری پنج دقیقه قبل از غروب حیض دید.آیا روزه اش صحیح است؟

۸.مراد از ارتداد چیست؟آیا ارتداد مبطل روزه است؟

۹.اگر شخص روزه دار قبل از غروب خورشید به گمان اینکه غروب خورشید انجام گرفته است،یکی از مفطرات را انجام دهد،تکلیفش چیست؟

درس چهل و یکم:روزه(۳)

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِی السُّحُورِ بَرَکَهً.(صحیح بخاری/۱۸۲۳ و صحیح مسلم/۱۰۹۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:سحری بخورید،چرا که در طعام سحری برکتی است.

آداب روزه

برای درست و صحیح انجام دادن روزه که از مهم ترین عبادات بدنی به حساب می رود،آداب زیادی وجود دارد که برخی از آن عبارت است از:

تعجیل افطار

-همزمان با غروب خورشیدف خوب است که روزه دار در افطار خویش تعجیل و شتاب نماید؛

-بهتر آن است که با رطب و خرما افطار نماید و اگر وجود نداشت،با آب افطار کند.

سحری نمودن

-هنگام سحر قبل از طلوع فجر صادق،خوردن طعام و غذای سحری مستحب است؛

ص:۲۰۰

-آغاز وقت سحری نمودن،پس از نیمه شب است؛

-فضیلت و ثواب سحری خوردن حتی با یک جرعه آب نیز به دست می آید.

تأخیر سحری

خوب است که سحری پس از نیمه شب به تأخیر افتد و قبل از طلوع فجر صادق به انتها رسد؛

ترک سخنان ناپسند

-مراد از سخنان ناپسند دشنام،دروغ،غیبت،سخنچینی و...است؛

-اگرچه با دشنام،دروغ،غیبت و سخنچینی روزه باطل نمی شود و روزه دار واجب خویش را انجام می دهد،اما اجر و ثواب روزه از بین می رود و روزه دار از ثواب روزه خویش محروم می شود.

غسل جنابت قبل از طلوع فجر

-خوب است که روزه دار غسل از جنابت را قبل از طلوع فجر صادق انجام دهد،تا با طهارت وارد روزه داری شود؛

-غسل از حیض و نفاس نیز همانند غسل از جنابت است.

دعای هنگام افطار

همزمان با افطار مستحب است که روزه دار بگوید:

«اللهُمَّ لَکَ صُمْتُ،وَ عَلی رِزْقِکَ أفْطَرْتُ،ذَهَبَ الظَّمَأُ،وَ ابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَ ثَبَتَ الاجْرُ إنْ شَاءَ اللُّه».

افطاری دادن

-اگر توان و استطاعت دارد،مستحب است که به روزه داران طعام دهد.

ص:۲۰۱

-کسی که توان اطعام به روزه داران را ندارد،مستحب است که با خرما و یا آب افطاری دهد.

صدقه دادن

تلاوت قرآن

اعتکاف

اعتکاف در مسجد،بویژه در دهه آخر ماه مبارک رمضان،مستحب است.

مکروهات روزه

مکروهات روزه،عبارت است از مخالفت نمودن با آداب روزه؛بنابر این،مکروهات روزه را می توان اینچنین نام برد:

-تأخیر افطار؛

-ترک سحری خوردن؛

-تعجیل سحری(یعنی سحری را خیلی زود بخورد،در حالی که هر چه نزدیک تر به آخر شب خوردن سحری مستحب است)؛

-مشغول بودن با سخنان ناپسند؛

-واگذاری غسل جنابت به بعد از طلوع فجر صادق....

ص:۲۰۲

چکیده مطالب

۱.برای درست و صحیح انجام دادن روزه،آداب زیادی وجود دارد که برخی از آن عبارت است از:تعجیل افطار،سحری نمودن،تأخیر سحری،ترک سخنان ناپسند،غسل جنابت قبل از طلوع فجر،دعای هنگام افطار،افطاری دادن،صدقه دادن،تلاوت قرآن،اعتکاف و...

۲.مکروهات روزه،عبارت است از مخالفت نمودن با آداب روزه.

پرسش ها

۱.آداب روزه را برشمارید.

۲.مراد از تعجیل افطار چیست؟

۳.مراد از سخنان ناپسند چیست؟

۴.آیا کسی که سخنان ناپسند را در حال روزه داری بزند،روزه اشض باطل می شود؟

۵.مراد از مکروهات روزه چیست؟

۶.مکروهات روزه را برشمارید.

ص:۲۰۳

درس چهل و دوم:روزه(۴)

اشاره

...وَ مَنْ کانَ مَرِیضاً أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَیّامٍ أُخَرَ یُرِیدُ اللّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُکْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُکَبِّرُوا اللّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (سوره بقره،آیه ۱۸۵)

...و کسی که بیمار یا در سفر است[باید به شماره آن،]تعدادی از روزهای دیگر[را روزه بدارد].خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد تا شماره[مقرر]را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستایید،و باشد که شکرگزاری کنید.

قضا و کفاره

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد،باید روز دیگری،به جای آن روزه بگیرد؛پس روزه ای که بعد از وقت آن،بجا آورده می شود،«روزه قضا»نام دارد.

کفاره روزه

کفاره همان جریمه ای است که برای باطل کردن روزه،معین شده است و عبارت است از:

۱.آزاد کزدن یک برده؛

۲.دو ماه روزه گرفتن؛

ص:۲۰۴

۳.سیر کردن شصت فقیر و یا دادن یک مدّ طعام به هر یک از آنها.

چون امروزه«برده»به معنای فقهی آن یافت نمی شود،مورد دوّم و سوّم را انجام می دهد؛و اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست،کفاره در ذمه او باقی می ماند و هر زمان که به یکی از اینها توانایی یافت،باید انجام دهد.

موجب کفاره

موجب کفاره،عبارت است از باطل کردن روزه ماه رمضان به وسیله آمیزش به شروط زیر:

۱.آمیزش کننده،روزه داری خویش را فراموش نکرده باشد؛

۲.آمیزش کننده،به حرام بودن این عمل در روز ماه رمضان،علم داشته باشد؛

۳.آمیزش کننده،در حال سفر نباشد.

بنابر این:

۱.اگر آمیزش به سبب فراموشی روزه صورت گیرد،کفاره ندارد،تنها قضا دارد؛

۲.اگر شخص روزه دار حرمت آمیزش در روز ماه رمضان را نداند و آمیزش کند،کفاره ندارد،ولی قضا دارد؛

۳.باطل کردن روزه غیر ماه رمضان به وسیله آمیزش،کفاره ندارد،تنها قضا دارد؛

۴.کسی که روزه خویش را به غیر از آمیزش(مثل خوردن و یا آشامیدن)عمداً باطل کند،کفاره ندارد،بلکه تنها قضای آن روز را انجام می دهد.

کفاره به چه کسی واجب می شود؟

کفاره تنها به زوج[شوهر]واجب می شود،ولی به زوجه[زن]واجب نیست،هرچند روزه دار باشد.

احکام قضا

۱.اگر روزه دار چند روز از ماه رمضان را به خاطر مسافرت و یا مریضی

روزه نگیرد،بر او واجب است که قبل از حلول ماه رمضانِ سال بعد،قضایش را بجا آورد.

۲.اگر به خاطر سهل انگاری قضایش را بجا نیاورد و رمضان بعدی داخل شود،گنه کار می شود و لازم است که همراه با قضای آن روزها،فدیه نیز پرداخت کند.

۳.مراد از فدیه،دادن یک مدّ طعام به فقیر در مقابل هر روز از غذای غالب جامعه می باشد.یک مدّ،تقریباً ۶۰۰گرم می باشد.

۴.اگر قضای روزه ماه رمضان را به جهت استمرار و ادامه عذر شرعی انجام ندهد و رمضان بعدی وارد شود،فدیه لازم نباشد،بلکه قضا را بجا می آورد.

۵.اگر زن بارداری و یا شیردهی به خاطر خوفی که برای خودش احتمال می دهد،روزه اش را باطل کند،بر او تنها قضای آن روزها قبل از حلول ماه رمضان بعدی واجب می شود.

۶.اگر زن بارداری و یا شیردهی به خاطر خوفی که برای نوزادش احتمال می دهد،روزه اش را باطل کند،باید علاوه بر قضای آن روزها قبل از حلول ماه رمضان بعدی،برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

روزه مسافر

کسی که به حد اقل ۸۳ کیلومتر سفر کرده و سفرش هم مباح باشد،جایز است که روزه آن روز را نگیرد،ولی باید قضای آن را بجا آورد.

زکات فطره

۱.کسی که در آخرین جزء ماه رمضان و اولین جزء شوال زنده باشد،زکات فطره بر او واجب است.

۲.زکات فطره بر هر فرد مسلمانی که علاوه بر معاش خود و خانواده اش،در شب و روز عید چیزی داشته باشد،واجب است و باید زکات فطر خود و افراد تحت تکفلش را بپردازد.

مقدار زکات فطره

برای خودش و کسانی که نانخور او هستند،مانند همسر و فرزند،هر نفر،یک صاع که حدوداً ۲۱۷۲ گرم است.

جنس زکات فطره

۱.زکات فطره از چهارده نوع غذا،پرداخت می شود:گندم،جو،ذرت،برنج،نخود،عدس،لوبیا،باقلاء،خرما،کشمش،کشک،شیر و پنیر.

۲.پرداخت پول به جای غذا در زکات فطره کفایت می کند.

وقت پرداخت زکات فطره

اگرچه پرداخت زکات فطره از اوّل رمضان تا قبل از نماز عیـد فطر جایز است،ولی بهترین وقت بعد از نماز صبح روز عید فطر و قبل از اقامه نماز عید می باشد.

ص:۲۰۷

چکیده مطالب

۱.اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد،باید روز دیگری،به جای آن روزه بگیرد که آن را«روزه قضا»گویند.

۲.کفاره همان جریمه ای است که برای باطل کردن روزه،معین شـده است و عبارت است از:آزاد کزدن یک برده؛دو ماه روزه گرفتن؛سیر کردن شصت فقیر و یا دادن یک مدّ طعام به هر یک از آنها.

۳.موجب کفاره،عبارت است از باطل کردن روزه ماه رمضان به وسـیله آمیزش به شروط زیر:آمیزش کننده،روزه داری خویش را فراموش نکرده باشـد؛آمیزش کننده،به حرام بودن این عمل در روز ماه رمضان،علم داشـته باشد؛آمیزش کننده،در حال سـفر نباشد.

۴.کسـی که روزه خویش را به غیر از آمیزش(مثل خوردن و یا آشامیدن)عمداً باطل کند،کفاره ندارد،بلکه تنها قضای آن روز را انجام می دهد.

۵.کفاره تنها به زوج[شوهر]واجب می شود،ولی به زوجه[زن]واجب نیست،هرچند روزه دار باشد.

۶.کسی که به حد اقل ۸۳ کیلومتر سفر کرده و سفرش هم مباح باشد،جایز است که روزه آن روز را نگیرد،ولی باید قضای آن را بجا آورد.

۷.کسـی که در آخرین جزء ماه رمضان و اولین جزء شوال زنـده باشـد،زکات فطره بر او واجب است.او برای خودش و کسانی که نانخور او هستند،مانند همسر و فرزند،هر نفر،یک صاع که حدوداً ۲۱۷۲ گرم است،پرداخت خواهد کرد.

ص:۲۰۸

پرسش ها

۱.مراد از روزه قضا چیست؟

۲.کفاره روزه را تعریف و موارد آن را نام ببرید.

۳.موجب کفاره روزه چیست؟توضیح دهید.

۴.برای چه کسی روزه نگرفتن جایز است؟آیا از او قضای روزه نیز ساقط می شود؟

۵.مراد از زکات فطره چیست؟

۶.مقدار زکات فطره چه مقدار است؟

ص:۲۰۹

درس چهل و سوم:زکات

اشاره

عن أنس(رضـی الله عنه)قـال:أتی رجـلٌ من تمیم رسولَ الله صـلی الله علیه و آله فقـال:یاَ رَسُولَ اللهِ!إنِّی ذُو مَالٍ کَثِیرٍ وَ ذُو أهْلٍ وَ مَـالٍ وَ حَاضِـرَهٍ؛فـأخْبِرْنِی کَیـفَ أصْـنَعُ وَ کَیفَ أُنْفِقُ؟فَقَـالَ رَسُولُ اللهِ صـلی الله علیه و آله:«تُخْرِجِ الزَّکَـاهَ مِنْ مَالِـکَ فإنَّهَـا طُهْرَهٌ تُطَهِّرُکَ،وَ تَصِلْ أقرَبَاءَکَ وَ تَعْرِفْ حَقَّ الْمِسْکِینِ وَ الْجَارِ و السَّائِلِ».(مسند احمد؛ح:۱۲۱۷۶)

انس گویـد:مردی از قـبیله تمیم حضور پیـامبر صـلی الله علیه و آله شـرفیاب شـد و عرض کرد:ای رسول خـدا!من دارای ثروت زیاد،صاحب اهل فراوان و پذیرای مهمانان بی شـماری هستم؛به من دستور فرمائید چه گونه رفتار نمایم و در انفاق مال خویش چه روشـی داشـته باشم؟رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمودند:زکات مال خویش را پرداخت نما،چرا که آن پاکیزه گی ای است که تو را پاک خواهد کرد؛با نزدیکان خویش به نحو نیکو ارتباط داشـته باش و حقوق مسـکین،همسایه و پرسـنده محتاج را بدان.

معنای زکات و حکم آن

۱.زکات در لغت به معنای«افزایش»،«برکت»،«پاکی»و«مدح»است.

۲.زکـات در اصـطلاح شـرع و فقه عبـارت است از مقـداری از مـال که بـا کیفیت مخصوصـی به خـاطر پـاک نمـودن امـوال و ثروت،در راه خدا به افراد مستحق داده می شود.

۳.منظور از«کیفیت مخصوص»آن است که آن مال باید برخی شرایط را دارا باشد،موانعی در کار نباشد،زکات دهنده همراه با نیت آن را به کسانی که استحقاق گرفتن زکات را دارند،ادا نماید.

۴.زکات،یکی از ارکان مهم اسلام است و منکر وجوب آن به اجماع امّت کافر است.

۵.حکمت وجوب زکات زیاد است،از جمله:

-نفع رساندن به نیازمندان و درماندگان؛

-افزایش و رشد مال و ثروت؛

-پاک نمودن مال و ثروت از آلودگی معنوی؛

-پیرایش نفس از اخلاق ناپسند،همچون بخل و حرص؛

-آرایش نفس با اخلاق پسندیده،همچون جود،بخشش،ایثار و....

انواع زکات

۱.زکات بر دو نوع است:

-زکات فطر؛

-زکات مال.

۲.زکات مال بر دو قسم است:

-زکات قیمت؛

-زکات عین.

۳.زکاتی که به کالاهای تجارتی تعلق دارد،زکات قیمت نامند.

۴.زکات چهارپایان،طلا و نقره،زراعت و میوه را زکات عین گویند.

۵.در ده چیز پرداخت زکات واجب است:

۱)شتر۲)گاو۳)گوسفند۴)طلا

۵)نقره۶)حبوبات و دانه ها(گندم،جو،برنج،عدس،نخود،ذره و...)۷)خرما۸)انگور۹)کالاهای تجاری۱۰)معدن و رُکاز

۶.در چهارپایان دیگر،همچون اسپ،زکات زمانی واجب است که آنها مال التجاره باشند؛۷.پرداخت زکات در اسکناس نیز واجب است،چرا که در واقع پشتوانه ارزش اسکناس همان ارزش طلا و نقره است.

شرایط وجوب پرداخت زکات

۱.شرایط وجوب زکات عبارت است از:

-اسلام؛

-رسیدن مال به حد نصاب؛

-مالکیت کامل؛

-معین و مشخّص بودن مالک؛[بنابر این در مال برده که مالک آن معیین نیست و نیز در مال بیت المال زکات واجب نیست.]

-گذشتن یک سال قمری که به آن«حَوْل»گویند؛البته حوْل در پنج مورد شرط نیست،بلکه فی الفور زکات واجب می شود:

حبوبات و میوه ها؛گنج؛معادن؛توله چهارپایان؛سود تجارت که تبدیل به پول نشود.

۲.علاوه بر پنج شرط قبلی،برای زکات چهارپایان دو شرط دیگر نیز وجود دارد:

-در اکثر سال بچرد؛یعنی صاحبش با علم به اینکه مالک آنهاست،چهارپایان را برای چریدن رها کند که اکثر سال از گیاه مباح بچرند؛

-حیوانِ کاری نباشد؛حیوان کاری،حیوانی است که در شخم زدن و باربری مورد استفاده قرار می گیرد.

ص:۲۱۲

چکیده مطالب

۱.زکات در لغت به معنای«افزایش»،«برکت»،«پاکی»و«مدح»و اصطلاح شرع و فقه عبارت است از مقداری از مال که با کیفیت مخصوصی به خاطر پاک نمودن اموال و ثروت،در راه خدا به افراد مستحق داده می شود.

۲.زکات،یکی از ارکان مهم اسلام که دارای حکمت زیادی است و منکر وجوب آن به اجماع امّت محکوم به کفر می باشد.

۳.زکات بر دو نوع است:زکات فطر و زکات مال.

۴.زکات مال بر دو قسم است:زکات قیمت-زکاتی که به کالاهای تجارتی تعلق دارد-و زکات عین یعنی زکات چهارپایان،طلا و نقره،زراعت و میوه.

۵.در ده چیز پرداخت زکات واجب است:شتر،گاو،گوسفند،طلا،نقره،حبوبات و دانه ها(گندم،جو،برنج،عدس،نخود،ذره و...)،خرما،انگور،کالاهای تجاری،معدن و رُکاز.

۶.پرداخت زکات در اسکناس نیز واجب است.

۷.شرایط وجوب زکات عبارت است از:اسلام؛رسیدن مال به حد نصاب؛مالکیت کامل؛معین و مشخّص بودن مالک؛گذشتن یک سال قمری.

۸.برای زکات چهارپایان دو شرط دیگر نیز وجود دارد:در اکثر سال بچرد و حیوانِ کاری نباشد.

ص:۲۱۳

پرسش ها

۱.زکات را در لغت و اصطلاح شرع بیان کنید.

۲.حکم منکر زکات چیست؟چرا؟

۳.انواع زمات را نام ببرید.

۴.زکات مال بر چند قسم است؟توضیح دهید.

۵.در چند چیز پرداخت زکان واجب است؟

۶.شرایط وجوب زکات را نام ببرید.

۷.شرایط خاص زکات چهارپایان را بیان کنید.

ص:۲۱۴

درس چهل و چهارم:نصاب زکات(۱)

اشاره

إن النبی صلی الله علیه و آله قال:«فِی الإِبِلِ صَدَقَتُهَا وَ فِی الْغَنَمِ صَدَقَتُهَا وَ فِی الْبَقَرِ صَدَقَتُهَا و فِی البَزِّ صَدَقَتُهَا»(سنن الدار قطنی؛ح:۱۶۹۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:در شتر،گوسفند،گاو و متاع تجاری صدقه[زکات]وجود دارد.

نصاب چیست ؟

۱.نصاب،همان حد اقل مقداری از مال است که با وجود آن زکات بر مال تعلق می گیرد.

۲.هر یک از انواع زکات،نصاب خاصی دارند که به طور جداگانه بیان خواهیم کرد.

نصاب چهارپایان

نصاب شتر

۱.شتر،چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام،مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.

۲.اولین نصاب شتر،پنج رأس شتر است؛بنابر این در کمتر از پنج رأس

شتر،زکاتی وجود ندارد.

۳.انواع نصاب و زکات شتر در جدول زیر ارائه شده است:

ص:۲۱۶

۴.اگر کسی دارای ۳۶ رأس شتر باشـد و بنت لبون نـدارد،می تواند یک شتر سه ساله(حقه)را به عنوان زکات پرداخت نماید و کسری قیمت را جبران کند که آن حدوداً به ارزش دو رأس گوسفند است.

نصاب گاو

۱.گاو نیز چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام،مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.

۲.در زکات گاو،اولین نصاب،سی رأس است؛بنابر این،در کمتر از سی رأس زکاتی تعلق نمی گیرد.

۳.انواع نصاب و مقدار زکات گاو در جدول زیر آورده شده است:

ص:۲۱۷

نصاب گوسفند

اشاره

۱.گوسفند نیز چندین نصاب دارد،لذا مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.

۲.اولین نصاب گوسفند،چهل رأس است؛بنابر این،در کمتر از چهل رأس گوسفند،زکاتی واجب نخواهد شد.

۳.انواع نصاب و زکات گوسفند در جدول زیر آورده شده است:

برخی احکام زکات چهارپایان

۱.پرداخت زکاتِ نوعی از چهارپایان به جای نوع دیگری از آن،به شرط مراعات نمودن قیمت جایز بوده و کفایت می کند.

۲.اگر شخصی دارای ۳۰ رأس بز و ۱۰ رأس گوسفند باشد،باید یک رأس بزی که قیمت آن٪۷۵ قیمت بز و٪۲۵ قیمت گوسفند است،به عنوان زکات پرداخت نماید.

چکیده مطالب

۱.نصاب،همان حد اقل مقداری از مال است که با وجود آن زکات بر مال تعلق می گیرد و هر یک از انواع زکات،نصاب خاصی دارند.

۲.شتر،گاو و گوسفند چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام،مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود.

۳.پرداخت زکاتِ نوعی از چهارپایان به جای نوع دیگری از آن،به شرط مراعات نمودن قیمت جایز بوده و کفایت می کند.

پرسش ها

۱.مراد از نصاب چیست؟

۲.آیا برای هر نوع زکاتی نصاب واحدی وجود دارد؟

۳.نصاب شتر را بیان کنید.

۴.در ۵۵ رأس شتر چه مقدار زکات واجب است؟

۵.نصاب گاو را بیان کنید.

۶.در ۸۷ رأس گاو چه مقدار زکات واجب می شود؟

۷.حد اقل تعداد گوسفندان که زکات بر آن واجب می شود،چه مقدار است؟

۸.در ۲۴۵ رأس گوسفند باید چه مقدار زکات پرداخت کرد؟

۹.اگر شخصی دارای ۲۰ رأس بز و ۲۰ رأس گوسفند باشد،چگونه زکاتش محاسبه می شود؟

درس چهل و پنجم:نصاب زکات(۲)

اشاره

إن النبی صلی الله علیه و آله قال:«فلَیسَ عَلَیکَ شَیءٌ-یعنی فِی الذَّهَبِ-حَتَّی یکُونَ لَکَ عِشْرُونَ دِینَاراً،فَإذَا کَانَتْ لَکَ عِشْرُونَ دِینَاراً وَ حَالَ عَلَیهَا الْحَوْلُ فَفِیهَا نِصْفُ دِینَارٍ؛فَمَا زَادَ فَبِحِسَابِ ذلِکَ...».(سنن ابی داود؛ح:۱۳۵۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:تا رسیدن مقدار طلا به بیست دینار،بر تو چیزی واجب نباشد.هر گاه دارای بیست دینار شدی و بر آن یک سال گذشت،در آن مقدار نیم دینار واجب گردد؛بیش از این مقدار به همین منوال حساب می شود....

نصاب طلا و نقره

۱.نصاب طلا بیست مثقال است و در کمتر از بیست مثقال،زکات واجب نشود.

۲.مثقال دو نوع است:

-مثقال عجمی:هر مثقال مساوی با ۴/۸ گرم است؛پس:۲۰ مثقال۹۶گرم؛

-مثقال عراقی:هر مثقال مساوی با ۵ گرم است؛پس:۲۰ مثقال۱۰۰گرم؛

۳.مصلحت مستحقین زکات اقتضا می کند که احتیاطاً در زکات طلا مثقال عجمی را معتبر بدانیم؛از این رو در نصاب طلا ۹۶ گرم به اعتبار گرفته می شود.

۴.مقدار زکاتی که در ۹۶ گرم طلا واجب است،۲/۴گرم طلا- بوده و پس از گذشت یک سال قمری به نیت زکات پرداخت می شود.

۵

ص:۲۲۰

.نصاب نقره،دویست درهم است و در کمتر از دویست درهم،زکاتی تعلق نمی گیرد.

۶.هر ده درهم هموزن هفت مثقال است و هفت مثقال مساوی با ۳۳/۶ گرم می باشد؛

پس:۲۰[ده درهم]*۳۳/۶۶[هفت مثقال]۶۷۲ گرم

۷.مقدار زکاتی که در ۶۷۲ گرم نقره تعلق می گیرد،۱۶/۸ گرم نقره است که پس از گذشت یک سال قمری به نیت زکات پرداخت می شود.

۸.به ظروف و وسائل طلایی و نقره ای زکاتی تعلق نمی گیرد.

۹.نسبت به زیورآلات و آرایش های طلایی زن و همچنین نقره ای زن و مرد،اگر در عرف به حد اسراف نرسد،زکات تعلق نمی گیرد.

نصاب حبوبات و دانه ها

۱.نصاب در حبوبات و دانه ها حد اقل پنج وسق است؛هر وسق،شصت صاع است که حدوداً پانصد کیلوگرم می باشد.

۲.مقدار و اندازه واجب در زکات حبوبات،به شرح زیر است:

-در حبوباتی که به وسیله آب رودخانه،باران و یا آب جاری آبیاری می شوند،به مقدار یک دهم(٪۱۰)زکات واجب می شود؛

-در حبوباتی که با هزینه و زحمت آبیاری شوند-مثلاً آب از چاه استخراج شود-یک بیستم(٪۵)زکات تعلق می گیرد.

نصاب میوه ها

۱.منظور از میوه هایی که پرداخت زکات در آنها واجب است،خرما و انگور می باشد.اما نسبت به سایر میوه ها-همچون انار،گلابی،سیب،خربزه،هلو و...-زکات واجب نیست.

۲.زکات میوه مشروط به موارد زیر است:

-خوراکی باشد؛

-قوتِ اختیاری باشد؛

-صلاحیت ذخیره کردن داشته باشد؛

-همه یا بعضی از آن رسیده باشد؛

-خودرو نباشد.

۳.نصاب زکات میوه ها،پنج وسق-یعنی حدود ۵۰۰ کیلوگرم-است.

۴.هر گاه میوه خشک شود،مقدار آن تعیین و سپس زکات آن داده می شود.

۵.مقدار و اندازه واجب در زکات میوه ها،همانند زکات حبوبات است.

نصاب کالاهای تجاری

۱.کالای تجاری(مال التجاره)،دربرگیرنده همه اموال از حیوان و غیر آن است که به منظور تجارت در مقابل طلا یا نقره و یا...معامله می شود.

۲.شرایط زکات در کالاهای تجاری:

-کالاهای تجاری باید از طریق معامله(داد و ستد)به دست آمده باشد؛

-قصد نگهداری کالا و استفاده شخصی نداشته باشد،بلکه قصد تجارت داشته باشد؛

-از زمان مالکیت باید یک سال قمری گذشته باشد؛

-همه کالاهای تجاری در وسط سال تبدیل به نقد نشود؛

-قیمت کالا در آخر سال به حد نصاب برسد.

۳.نصاب کالاهای تجاری همانند نصاب طلا و نقره است؛یعنی زمانی که ارزش کالا به مقدار ۹۶گرم طلا و یا به قدر ۶۷۲گرم نقره رسید،زکات در آن واجب می شود.

۴.مقدار زکات واجب در کالاهای تجاری یک چهلم(٪۲/۵)است.

۵.دادن زکات از اصل کالای تجاری کفایت نمی کند،بلکه باید قیمت آن پرداخت شود.

نصاب معدن و رکاز

۱.مراد از معدن و رُکاز،طلا و یا نقره ای است که از زیر زمین استخراج می شوند:

-اگر طلا و یا نقره از مواد دیگر زیرزمینی تصفیه و استخراج شود،آن را معدن گویند؛

-اگر طلا و یا نقره ای قبل از اسلام زیر زمین دفن شده است،به آن رُکاز گویند.

۲.نصاب معدن و رکاز،همان نصاب طلا و نقره است.

۳.گذشت سال قمری برای وجوب زکات معدن و رکاز شرط نیست،بلکه زکات آن فوری واجب می شود.

۴.مقدار زکات واجب:برای معدن:یک چهلم٪۲/۵؛برای رکاز:یک پنجم٪۲۰.

ص:۲۲۳

چکیده مطالب

۱.نصـاب طلاـ بیست مثقـال است و مصـلحت مسـتحقین زکات اقتضا می کنـد که احتیاطاً در زکات طلا مثقال عجمی را معتبر بدانیم.

۲.نصاب نقره،دویست درهم است وهر ده درهم هموزن هفت مثقال است و هفت مثقال مساوی با ۳۳/۶گرم می باشد.

۳.نصاب در حبوبات و دانه ها حـد اقل پنـج وسق است؛مقدار و اندازه واجب در حبوباتی که به وسـیله آب رودخانه،باران و یا آب جاری آبیاری می شوند،به مقدار یک دهم(٪۱۰)و در حبوباتی که با هزینه و زحمت آبیاری شوند یک بیسـتم(٪۵)زکات تعلق می گیرد.

۴.میوه هایی که پرداخت زکات در آنها واجب است،خرما و انگور می باشد و زکات میوه مشروط به مواردی است.

۵.نصاب زکات میوه ها،پنج وسق بوده و مقدار و اندازه واجب در زکات آن،همانند زکات حبوبات محاسبه می شود.

۶.کالاـی تجـاری(مـال التجـاره)،دربرگیرنـده همه اموال از حیوان و غیر آن است که به منظور تجـارت در مقابـل طلا یا نقره و یا...معامله می شود.

۷.نصاب کالاهای تجاری همانند نصاب طلا و نقره بوده و مقدار زکات واجب در کالاهای تجاری یک چهلم(٪۲/۵)است.

۸.مراد از معـدن طلا و یا نقره ای که از مواد دیگر زیرزمینی تصـفیه و اسـتخراج شده و مراد از رُکاز،طلا و یا نقره ای است که قبل از اسلام زیر زمین دفن شده و سپس استخراج شده است.

۹.نصـاب معـدن و رکـاز،همـان نصـاب طلاـ و نقره است و مقـدار زکـات واجب:برای معـدن:یک چهلم٪۲/۵؛برای رکاز:یک پنجم٪۲۰.

پرسش ها

۱.نصاب طلا چه مقدار است؟

۲.مثقال عجمی با مثقال عراقی چه تفاوتی دارد؟

۳.در باب زکات کدام نوع مثقال از اعتبار بیشتر برخوردار است؟چرا؟

۴.در دو نصاب از طلا چه مقدار زکات واجب می شود؟

۵.نصاب نقره را بیان کنید.

۶.در ۳۰۰ درهم نقره چه مقدار زکات واجب می شود؟

۷.نصاب حبوبات را بیان کنید.

۸.آیا برای هر نوع میوه ای زکات واجب می شود؟توضیح دهید.

۹.مراد از کالای تجاری چیست؟

۱۰.نصاب کالای تجاری و مقدار زکات واجب در آن را بیان کنید.

۱۱.تفاوت معدن با رکاز چیست؟

۱۲.وجوب زکات معدن و رکاز چگونه است؟

۱۳.مقدار زکات واجب برای معدن به نسبت مقدار زکات واجب برای رکاز چگونه است؟توضیح دهید.

ص:۲۲۵

درس چهل و ششم:مصرف کنندگان زکات

اشاره

قال الله تعالی:

إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَهً مِنَ اللّهِ وَ اللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (سوره توبه،آیه ۶۰)

زکاتها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای(جمع آوری)آن(زحمت می کشند)،و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود،و برای(آزادی)بردگان،و(ادای دین)بدهکاران،و در راه خدا،و واماندگان در راه؛این،یک فریضه(مهم)الهی است؛و خداوند دانا و حکیم است !

مستحقین زکات

مستحقین زکات-یعنی کسانی که حق استفاده و مصرف کردن از زکات را دارند-هشت دسته اند:فقیران،مسکین ها،عامل زکات،مؤلفه القلوب،مکاتَب،غارم،کسانی که در راه خدا تلاش می کنند و در راه ماندگان.

فقیر

فقیر کسی است که مال و کسبی ندارد و برای بقیه عمرش به طعام،لباس و مسکنِ کافی دسترسی نداشته باشد؛همانند کسی که روزی به ده تومان نیازمند باشد،ولی سه یا چهار تومان به او می رسد.

مسکین

مسکین کسی است که دارای کسب و مال است،هرچند برای او کفایت نکند؛همانند کسی که روزی به ده تومان نیازمند باشد،ولی هفت یا هشت تومان به او برسد.

عامل زکات

۱.عامل زکات،کسی است که در جمع آوری زکات سهمی دارد،مانند گردآورنده،حسابدار،نویسنده و...

۲.حقوق عامل زکات،از زکات جمع آوری شده توسط امام پرداخت می شود.

مؤلفه القلوب

۱.مؤلفه القلوب،چهار دسته اند:

-تازه به اسلام گرویده ای که ایمان او ضعیف باشد؛

-کسی که مسلمان شده و در میان طایفه خود آبرو و عنوان دارد و کمک مالی به او از راه اعطای زکات،سبب اسلام دیگران شود؛

-مسلمانی که به وسیله زکات دادن به او،مسلمانان از شرّ قبیله کافر او مصون و محفوظ بمانند؛

-مسلمانی که در گرفتن زکات از مانع الزکات،مسلمین را حمایت نماید.

۲.به مؤلفه القلوب سهمی از زکات زمانی داده می شود که به آنان نیاز باشد و در غیر این صورت،پرداخت زکات به آنها جایز نباشد.

مکاتب

۱.مُکاتَب،برده ای است که اربابش با او قرارداد بسته که مبلغی را به اقساط معین در مدّت مقرّر بپردازد و پس از پرداخت آخرین قسطف ازاد شود.

۲.قرارداد مذکور در اصطلاح فقهی«کتابت»،اقساط پرداختی«نجوم»و برده مذکور را«مکاتب» گویند.

غارم

غارم،به معنی بدهکار است که چهار دسته اند:

-کسی که برای اصلاح دو شخص متخاصم قرض کرده باشد؛

-کسی که برای مصلحت عامه-همانند تعمیر مسجد-قرض کرده باشد؛

-کسی که برای خود قرض کرده باشد تا در راه مباح صرف کند؛

-کسی که ضامن کسی یا چیزی شده و این ضمانت منجر به دادن غرامت شده است و برای این منظور قرض کرده باشد.

سبیل الله

۱.مراد از«...سبیل الله»،کسانی که در راه خدا با رغبت و میل تلاش می کنند که آنها را جهادگران نامند.

۲.زکات به جهادگران تعلق می گیرد،هرچند آنان نیاز نداشته باشند.

ابن سبیل

۱.ابن سبیل:

-مسافر درمانده یا است که از شهر زکات دهندگان آغاز سفر نماید و یا از آن جا عبور کند و نیازمند به مبلغی است که او را به مقصد برساند؛

-غریبی است که از اموال و شهر خود دور افتاده باشد.

۲.شرایط ابن سبیل در برخورداری از زکات به شرح ذیل است:

-نیازمند باشد؛

-سفرش مباح باشد؛

-هدف و مقصد درستی داشته باشد.

نکته مهم

همه مصرف کنندگان هشتگانه زکات،باید دارای شرایط زیر باشند:

۱.اسلام؛

۲.آزاد بودن؛

۳.نفقه و تأمین مالی او بر زکات دهنده واجب نباشد.

کیفیت توزیع زکات

زکات به دسته های موجود هشتگانه مصرف کنندگان زکات پرداخت می شود:

-اگر همه هشت دسته موجود باشند،بدون محروم کردن دسته ای،به همه پرداخت می شود؛

-اگر دسته ای موجود نباشد،سهم آن دسته به بقیه توزیع می شود؛

-اگر نیاز دسته ای براورده شود و مال الزکات اضافه بیاید،به دیگر دسته ها توزیع می شود؛

-زکات میان دسته های هشتگانه به طور مساوی تقسیم می گردد؛

-لازم نیست زکات میان افراد یک دسته به صورت مساوی تقسیم شود،بلکه با توجه به نیازشان توزیع خواهد شد.

ص:۲۲۹

چکیده مطالب

۱.مستحقین زکات هشت دسته اند:فقیران،مسکین ها،عامل زکات،مؤلفه القلوب،مکاتَب،غارم،کسانی که در راه خدا تلاش می کنند و در راه ماندگان.

۲.فقیر کسی است که مال و کسبی ندارد و برای بقیه عمرش به طعام،لباس و مسکنِ کافی دسترسی نداشته باشد؛اما مسکین کسی است که دارای کسب و مال است،هرچند برای او کفایت نکند؛

۳.عامل زکات،کسی است که در جمع آوری زکات سهمی دارد

۴.مؤلفه القلوب،چهار دسته اند:۱)تازه به اسلام گرویده؛۲)کسی که مسلمان شده و کمکِ مالی به او،سبب اسلام دیگران شود؛۳)مسلمانی که به وسیله زکات دادن به او،مسلمانان از شرّ قبیله کافر او مصون و محفوظ بمانند؛۴)مسلمانی که در گرفتن زکات از مانع الزکات،مسلمین را حمایت نماید.

۵.مُکاتَب،برده ای است که اربابش با او قرارداد بسته که مبلغی را به اقساط معین در مدّت مقرّر بپردازد و پس از پرداخت آخرین قسط ازاد شود.

۶.غارم به معنی بدهکار است که چهار دسته اند؛

۷.مراد از«...سبیل الله»،کسانی که در راه خدا با رغبت و میل تلاش می کنند که آنها را جهادگران نامند.

۸.ابن سبیل:۱)مسافر درمانده؛۲)غریبی است که از اموال و شهر خود دور افتاده باشد.

۹.زکات به دسته های موجود هشتگانه مصرف کنندگان زکات پرداخت می شود.

ص:۲۳۰

پرسش ها

۱.مراد از مستحقین زکات چیست؟

۲.مستحقین زکات را نام ببرید.

۳.فقیر با مسکین چه تفاوتی دارند؟

۴.مراد از عامل زکات چیست؟

۵.مؤلفه القلوب چند دسته اند؟هر یک را توضیح دهید.

۶.مکاتب کیست؟

۷.غارم به چه معناست؟چند دسته است؟

۸.مراد از«سبیل الله»چیست؟

۹.ابن سبیل را توضیح دهید.

۱۰.شرایط مستحقین زکات کدام است؟

۱۱.کیفیت توزیع زکات به مستحقین را توضیح دهید.

درس چهل و هفتم:امر به معروف و نهی از منکر(۱)

اشاره

قال الله تعالی:

وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (سوره آل عمران،آیه ۱۰۴)

باید از میان شما،جمعی دعوت به نیکی،و امر به معروف و نهی از منکر کنند!و آنها همان رستگارانند.

تعالیم وحیانی اسلام هر انسانی را در برابر مسائل اجتماعی مسئول می داند.هر کسی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می پذیرد و کارهای نیک و پسندیده ای ترک می شود،مسئولیت دارد.از این رو،اگر کار واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد،سکوت و بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و همه افراد جامعه برای برپایی واجب و جلوگیری از حرام اقدام کنند که این عمل را«امر به معروف»و«نهی از منکر»نامند.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

از آیات و روایات اسلامی برمی آید که امر به معروف و نهی از منکر آثار فوق العاده ای دارد و جامعه مسلمانان این واجب الهی را باید مورد توجه قرار دهند.در برخی آیات و روایات چنین آمده است (۱):

۱- (۱) .برگرفته از«احیاء علوم الدین»امام محمد غزالی؛ج۲،ص۳۰۶-۳۰۸.

-امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است؛

-سعادت و رستگاری برای کسانی است که امر به معروف و نهی از منکر را برپا می دارند؛

-قیام به امر به معروف و نهی از منکر،نشانه صلاح و موجب تکامل انسان مؤمن می باشد؛

-یکی از صفات مؤمنین واقعی،اقدام به امر به معروف و نهی از منکر است؛

-بی توجهی به امر به معروف و نهی از منکر و ترک آن گناه کبیره بوده و موجب لعنت خداوند است؛

-خیریت و نیکویی امّت اسلام بسته به برپایی امر به معروف و نهی از منکر است؛

-امر به معروف و نهی از منکر در اهمیت کمتر از نماز و زکات نیست؛

-اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند:عذاب فراگیر خداوند همه را یکجا دربر خواهد گرفت؛بدترین انسان ها بر مردم مسلّط خواهند شد و دعاهای نیکوترین انسان ها اجابت نخواهد شد...

تعریف معروف و منکر

تعریف معروف:هر گونه سخن و رفتاری که موجب رضایت و خوشنودی پروردگار باشد،«معروف»نامیده می شود.

بنابر این،می توان همه واجبات و مستحبات احکام دین را از مصادیق معروف دانست.

تعریف منکر:هر گونه سخن و رفتاری که بر خلاف رضایت و خوشنودی پروردگار باشد،«منکر»نامیده می شود.

از این رو،مصادیق منکر در احکام دین کلیه محرّمات و مکروهات خواهد بود.

با توجه به تعاریف معروف و منکر،گفته اند:

-«امر به معروف»عبارت است از واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب؛

-«نهی از منکر»عبارت است از بازداشتن مردم از کارهای حرام و مکروه.

ص:۲۳۳

ارکان امر به معروف و نهی از منکر

در کتب فقهی اصطلاح کلی ای که تمام مسائل امر به معروف و نهی از منکر را شامل می شود،«حِسبه»نام دارد.حسبه دارای چهار رکن است:

۱.المحتسِب:کسی که قیام به امر به معروف و نهی از منکر می کند؛

۲.المحتسب علیه:کسی که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد؛

۳.المحتسب فیه:کار و فعلی که باعث امر به معروف و نهی از منکر می گردد؛

۴.الاحتساب:امر به معروف و نهی از منکر و نحوه انجام دادن آن.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

برای هر کدام از ارکان های چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر شرایط خاصی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

شرایط محتسب

۱.بالغ و رشید و از اهل تکلیف باشد؛

۲.ایمان داشته باشد؛چرا که امر به معروف و نهی از منکر برای یاری دین و تقویت احکام شریعت قرار داده شده است و چگونه کسی که خود به دین و احکام آن ایمان ندارد،دیگری را به آن فرا می خواند؟!

۳.عادل باشد؛یعنی کسی که علناً گناه نکند،چرا که خداوند فرموده: یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا ـ تَفْعَلُونَ (۱)ای کسانی که ایمان آورده اید!چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟ ! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید !

البته برخی ها این شرط را لازم ندانسته اند.

۴.معروف و منکر را بشناسد و به آن علم داشته باشد.

ص:۲۳۴

۱- (۱) .صف،آیه۲و۳.

شرایط محتسب علیه

برای کسی که مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیردف تنها یک شرط را لازم دانسته اند و آن عبارت است از این که او انسانی باشد که در حق او آن کار ممنوعه،منکر محسوب شود.بنابر این،سن بلوغ و شرایط تکلیف را برای او شرط نکرده اند،چرا که اگر کودک و یا مجنون مرتکب منکر شوند،مورد منع و نهی قرار می گیرند.

شرایط محتسب فیه

کار و فعلی که مورد نهی و منع قرار می گیرد و باعث امر به معروف و نهی از منکر می شود،دارای چهار شرط است:

۱.منکر باشد؛یعنی فعلی است که از منظر شریعت هر کس باید از آن برحذر باشد و این اعم از گناه است.مثلاً اگر کودکی و یا مجنونی شراب مست کننده بنوشد،مورد منع و نهی قرار می گیرد،هرچند این عمل برای آن دو گناه محسوب نشود.

۲.منکر موجود باشد و یا مقدمات آن موجود باشد؛

۳.منکر بدون تجسس و تحقیق ظاهر و علنی باشد باشد؛

۴.منکر اجتهادی نباشد؛یعنی منکر بودن آن فعل قطعی باشد و از روی اجتهاد و رأی محکوم به منکر نباشد.بنابر این،اگر فعلی در یک مذهبی منکر محسوب شود و عین همان فعل در دیگر مذهب منکر محسوب نشود،در انجام امر به معروف و نهی از منکر مذهب مرتکب آن فعل در نظر گرفته می شود.

شرایط احتساب

برای احتساب که عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر و نحوه انجام آن،مراتب و آدابی است که در درس بعد به تفصیل برخی از آنها می پردازیم.

چکیده مطالب

۱.هر مسلمانی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می پذیرد و کارهای نیک و پسندیده ای ترک می شود،مسئولیت دارد.

۲.از آیات و روایات اسلامی برمی آید که امر به معروف و نهی از منکر آثار فوق العاده ای دارد و جامعه مسلمانان این واجب الهی را باید مورد توجه قرار دهند.

۳.معروف:هر گونه سخن و رفتاری که موجب رضایت و خوشنودی پروردگار باشد؛

۴.منکر:هر گونه سخن و رفتاری که بر خلاف رضایت و خوشنودی پروردگار باشد؛

۵.«امر به معروف»عبارت است از واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب؛«نهی از منکر»عبارت است از بازداشتن مردم از کارهای حرام و مکروه.

۶.حسبه دارای چهار رکن است:المحتسِب؛المحتسب علیه؛المحتسب فیه؛الاحتساب.

۷.برای هر کدام از ارکان های چهارگانه امر به معروف و نهی از منکر شرایط خاصی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره شد.

پرسش ها

۱.این عبارت را توضیح دهید:«تعالیم وحیانی اسلام هر انسانی را در برابر مسائل اجتماعی مسئول می داند.»؛

۲.امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی چه اهمیتی دارد؟

۳.معروف و منکر را تعریف کنید.

۴.مصادیق معروف و منکر در کدام امور خلاصه می شوند؟

۵.امر به معروف چیست؟

۶.نهی از منکر چیست؟

۷.مراد از حسبه چیست؟

۸.ارکان حسبه را نام ببرید.

۹.شرایط محتسب را بیان کنید.

درس چهل و هشتم:امر به معروف و نهی از منکر(۲)

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«من رأی منکم منکراً فلیغیره بیده،فإن لم یستطع فبلسانه،فإن لم یستطع فبقلبه و ذلک أضعف الإیمان».(«صحیح مسلم»/۴۹؛«سن ترمذی»/۲۱۷۲؛«سنن نسائی»۱۱۱/۸-۱۱۲)

هر کسی از شما منکری را ببیند[اگر توانست]با دست آن را تغییر دهد؛اگر نتوانست با زبان و اگر این را هم نتوانست با قلب و دلِ خویش تغییر دهد و آن[تغییر قلبی]ضعیف ترین ایمان است.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که مراعات آنها واجب است.مهم ترین آن مراتب:

مرتبه اول:شناخت منکر

شناخت موارد منکر باید از طریق صحیح انجام گیرد.بنابر این،تجسس،استراق سمع و همانند این اعمال در شناخت منکر جایز نیست،مگر از جانب امام و رهبر جامعه اسلامی مجوّز داشته باشد.

ص:۲۳۷

مرتبه دوم:شناساندن منکر

گاهی اتفاق می افتد که شخصی به خاطر جهل و نادانی مرتکب فعل منکری می شود و اگر او بداند که آن فعل در شریعت منکر و ممنوع است،ترک خواهد کرد.بنابر این،شناساندن منکر بر مرتکب آن لازم و ضروری است.

مرتبه سوم:موعظه،نصیحت و انذار

نهی از منکر به وسیله موعظه،نصیحت و ترساندن از عذاب الهی برای کسی است که با عمد و علم مرتکب گناه شده و بر آن اصرار می ورزد.

باید توجه کرد امر و نهی زبانی همواره به مهربانی و لطف استوار باشد و هرگز از خشم و غضب سرچشمه نگیرد.از این رو،به گناهکار باید دلسوزانه نگرست و مصیبت وارده بر گناهکار را،مصیبت خویش دانست.

مرتبه چهارم:امر و نهی خشن

امر و نهی شفاهی همراه با خشونت برای کسی است که از روش قبلی اصلاح نشود و بر گناه خود اصرار نماید.در این مرتبه از هر نوع دشنام،فحش،نسبت های ناروا و دروغ و تهمت جداً برحذر باشد و از الفاظی استفاده نماید که مؤثر واقع شوند و گناهکار را از ادامه گناه بازدارند.

البته،اگر بداند که این روش او را از ادامه گناه باز نخواهد داشت،سزاوار است که هیچ حرفی به زبان نیاورد و تنها بر اظهار ناراحتی،اخمف چهره عبوس و امثال آن اکتفا کند.

مرتبه پنجم:اقدام عملی و تغییر فیزیکی

زمانی که گناهکار به وعظ و نصیحت و حتی الفاظ شدید و زننده دست از گناه خویش برندارد و بر ادامه گناه خود اصرار ورزد-مثلاً بر شرب خمر ادامه دهد-محتسِب به اقدام عملی روی می آورد و با دستان خویش وضع را تغییر

ص:۲۳۸

می دهد(در مثال بالا،شیشه خمر را می شکند).

در اقدام عملی سه امر متصور است:

۱.زجر و بازداشت؛این امر جهت جلوگیری از ادامه ارتکاب گناه کاربرد دارد؛

۲.مجازات و عقوبت؛این امر به خاطر کناهانی که در گذشته انجام گرفته است،به کار گرفته می شود؛

۳.دفع و منع؛این امر جهت جلوگیری از گناه در حال انجام آن کاربرد دارد.

باید توجه داشت که برای عموم افراد جامعه مسلمانان،تنها امر سوم(دفع و منع)جایز است،ولی امر اول(زجر و بازداشت)و امر دوم(مجازات و عقوبت)بر دوش حکومت و حاکمان است.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است کسی که به معروفی امر و یا از منکری جلوگیری می کند:

-مانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان باشد؛

-اخلاص داشته باشد و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و در عمل خویش از هر گونه تفاخر،اظهار فضل و برتری جویی پرهیز نماید؛

-به این امر مهم عالمانه و با شناخت کامل وارد شود و همواره حدود شرع را مراعات نماید؛

-سعی کند بر حد اقل اکتفا نماید و اگر با کاربرد مرتبه پایین تر مقصود حاصل می شود،به اعمال مرتبه بالاتر روی نیاورد؛

-همواره بر حسن خلق و رفتار شایسته توجه کند و طرف را تحت تأثیر رفتار نیکوی خود قرار دهد...

برخی احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱.فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است،تا در امر و نهی مرتکب خلاف نشود.

۲.قبل از انجام امر و نهی باور داشته باشد که امر یا نهی او تأثیر دارد؛بنابر این،اگر می داند تأثیر ندارد،امر و نهی واجب نیست.

۳.امر و نهی،سبب ضرر جانی یا ابرویی و یا ضرر مالی قابل توجه به خودش،نزدیکان،یاران،همراهان و یا سایر مؤمنان نباشد.

چکیده مطالب

۱.امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتبی است که مراعات آنها واجب است.

۲.مهم ترین آن مراتب:شناخت منکر،شناساندن منکر بر مرتکب آن،موعظه،نصیحت و انذار،امر و نهی شفاهی همراه با خشونت و اقدام عملی و تغییر فیزیکی.

۳.سزاوار است کسی که به معروفی امر و یا از منکری جلوگیری می کند:دلسوز و مهربان باشد؛اخلاص داشته باشد؛دارای شناخت کامل باشد؛حدود شرع را مراعات نماید؛بر حد اقل اکتفا نماید؛بر حسن خلق و رفتار شایسته توجه کند.

۴.فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است.

۵.قبل از انجام امر و نهی باور داشته باشد که امر یا نهی او تأثیر دارد.

۶.امر و نهی،سبب ضرر به خودش و سایر مؤمنان نباشد.

پرسش ها

۱.مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.

۲.مراد از شناخت منکر چیست؟

۳.آیا در امر به معروف و نهی از منکر شناساندن منکر بر مرتکب آن ضرورت دارد؟توضیح دهید.

۴.موعظه،نصیحت و انذار در امر به معروف و نهی از منکر بر چه امری باید استوار باشد؟

۵.امر و نهی خشن را توضیح دهید.

۶.مراد از اقدام عملی در امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

۷.آمر به معروف و ناهی از منکر چه آدابی را مراعات نماید؟توضیح دهید.

۸.حکم فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

۹.اگر بداند که امر به معروف و نهی از منکر او تأثیری نخواهد داشت،تکلیفش چیست؟

۱۰.در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر سبب ضرر جانی یا ملی بر ودش باشد،تکلیفش چیست؟

درس چهل ونهم:جهاد و دفاع

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«یا أیها الناس،لا تتمنّوا لقاء العدوّ و اسألوا الله العافیه؛فإذا لقیتموهم فاصبروا و اعلموا أنّ الجنّه تحت ظلال السیوف».(«صحیح بخاری»/۲۸۶۱؛«صحیح مسلم»/۱۷۴۲)

«ای مردم،هرگز رو در رو شدن با دشمن را آرزو مکنید و همواره از خداوند عافیت بخواهید؛اما اگر با دشمن رو در رو شدید شکیبایی پیشه کنید و بدانید که بهشت زیر سایه شمشیرهاست!»

جهاد

با طلوع خورشید اسلام،تمام مذاهب و مکاتب باطل و غیر قابل قبول است و همه افراد بشر باید برای پذیرش برنامه های آن آماده باشند؛گرچه در تحقیق و پذیرش آگاهانه آن آزادند.

در صدر اسلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین برنامه های نجات بخش اسلام را برای مردم بازگو کرده و آنان را به پذیرش این آیین فرا خوانده اند.در این میان کسانی که از برنامه ها و دستورات اسلام سرپیچی نمودند و از رسیدن پیام الهی به گوش مردم مانع می شدند و با لجاجت و سرسختی سر از دشمنی و توطئه بر علیه اسلام و مسلمین درمی آوردند،دچار خشم و غضب الهی و شمشیر قهر مسلمانان شده اند.

ص:۲۴۲

تلاش و پشتکار برای پیشبرد اسلام و توسعه جامعه مسلمانان-و از آن جمله،مبارزه با کسانی که با خودداری از پذیرش اسلام،مانع گسترش آن می شوند-«جهاد»نام دارد.

باید توجه داشت که معنای لغوی جهاد،مطلق کوشش و تلاش است،هرچند در عرف از این واژه برداشت محدود-یعنی مبارزه مسلحانه-شده است و به نظر می رسد،این برداشت ناتمام و اشتباه است.

دفاع

نوع دیگر مبارزه با دشمنان،«دفاع»نام دارد.حقّ مسلّم هر انسان ازاده ای و به ویژه حق مسلّم هر مسلمانی است که در هر زمان و در هر جای عالم که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند و یا آیین و مذهبشان در خطر بود،برای حفظ جان و پاسداری از آیین خود،با دشمنان بجنگند و آنان را از بین ببرند.

اقسام دفاع

اشاره

دفاع بر دو قسم است:

۱.دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی؛

۲.دفاع از جان و حقوق شخصی.

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن:

۱.بر کشورهای اسلامی هجوم آورد؛

۲.نقشه تسلّط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد؛

۳.نقشه تسلّط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد

بر همه مسلمانان واجب است هر گونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه های آنان مخالفت کنند.

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱.جان،مال و آبروی مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسانی حمله آورد یا به افرادی که وابسته به وی هستند-مانند پدر،مادر،همسر،دختر،پسر،برادر،خواهر و...-هجوم اورد،دفاع و جلوگیری از او واجب است.

۲.اگر دزدی برای ربودن اموال انسانی اقدام کند،دفاع از اموال و جلوگیری از او واجب است.

۳.اگر کسی به ناموس مردم به هر وسیله ای مزاحمت ایجاد کند-همانند نگاه کردن به خانه و حریم شخصی دیگران،سد راه و اذیت زبانی و دستی و...-جلوگیری او از آن کار زشت واجب است،هرچند با اعمال خشونت باشد.

ص:۲۴۴

چکیده مطالب

۱.تلاش و پشتکار برای پیشبرد اسلام و توسعه جامعه مسلمانان-و از آن جمله،مبارزه با کسانی که با خودداری از پذیرش اسلام،مانع گسترش آن می شوند-«جهاد»نام دارد.

۲.نوع دیگر مبارزه با دشمنان،«دفاع»نام دارد.

۳.دفاع بر دو قسم است:۱)دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی؛۲)دفاع از جان و حقوق شخصی.

پرسش ها

۱.چه کسانی دچار خشم و غضب الهی و شمشیر قهر مسلمانان شده اند؟

۲.جهاد در لغت به چه معناست؟

۳.تعریف اصطلاحی جهاد را بازگو نمایید.

۴.آیا برداشت امروزه از کلمه جهاد صحیح است/توضیح دهید.

۵.دفاع به چه معناست؟توضیح دهید.

۶.اقسام دفاع را نام ببرید.

۷.مراد از دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی چیست؟

۸.اگر دزدی برای ربودن اموال انسانی اقدام کند،تکلیف انسان چیست؟

برای تفکر بیشتر:آیا دفاع با بخشودن و گذشت در تضاد است؟توضیح دهید.

ص:۲۴۵

درس پنجاهم:احکام خوردن و آشامیدن(۱)

اشاره

قال الله تعالی:

یا أَیُّهَا النّاسُ کُلُوا مِمّا فِی الْأَرْضِ حَلالاً طَیِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ (سوره بقره،آیه ۱۶۸)

ای مردم!از آنچه در زمین است،حلال و پاکیزه بخورید!و از گامهای شیطان،پیروی نکنید!چه اینکه او،دشمن آشکار شماست !

درآمد

خداوند بزرگ و عطابخش نعمت ها،برای بهره برداری انسان،طبیعت زیبا و انواع خوردنی ها-از حیوانات،میوه ها و سبزیجات-را در اختیار او قرار داده است.خداوند از انسان خواسته که از نعمت های آفریده او برای خوردن و آشامیدن،پوشاک و مسکن و سایر نیازهای مادی و معنوی خویش به کار گیرد.در این میان،برای حفظ جان و سلامتی جسم و روح،بقا و تداوم نسل ها و احترام به حقوق دیگران،قوانین و مقرراتی قرار داده است که التزام عملی بر آن قوانین و مقررات،ضامن خوشیختی و سعادت او در دنیا و آخرت خواهد بود.

در این درس آنچه در مورد خوراکی ها و آشامیدنی ها مهم و لازم است،ارائه خواهد شد.

انواع خوراکی ها

خوراکی ها بر دو قسم است:

۱.خوراکی های گیاهی؛

۲.خوراکی های حیوانی.

خوراکی های گیاهی بر دو نوع است:

۱.میوه ها؛

۲.سبزیجات.

خوراکی های حیوانی بر سه نوع است:

۱.چهارپایان(که خود به اهلی و وحشی تقسیم می شود)؛

۲.پرندگان؛

۳.آبزیان.

احکام خوراکی ها

۱.تمام میوه ها و سبزیجات حلال است،مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.

۲.احکام خوراکی های حیوانی به شرح زیر است:

حیوانات حلال گوشت

۱.هر حیوانی که در عرف عرب و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پاک شمرده

می شد،حلال است:

-حیوانات آبزی؛

-چهارپایان:شتر،گاو،آنواع گوسفندان،اسب،گاو وحشی،الاغ وحشی،آهو،خرگوش...؛

۲.هر حیوانی که ناخن های ضعیف دارد و امکان شکار با آنها نیست:کفتار و روباه؛

۳.برخی حشرات:ملخ،خارپشت،موش دشتی(یربوع)،سوسمار؛

۴.انواع پرندگان:شترمرغ،مرغابی،غاز،مرغ خانگی،کلاغ کشتزار(غراب الزرع)،مرغ سنگخوار(قطا)،کبک،کبوتر،گنجشکسان ها....

حیوانات حرام گوشت

۱.اهلی:قاطر و الاغ؛

۲.هر حیوانی که ناخن ها و چنگال قوی جهت شکار دارد:سگ،خنزیر،گرگ،خرس،گربه،فیل،پلنگ،شیر،میمون و...؛

۳.برخی پرندگان:

-دارای چنگال های شکاری:کرکس،باز،شاهین،عقاب...؛

-طوطی،طاوس،رخمه(از رسته کرکس ها و گوشتخوار)،بغاث(کوچک تر از کرکس و کندپرواز)،خُطاف(سیاه رنگ و دارای دو بال دراز و دو پای کوتاه)،خفاش(شب پره).

۴.هر حیوان ضرررسانی که کشتن آن مستحب است:مار،عقرب،موش...؛

۵.انواع حشرات:مورچه،مگس،سیاه سوسک بدبوی،کرم،پشه،کنه،شپش....

چکیده مطالب

۱.خوراکی ها بر دو قسم گیاهی و حیوانی بوده،میوه ها و سبزیجات از نوع گیاهی و چهارپایان،پرندگان و آبزیان از نوع حیوانی می باشند.

۲.میوه ها و سبزیجات همه حلال است،مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.

۳.هر حیوانی که در عرف عرب و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله پاک شمرده می شد،حلال است؛از جمله:حیوانات آبزی؛چهارپایان؛هر حیوانی که دارای ناخن های ضعیف بوده و امکان شکار با انها را ندارد؛برخی حشرات و انواع پرندگان.

۴.برخی حیوانات اهلی و همچنین هر حیوانی که ناخن ها و چنگال قوی جهت شکار دارد؛برخی پرندگان که دارای چنگال های شکاری اند و هر حیوان ضرررسان و انواع حشرات حیوانات حرام گوشت به شمار می روند.

پرسش ها

۱.خداوند در قبال نعمت های بی شمار خویش از انسان چه خواسته است؟

۲.اقسام و انواع خوراکی ها را توضیح دهید.

۳.در میوه ها و سبزیجات کدام اصل حاکم است؟

۴.در کل کدام حیوانات حلال و پاک محسوب می شوند؟

۵.انواع حیوانات حلال گوشت را بیان کنید.

۶.انواع حیوانات حرام گوشت را بازگو نمایید.

ص:۲۴۹

درس پنجاه و یکم:احکام خوردن و آشامیدن(۲)

اشاره

قال الله تعالی:

یـا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ وَ الْأَنْصابُ وَ الْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ (سوره مائـده،آیه ۹۰)

ای کسـانی که ایمـان آورده ایـد!شـراب و قمـار و بتها و ازلام(نوعی بخت آزمایی)،پلیـد و از عمل شـیطان است،از آنها دوری کنید تا رستگار شوید !

انواع آشامیدنی ها

اصل در آشامیدنی ها-همانند خوراکی ها-مباح و حلال بودن است.

هر گونه مایعی که از آسـمان فرود بیایـد،از زمین بجوشد،از میوه و یا گیاهی گرفته شود و...حلال و پاکیزه است.البته،از عموم آشامیدنی ها،چند گروه هستند که به دلایلی،حرام محسوب می شوند.

بنابر این،آشامیدنی ها به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

۱.آشامیدنی های حلال و مباح؛

۲.آشامیدنی های حرام.

آشامیدنی های حرام پنج نوعند:

۱.آشامیدنی های مضر و خطرناک که باعث فساد و نابودی جسم می شوند،همانند زهر و...؛

۲.آشامیدنی هایی که نجس هستند،همانند خون جهنده،بول،شیر حیوان حرام گوشت و...؛

۳.آشامیدنی هایی که نجاست آلود شده اند،مثل آب قلیلی که در آن نجاستی واقع شده است.

۴.آشامیدنی های مست کننده چه خمر باشد-و آن شراب مست کننده ای که از انگور درست شده است-و چه غیر خمر که شرابی است مست کننده و از میوه های دیگر همچون خرما،گندم،سیب و...آماده شده است.

۵.انواع مواد مخدر و آن موادی است که باعث سستی،گرانی و خللدار شدن فعالیت عقل می شود؛همچون بنگ،افیون،حشیش و غیره.

احکام آشامیدن مسکرات

۱.هر گونه مایع مست کننده-چه خمر باشد و چه غیر خمر حرام است؛

۲.خمر و هر گونه مایع مست کننده،نجس است.

۳.احکام زیر مترتب بر نوشیدن خمر می باشد:

-حکم قضائی؛مراد از حکم قضایی آن است که شارب خمر،محکوم به حد شرعی می شود.

-حد شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده،چهل ضربه و شلاق است با وجود شرایط زیر:

-وجود بینه کامل و آن شهادت دو مرد عادل؛

-اقرار شارب.

-حکم دیانتی؛مراد از حکم دیانتی آن است که شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده باعث گناه و عصیان می شود و در جهان دیگر مرتکب این گناه با قضا و قدر الهی مستوجب عقوبت خواهد شد.

۴.هر گونه استفاده مواد مخدر حرام بوده و کسی که آن را استفاده کند،مستحق تعزیر و تنبیه قضایی می شود.

برخی استثناءات

در موارد ذیل خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:

۱.حفظ جان متوقف بر حرام باشد؛مثلاً در موقعیتی قرار گرفته است که بجز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد از گرسنگی می میرد.

۲.پزشک مجرّبی مداوای مرضی را به دوایی دستور داده است که با مایع مسکری مخلوط می باشد و اگر صفت مست کنندگی آن مایع مسکر از بین رفته باشد،مداوا نمودن با آن اشکالی ندارد.

ص:۲۵۲

چکیده مطالب

۱.اصل در آشامیدنی ها مباح و حلال بودن است.

۲.آشامیدنی ها به دو دسته کلی تقسیم می شوند:۱)آشامیدنی های حلال و مباح؛۲)آشامیدنی های حرام.

۳.آشامیدنی های حرام پنج نوعند:۱)آشامیدنی های مضر و خطرناك؛۲)آشامیدنی هایی که نجاست آلود شده اند؛ ۳)آشامیدنی هایی که نجس هستند؛۴)آشامیدنی های مست کننده چه خمر باشد و چه غیر خمر؛۵)انواع مواد مخدر.

۴.خمر و هر گونه مایع مست کننده،نجس است.

۵.برخی ازاحکام مترتب بر نوشیدن خمر:شارب خمر،مستحق حد شرعی می شود؛حد شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده،چهل ضربه و شلاق است؛شرب خمر و هر گونه مایع مست کننده باعث گناه و عصیان می شود.

۶.استفاده مواد مخدر حرام بوده و موجب تعزیر و تنبیه قضایی می شود.

۷.اگر حفظ جان متوقف بر استفاده از حرام باشد و یا مداوای مرضی با دستور پزشک مجرّبی متوقف بر استعمال شیء ناپاك باشد،فقهاء قایل به استثنا شده اند.

پرسش ها

۱.در آشامیدنی ها کدام اصل حاکم است؟

۲.آشامیدنی های حرام را بیان کنید.

۳.آیا در پی نوشیدن خمر احکامی جاری می شود؟توضیح دهید.

۴.حکم مواد مخدر چیست؟

۵.آیا در استفاده آشامیدنی های حرام استثنایی وجود دارد؟توضیح دهید.

ص:۲۵۳

درس پنجاه و دوم:احکام خوردن و آشامیدن(۳)

اشاره

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:«الوَضوء قبل الطعام ینفی الفقر و بعده ینفی اللمم».(«مسند الشهاب»؛ح:۳۰۰/«إحیاء علوم الدین»؛ج۲ ص ۳)

«شستن دست قبل از غذا فقر و نداری را از بین می برد و بعد از آن،جنون را خنثا می کند»

آداب غذا خوردن

مراعات نمودن آداب غذا خوردن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود.

مستحبات غذا خوردن

(۱)

۱.دست ها را قبل از غذا و پس از آن بشوید.

۲.در اول غذا خوردن «بسم الله الرحمن الرحیم» و در پایان، «الحمد لله رب العالمین» بگوید.

۳.با دست راست غذا بخورد.

۴.لقمه را کوچک بردارد.

۵.غذا را خوب بجود.

۱- (۱) .ر.ک به«احیاء علوم الدین»،ج۲،ص۲-۱۷.

۶.اگر چند نفر سر سفره نشسته اند،هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.

۷.میزبان بعد از همه از غذا دست بکشد.

مکروهات غذا خوردن (۱)

۱.در حال سیری غذا خوردن.

۲.پرخوری کردن.

۳.نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن.

۴.خوردن غذای داغ.

۵.فوت کردن به غذا.

۶.پاره کردن نام با کارد.

۷.گذاستن نان زیر ظرف.

۸.دور انداختن میوه قبل از آن که کاملاً آن را بخورد.

آداب آب نوشیدن

مراعات نمودن آداب آب نوشیدن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود.

مستحبات آب نوشیدن

(۲)

۱.نشسته بیاشامد،مگر آب زمزم را که آن را ایستاده بخورد.

۲.با دست راست بیاشامد.

۳.در اول آشامیدن آب «بسم الله الرحمن الرحیم» و در پایان، «الحمد لله رب العالمین» بگوید.

۴.به سه نفس آب بیاشامد.

۱- (۱) .ر.ک به«احیاء علوم الدین»،ج۲،ص۲-۱۷.
۲- (۲) .ر.ک به«احیاء علوم الدین»،ج۲،ص۵-۶.

مکروهات آب نوشیدن

(۱)

۱.زیاد آشامیدن.

۲.آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

۳.با دست چپ آب نوشیدن.

۴.هنگام نوشیدن آب روی ظرف نفس نفس کشیدن.

۱- (۱) .ر.ک به«احیاء علوم الدین»،ج۲،ص۵-۶.

چکیده مطالب

۱.مراعات آداب غذا خوردن و آشامیدن مساوی است با مراعات مستحبات و مکروهات آن دو.

۲.مستحبات غذا خوردن در هفت مورد و مستحبات آشامیدن در چهار مورد خلاصه شده است.

۳.مکروهات غذا خوردن در هشت مورد و مکروهات آشامیدن در چهار مورد خلاصه می شود.

پرسش ها

۱.آداب غذا خوردن در مراعات چه اموری نهفته است؟

۲.مستحبات غذا خوردن را بیان کنید.

۳.مکروهات غذا خوردن چند مورد است؟بازگو نمایید.

۴.مستحبات آشامیدن را نام ببرید.

۵.مکروهات آشامیدن کدام است؟

ص:۲۵۷

درس پنجاه و سوم:محرم و نامحرم

اشاره

قال الله تعالی: قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِکَ أَزْکی لَهُمْ إِنَّ اللّهَ خَبِیرٌ بِما یَصْنَعُونَ (سوره نور/۳۰)

به مؤمنان بگو چشمهای خود را(از نگاه به نامحرمان)فرو گیرند،و عفاف خود را حفظ کنند؛این برای آنان پاکیزه تر است؛خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است !

درآمد

قدرت بینایی و نگاه کردن،از نعمت های بزرگ الهی برای انسان است و او باید از این نعمت در راه کمال و ترقی خود و جامعه خویش استفاده کند.

نگاه به طبیعت و زیبایی های آن-اگر تجاوز به حقوقو دیگران نباشد-اشکال ندارد.خودداری از نگاه به نامحرمان و حفظ خود از نگاه افراد غریبه،احکام خاصی دارد که در این بخش با برخی از آنها آشنا خواهیم شد.

محرم و نامحرم

محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او محدودیتی که نسبت به سایر افراد هست،نمی باشد.

نامحرم کسی است که ازدواج با او حرام نیست و در نگاه به او محدودیت هایی وجود دارد.

افرادی که بر پسرها و مردان محرمند

افرادی که بر پسرها و مردان محرمند،به دو دسته کلی تقسیم می شوند:

دسته اول:کسانی که به سبب خویشاوندی نَسَبی با هم محرمند و عبارتند از:

۱.مادر و مادربزرگ؛

۲.دختر و دختر فرزند؛

۳.خواهر؛

۴.خواهرزاده(دختر خواهر)؛

۵.برادرزاده(دختر برادر)؛

۶.عمّه(عمّه خودش و عمه پدر و مادرش)؛

۷.خاله(خاله خودش و خاله پدر و مادرش).

دسته دوم:افرادی که به سبب ازدواج،بر پسرها و مردها محرم می شوند که عبارتند از:

۱.مادرِ زن و مادربزرگ او؛

۲.دخترِ زن،هرچند دختر خودش نباشد اگر با آن زن آمیزش کرده باشد؛

۳.زنِ پدر(نامادری)؛

۴.زنِ پسر(عروس).

به جز افرادی که در دو دسته یاد شد،دیگر زن ها برای پسرها و مردها نامحرمند؛حتی زن برادر و خواهرزن که البته ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست،حرام می باشد.

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند

افرادی که بر دخترها و زنان محرمند،به سه دسته کلی تقسیم می شوند:

دسته اول:کسانی که به سبب خویشاوندی نَسَبی با هم محرمند و عبارتند از:

۱.پدر و پدربزرگ؛

۲.پسر وپسر فرزند(نوه)؛

۳.برادر؛

۴.خواهرزاده(پسر خواهر)؛

۵.برادرزاده(پسر برادر)؛

۶.عمو(عموی خودش و عموی پدر و مادرش)؛

۷.دایی(دایی خودش و دایی پدر و مادرش)؛

دسته دوم:افرادی که به سبب ازدواج،بر دخترها و زن ها محرم می شوند که عبارتند از:

۱.شوهر؛

۲.پدر شوهر و پدربزرگ او؛

۳.پسر شوهر،هرچند فرزند خودش نباشد؛

۴.شوهر مادر(به شرط آن که با هم آمیزش کرده باشند)؛

۵.شوهر دختر(داماد).

دسته سوم:اگر زنی با شرائطی(که خواهد آمد)،بچه ای را شیر دهد،آن بچه بر آن زن و افرادی دیگر محرم می شود.این گونه محرمیت را«محرمیت رضاعی»گویند.

شرایط شیرده:زن باشد،بیش از نه سال سن داشته باشد،در حال شیر دادن زنده باشد.

شرایط شیرخواره:زنده باشد،کمتر از دو سال سن داشته باشد،پنج نوبت جداگانه شیر خورده باشد،شیر به شکمش رسیده باشد.

به جز افرادی که ذکر شد،دیگر مردها برای دخترها و زنان نامحرمند،حتّی شوهر خواهر و برادر شوهر.

نگاه به دیگران و احکام آن

۱.زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می توانند نگاه کنند،هرچند برای لذت بردن باشد.

۲.به جز زن و شوهر،نگاه کردن هر فرد انسانی به فر دیگر،اگر برای لذت بردن باشد،حرام است؛خواه همجنس باشد-مانند نگاه مرد به مرد دیگر-و یا غیر همجنس-مانند نگاه مرد به زن-؛خواه از محارم باشد و یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

۳.نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد،احکام خاصی دارد که عمده آن احکام:

چکیده مطالب

۱.محرم کسی است که ازدواج با او حرام است.

۲.نامحرم کسی است که ازدواج با او حرام نیست.

۳.افرادی که بر پسرها و مردان محرمند،به دو دسته کلی تقسیم می شوند:۱)نسبی:محرمیت به سبب خویشاوندی نَسَبی که در هفت مورد خلاصه می شود؛۲)سببی:محرمیت به سبب ازدواج که در چهار مورد خلاصه می شود.

۴.افرادی که بر دخترها و زنان محرمند،به سه دسته کلی تقسیم می شوند:۱)نسبی:محرمیت به سبب خویشاوندی نَسَبی که در هفت مورد خلاصه می شود؛۲)سببی:محرمیت به سبب ازدواج که در پنج مورد خلاصه می شود؛۳)رضاعی:محرمیت به سبب شیر دادن.

۵.زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می توانند نگاه کنند،هرچند برای لذت بردن باشد.به جز زن و شوهر،نگاه کردن هر فرد انسانی به فر دیگر،اگر برای لذت بردن باشد،حرام است؛

۶.نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد،احکام خاصی دارد.

پرسش ها

۱.محرم چه کسی است؟

۲.نامحرم را تعریف کنید.

۳.کسانی که بر پسرها و مردان محرمند بر چند دسته کلی تقسیم می شوند؟

۴.دسته اول کسانی که بر پسرها و مردان محرمند،نام ببرید.

۵.دسته دوم کسانی که بر پسرها و مردان محرمند،نام ببرید.

۶.افرادی که به سبب محرمیت نسبی بر دختران و زنها محرمند،نام ببرید.

۷.محرمیت رضاعی را بیان کنید.

۸.نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد چه حکمی دارد؟

ص:۲۶۲

درس پنجاه و چهارم:احکام ازدواج

اشاره

قال الله تعالی:

وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ (سوره روم/۲۱)

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید،و در میانتان مودت و رحمت قرار داد; در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند !

درآمد

دین مبین اسلام به ازدواج ترغیب و به امور و احکام آن توجه ویژه ای نموده است؛چرا که ازدواج دارای مصالح و فوائدی است که هم عاید افراد و هم عاید جامعه خواهد شد.از جمله:

۱.پاسخ به نیاز فطری ای که خداوند در نهاد افراد بشر قرار داده است؛

۲.تقویت جامعه اسلامی به وسیله نسل صالح و کارآمد و گسترش عفت؛

۳.ایجاد آرامش روحی و امنیت روانی؛

۴.جلوگیری از هلاکت اخلاقی و سقوط معنوی؛

۵.حفاظت از نوع صحیح و سالم بشری؛

۶.توسعه دائره خویش آوندی و استحکام بنیه همیاری و تعاون. (۱)

حکم ازدواج

حکم ازدواج به نسبت نفاوت افراد و شرایط آنان متفاوت است:

۱.واجب:کسی که توانایی مالی و غیر مالی برای ازدواج را دارد و به سبب نداشتن همسر به احتمال دارد حرام افتد و نتواند خودداری نماید،واجب است ازدواج کند. (۲)

۲.مستحب:کسی که توانایی مالی و غیر مالی و همچنین میل و رغبت برای ازدواج دارد،ولی مطمئن است که به سبب نداشتن همسر به حرام نخواهد افتاد،مستحب و پسندیده است که ازدواج کند. (۳)

همسر شایسته

سزاوار است که انسان به ویژگی ها و صفات کسی که می خواهد با او ازدواج کند،توجه داشته باشد و تنها به زیبائی و مال و مقام اکتفا نکند.برخی از صفات همسر شایسته از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدین قرار است:

۱.متدین و خوش اخلاق باشد؛

۲.با محبّت باشد؛

۳.عفیف و پاکدامن باشد؛

۴.در میان خانواده خود عزیز باشد؛

۵.نسبت به شوهرش متواضع باشد؛

۶.تنها برای شوهر خود زینت و آرایش کند؛

۱- (۱) .برای آشنایی تفصیلی ر.ک.به«الفقه المنهجی»؛ج۲،ص۹-۱۲.

۲- (۲) .«فقه السنه»؛ص۴۴۱.

۳- (۳) .«فقه السنه»؛ص۴۴۱؛«الفقه المنهجی»؛ج۲،ص۱۳.

۷.باکره و ولود باشد؛

۸.از شوهر خود اطاعت کند؛

۹.از جهت سنی،موقعیت اجتماعی،سطح فرهنگی و اقتصادی با هم نزدیک باشند. (۱)

همسر ناشایسته

برخی از صفات همسر ناشایسته در احادیث نبوی صلی الله علیه و آله چنین امده است:

۱.بی تقوا باشد؛

۲.در میان خانواده خود خوار باشد؛

۳.حسود و کینه توز باشد؛

۴.برای دیگران آرایش کند؛

۵.از شوهرش اطاعت نکند... (۲)

ارکان ازدواج

ازدواج دارای پنج رکن است:

۱.صیغه نکاح؛

۲.زوج(شوهر)؛

۳.زوجه(زن)؛

۴.ولی زوجه؛

۵.دو شاهد.

عقد ازدواج

در ازدواج باید صیغه مخصوصو آن خوانده شود و تنها راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست.بنابر این،خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج

۱- (۱) .«فقه السنه»؛ص ۴۴۳-۴۴۵.

۲- (۲) .«فقه السنه»؛ص ۴۴۳-۴۴۵

خوانده نشده،سبب محرم شدن نیست و آن دو نسبت به هم نامحرمند و هیچ تفاوتی با دیگر نامحرمان ندارند.

عقد ازدواج که با جاری شدن صیغه نکاح منعقد می شود،دارای دو رکن اصلی:ایجاب و قبول است.

ایجاب:از جانب ولی زوجه صروت می پذیرد و با الفاظی همچون«زَوَّجْتُکَ»و یا«أنْکَحْتُکَ ابْنَتِی»حاصل می شود.

قبول:از جانب زوج بوده و با الفاظی همچون«تَزَوَّجْتُ»و یا«نَکَحْتُ ابْنَتَکَ»انجام می شود.

ایجاب و قبول به غیر لغت عربی برای عاقدین و یا یکی از آنها که با لغت عربی آشنا نیستند،جایز است و اشکالی ندارد. (۱)

۱- (۱) .«قفه السنه»؛ص۴۵۲؛«الفقه المنهجی»؛ج۲،ص۵۲.

چکیده مطالب

۱.ازدواج دارای مصالح و فوائدی است که هم عاید افراد و هم عاید جامعه خواهد شد.

۲.حکم ازدواج به نسبت نفاوت افراد و شرایط آنان متفاوت است:۱)واجب:۲)مستحب:

۳.برخی از صفات همسر شایسته:تدین و خوش اخلاقی؛عفت و پاکدامنی؛عزت در میان خانواده خود؛تواضع و اطاعت نسبت به شوهر...

۴.برخی از صفات همسر ناشایسته:بی تقوایی؛خواری در میان خانواده خود؛حسودی و کینه توزی؛عدم اطاعت از شوهر...

۵.ازدواج دارای پنج رکن است:صیغه نکاح؛زوج؛زوجه؛ولی زوجه و دو شاهد.

۶.عقد ازدواج که با جاری شدن صیغه نکاح منعقد می شود،دارای دو رکن اصلی:ایجاب و قبول است.

پرسش ها

۱.مصالح و حکمت های ازدواج را بیان کنید.

۲.ازدواج واجب را بیان کنید.

۳.چه زمانی ازدواج مستحب است؟

۴.صفات همسر شایسته را بازگو نمایید.

۵.صفات ناشایست برای همسران را بیان کنید.

۶.ارکان عقد ازدواج کدام است؟

۷.ایجاب چگونه انجام می شود؟

۸.قبول در عقد ازدواج با چه الفاظی تحقق می یابد؟

منابع و مآخذ

قرآن کریم ۱.ابن حبان،ابو حاتم محمد،صحیح ابن حبان،قاهره:دار المعارف،۱۳۷۲ه-ق.

۲.ابو داود،سلیمان بن الاشعث،سنن ابی داود،قاهره:دار الحدیث،بی تا.

۳.احمد بن محمد،ابو عبدالله،مسند الامام احمد،قاهره:دار المعارف،۱۳۹۴ه-ق.

۴.البخاری،ابو عبد الله محمد بن اسماعیل،الجامع الصحیح(صحیح البخاری)،الریاض:مکتبه النهضه،۱۴۰۴ه-ق.

۵.الترمذی،ابو عیسی محمد،سنن الترمذی،قاهره:مطبعه بولاق،۱۲۹۲ه-ق.

۶.الجزیری،عبدالرحمن،الفقه علی المذاهب الاربعه،بیروت:دار الثقلین،۱۴۱۹ه-ق-۱۹۹۸م.

۷.الحاکم،ابو عبد الله محمد،المستدرک علی الصحیحین،بیروت:دار الکتب العلمیه،۱۴۱۱ه-ق.

۸.الخن،مصطفی و البغا،مصطفی و الشربجی،علی؛الفقه المنهجی علی مذهب الامام الشافعی،دمشق:دار العلوم الانسانیه،۱۴۱۷ه-ق-۱۹۹۶م.

۹.الدار قطنی،ابو الحسن علی بن عمر،سنن الدار قطنی،دهلی:مطبعه الانصار،۱۳۰۶ه-ق.

۱۰.السید سابق،فقه السنه،بیروت:مؤسسه الریان،۱۴۲۶ه-ق-۲۰۰۵م،الطبعه الثانیه.

۱۱.الشافعی،محمد بن ادریس،الرساله،بیروت:المکتبه العلمیه،۱۳۰۹ه-ق.

۱۲.الغزالی،ابو حامد محمد،الوجیز فی فقه مذهب الامام الشافعی،بیروت:دار الکتب العلمیه،۱۴۲۵ه-ق-۲۰۰۴م.

ص:۲۶۹

۱۳.-،احیاء علوم الدین،بیروت:دار المعرفه،بی تا،نسخه ۵جلدی.

۱۴.القرطبی،ابو الولید محمد بن احمد بن رشد،بدایه المجتهد و نهایه المقتصد،تهران:المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه،۱۴۳۲ه-ق-۲۰۱۱م،الثانیه.

۱۵.القضاعی،ابو عبدالله محمد بن سلامه،مسند الشهاب،بیروت:دار الرساله،۱۴۰۵ه-ق.

۱۶.مالک بن انس،ابو عبدالله،الموطأ،قاهره:دار احیاء الکتب العربیه،۱۳۷۱ه-ق.

۱۷.مسلم بن حجاج،ابو الحسین،صحیح مسلم،قاهره:دار احیاء الکتب العربیه،۱۳۷۴ه-ق.

ص:۲۷۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹